



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

لباس در روشنی سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم)

رساله ماستری

محصل: شکرالله "امیری"

استاد رهنما: دوکتور فصیح الله "عبدالباقی"

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری حدیث و تفسیر



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

ﷺ

لباس در روشنی سنت نبوی

رساله ماستری

محصل: شکر الله " امیری "

استاد رهنما: دوكتور فصیح الله " عبد الباقي "

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم شکرالله ولد امیر خان ID: SH-MST-97-456 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: لباس در روشنی سنت نبوی به روز ۱۳۸۸ تاریخ ۱ / ۷ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۵ (نمره به عدد) هشتاد و پنج (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور محمد عارف عطانی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستری

اهداء

الله متعال را نهایت شاکر و سپاسمندم که از روی لطف و کرم خویش ، پدر و مادری نهایت عزیز ، مهربان و فداکار را نصیبم ساخته تا در سایه درخت مهر و پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب علم و دانش تلاش نمایم، که آنها با نهایت مشکلات و چالشهای که در زندگی داشتند با آنها برای رضای الله متعال و مسئولیت که در قبال تربیت ام داشتند دستم را گرفتند و راه رفتن در این وادی زندگی پرفراز و نشیب را برایم آموختند، و من را بر سر سفره قرآن نشاندند با الفبای دین پرورش دادند و به راههای که باعث خیر و رستگاری ام می شد راهنمایی نموده و دانش و دانایی تربیت کرده و به سوی پژوهش و جستجو تشویق کردند و در این راه، هر سختی کوچک و بزرگی را به جان خریدند، ولی نگذاشتند که موانع و چالشهای پر خم و پیچ زندگی دست من را از دانش آموزی کوتاه و یا متزلزل کند، از خداوند متعال برای این دو قهرمان زندگی ام (وجود شان باعث افتخار بس عظیم در زندگی ام است) عمر دراز، تن سالم و صحت کامل، تمنی دارم و عاجزانه میخوام که همه ی تلاشهای مخلصانه ای شان را در ترازوی حسنات شان در روز قیامت قرار دهد و من را توفیق نصیب فرماید تا یک فرزند صالح و دعا گوی در حق شان بوده باشم، و این تیزس (رساله ماستری) خویش را به پیش گاه آنان اهداء و تقدیم میکنم.

با احترام

شکرالله امیری

سپاس گزارى

با تأسى به حديث رسول الله (ﷺ) «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ، لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^(۱) "كسى شکر مردم را بجا نیاورد، شکر پروردگار را نیز بجای آورده نمى تواند".

سپاس و ستايش الله (ﷻ) را که پيغمبر آخر الزمان محمد رسول الله (ﷺ) ، را فرستاد و قرآن کریم را منحيث نسخه ی جاويدان بخاطر هدايت وسعادت مندى بشریت نازل کرد تا خلق را از ظلمت جهل وضلالت دور کند و صحن گيتی را به نور علم و معرفت توسط قرآن و سنت منور سازد. و برای من توانایی بخشيد تا اين مجموعه را تحت عنوان (لباس در روشنى سنت نبوى ﷺ) تحرير نمودم ، اين تيزس (رساله ماسترى) برای تکميل مرحله ماسترى در ديپارتمنت تعليمات اسلامى رشته تفسير و حديث پوهنتون سلام گردد.

بعد از حمد و ثنای خدای یکتا و درود و سلام بر پیامبر اکرم (ﷺ)، از وزارت تحصیلات عالی کشور سپاسگزاری می کنم که با ایجاد زمینه ی آموزشی ما را با یک گام دیگر به ترقی علمى نایل ساخت.

و همچنان سپاسگزاری مینمایم از ریاست پوهنتون سلام، پوهنهی شرعیات و اداره بورد ماسترى قدر دانی مینمایم که به ایجاد فضای پر آسایش آموزشی در این زمینه ما را یاری رسانید.

و سپاس گزارى ویژه وناب دارم از استاد رهنمایم ،استاد دانشمند وگرامی جناب **دوکتور فصیح الله "عبدالباقي"** با وجودی مصروفیت های فراوان که داشتند، با نهایت صبر و حوصله ، مهربانانه و دلسوزانه در تهیه و ترتیب این رساله برایم رهنمایی و همکاری کردند. همچنان سپاس گزارى دارم از همه ای استادان نهایت عزیزم که در این مقطع حساس تحصیلی برایم تدریس کردند و در ترتیب و تکمیل این رساله من را یاری و همکاری کردند از الله رب العزت برای همه شان اجر جزیل را خواهانم.

^۱- ترمذی ، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى، (۱۹۹۸ م) ، سنن الترمذی ، دار الغرب الإسلامی - بيروت ، چاپ اول ، تحقيق : بشار عواد معروف ، (ج ۱-ص ۲۱۴)، شيخ آلبانی در صحيح وضعيف سنن الترمذی ج ۲ -ص ۴۵۵ ، حديث راصحیح لغیره ميگويد .

خلاصه ی بحث

خلاصه و فشرده ای این رساله قرار ذیل است:

لباس مسلمان زینت و زیبایی وی است، مسلمان کاری نمی‌کند که لباس‌هایش به وسیله‌ی مباحات و فخر فروشی او تبدیل گردند. البته تمایل به پوشیدن لباس و جامه‌ی زیبا دلیل بر فخر فروشی فرد نمی‌باشد. عده‌ای از اصحاب (رضی الله عنهم) چنان گمان می‌کردند که این کار نشانه‌ی ای است بر فخر فروشی و خودپسندی آنان و از این موضوع اندوهگین بودند، ولی رسول خدا (ﷺ) آنان را با این گفته آسوده خاطر نمود که: «**إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ**» یعنی: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد».

برای خرید لباس مبلغ زیادی مصرف نشود زیرا این کار اسراف به حساب می‌آید، بهتر است که در حد متوسط باشد، میانه روی در هرکاری پسندیده و مطلوب می‌باشد.

در نوع پوشش باید ما پوشش مناسب حال خود را انتخاب کنیم، و نباید زنان لباس مردانه بپوشند و همچنین برای مردان نیز درست نیست که البسه‌ی زنانه به تن نمایند. در حدیثی از پیامبر (ﷺ) آمده است: «**لَعْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الرَّجُلُ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ، وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ**» یعنی: رسول الله (ﷺ) مردی را که لباس زنانه می‌پوشد و زنی را که لباس مردانه می‌پوشد، لعنت نموده است.

همچنان باید مردان از پوشیدن لباس ابریشم و زیور آلات طلا خود داری نمایند:

رسول الله (ﷺ) می‌فرماید: «**حُرِّمَ لِبَاسُ الْحَرِيرِ وَالذَّهَبِ عَلَى ذَكَورِ أُمَّتِي، وَأَحْلَ لِنَاثِهِمْ**» یعنی: لباس ابریشمین و طلا بر مردان اتم حرام گردانیده شده و برای زن‌های شان حلال ساخته شده است. و همچنان تناسب و اندازه‌ی مناسب لباس نیز اهمیت زیادی دارد. کسی با قامت کوچک لباس‌های بزرگ و یک فرد هیكلی لباس‌های کوچک را نپوشد تا موجب استهزاء نگشته و همچنین رنگ آن نیز متناسب با سن و سال افراد باشد.

و همچنان باید رنگ سفید را زیاد پوشید! پیامبر خدا (ﷺ) می‌فرماید: «**الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبِياضَ؛ فَإِنَّهَا أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ، وَكَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ**» یعنی: لباس‌های سفید خود را بپوشد که آن از بهترین جامه‌های شما است و مرده‌های خود را در آن کفن کنید. این فرمان بر سبیل استحباب و پسندیده بودن می‌باشد و نه برای الزام و اجبار. در نتیجه منعی ندارد که انسان دیگر رنگ‌های مناسب خود را نیز بپوشد.

در پوشیدن لباس نو تشکر و سپاس از خداوند نماید به دلیل که رسول الله (ﷺ) وقتی لباس جدیدی می‌پوشید، آن را با نامش؛ پیراهن، جامه یا عمامه، صدا نموده و می‌فرمود: «**اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ. أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ**».

یعنی: بار خدایا! سپاس تو را و تو آن را بمن پوشانیدی از تو خیر آن و خیر آنچه را که برای آن ساخته شده می‌طلبم و به تو از شر آن و شر آنچه که برای آن ساخته شده پناه می‌برم. مسلمان پروردگارش را بخاطر نعمت لباس و پوشاک خویش سپاس گفته و این دعا را می‌خواند: «الحمد لله الذی کسانی ما أوری به عورتی وأتجمل به فی الناس» یعنی: سپاس خدایی راست که به من لباسی پوشانیده که بوسیله‌ی آن اعضای خود را مستور دارم و در میان مردم زیبایی حاصل کنم.

اصحاب پیامبر (ﷺ) وقتی لباس تازه ای می‌پوشید، به او می‌گفتند: کهنه‌اش کنی و خداوند دوباره برایت عطا نماید. رسول خدا (ﷺ) عمر بن خطاب -رضی الله عنه- را دید که لباسی نو بر تن کرده است، به او فرمود: «البس جدیداً، وعش حمیداً، ومت شهیداً» یعنی: لباس نو بپوشی، و زندگانی با حمد و ستایش خداوند داشت باشی، و مردنت با شهادت باشد.

برای مسلمان لازم است که آداب را در نظر گرفته هنگام پوشیدن لباس نخست، آن را از سمت راست برتن نماید. پیامبر (ﷺ) در هر کاری به سمت راست التفات بیشتری داشت. و زمانی که خواست آن را از تن بیرون کند، از سمت چپ آغاز می‌کرد.

شخص مسلمان سعی کند که لباس‌هایش پاک باشد، پاکی لباس به فرد احترام و وقار لازم را در جمع می‌بخشد.

عطر و خوشبویی در لباس، هرگاه کسی عطر یا خوشبویی را به پیامبر (ﷺ) هدیه می‌داد، آن حضرت (ﷺ) آن را رد نمی‌کرد، آن حضرت (ﷺ) بوی خوش را دوست داشت پس چه زیباست که لباس مسلمان خوشبو باشد.

وصلی الله وسلم علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم

شکرالله " امیری "

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱	مقدمه
فصل اول	
مفهوم لباس و سنت	
۱۰	تمهید
۱۱	مبحث اول : تعریف لباس ، اهمیت و ضرورت آن
۱۱	مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی لباس
۱۳	مطلب دوم : پیدایش لباس
۱۴	مطلب سوم : اهمیت و ضرورت مردم به لباس
۱۷	مبحث دوم : تعریف سنت ، انواع و اهمیت آن
۱۷	مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی سنت
۱۹	مطلب دوم : انواع سنت
۲۱	مطلب سوم : اهمیت سنت
۲۲	مطلب چهارم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) در حیات ایشان
۲۳	مطلب پنجم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) پس از وفات شان
فصل دوم	
انواع لباس	
۲۵	تمهید
۲۶	مبحث اول : انواع لباس از لحاظ اندازه
۲۶	مطلب اول : اعتدال در لباس
۲۷	مطلب دوم : اندازه آستین (کم)
۲۸	مطلب سوم : اندازه ازار
۳۰	مبحث دوم : انواع لباس لحاظ پوشش
۳۰	مطلب اول : لباس مخصوص سر
۳۴	مطلب دوم : لباس مخصوص جسم و بدن
۴۰	مطلب سوم : لباس مخصوص دست و پای
۴۸	مبحث سوم : انواع لباس از لحاظ رنگ

۴۸	مطلب اول : لباس سرخ
۴۹	مطلب دوم : لباس سبز
۵۱	مطلب سوم : لباس زرد
۵۲	مطلب چهارم : لباس سفید
۵۵	مطلب پنجم : لباس سیاه

فصل سوم

شروط ، احکام و آداب لباس

۵۷	تمهید
۵۸	مبحث اول : شروط لباس
۵۸	مطلب اول : لباس حرام نباشد
۶۹	مطلب دوم : مخالف سنت نباشد
۷۳	مطلب سوم : لباس پوشاننده عورت باشد
۷۹	مبحث دوم : احکام لباس
۷۹	مطلب اول : احکام لباس در رابطه به نماز
۸۰	مطلب دوم : احکام شکلیات لباس مرد در بعضی اماکن عبادی
۸۲	مطلب سوم : احکام لباس در رابطه به کفن
۸۵	مطلب چهارم : احکام لباس مرد در رابطه به حج و عمره
۸۶	مبحث سوم : آداب پوشیدن لباس
۸۶	مطلب اول : تواضع در لباس
۸۸	مطلب دوم : ادای شکر نعمت لباس
۸۸	مطلب سوم : انکار وارده در پوشیدن لباس
۸۹	مطلب چهارم : حفظ مروءه و مردانگی در لباس
۹۰	مطلب پنجم : بوت را ایستاده نپوشد
۹۱	مطلب ششم : تکان دادن نعال در وقت پوشیدن
۹۱	مطلب هفتم : به پای راست پوشیدن و به پای چپ کشیدن
۹۲	مطلب هشتم : دارای نعال واحد نباشد
۹۲	مطلب نهم : در وقت طعام کفش کشیده شود
۹۳	مطلب دهم : مشابه به کفش های زنان نباشد
۹۵	نتیجه گیری

٩٨.....	پیشنهادات
٩٩.....	ملخص البحث
١٠١.....	فهرست آیات قرآن کریم
١٠٢.....	فهرست احادیث شریف
١١٠.....	فهرست اعلام
١١٢.....	فهرست منابع ومصادر
١١٧.....	Summary of the discussion

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله.

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ} (١) .

{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالاً

كَثِيراً وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً} (٢) .

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ

يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً} (٣) .

و بعد !

یقیناً که الله (ﷻ) از میان تمام امتهامت رسول اکرم (ﷺ) را بهترین امت توصیف نموده است. {كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ} (٤). « شما بهترین امتی هستید که برای (سود) مردم آفریده شده اید».

ولی اگر انسان در وقایع امروز جهان اسلام و امت اسلامی متوجه شود، درک خواهد کرد بین آنچه که قرآن کریم و سنت نبوی (ﷺ) در باره اسلام و اهل آن ترسیم نموده و آنچه که مردم به اسم دین انجام میدهند، هم در اهداف و هم در رفتار و سلوک فاصله ی زیاد وجود دارد.

بنابراین دیده میشود در یک طرف افراط و غلو بیداد میکند و در طرف دیگر تفريط و جفا با تمام لجاجت و بی حیائی، کسالت و کج فهمی خود را به دامن پاک اسلام نسبت می دهد. و اگر به حال مسلمین معاصر نظر اندازی صورت گیرد، پدید میآید که برخی آنها از این پدیده های شوم؛ نیز در امان نیستند، لذا در راه نجات بشریت عده ی در دامن غرب فرو رفتند و عده دیگر در دامن شرق سقوط کردند. از فرهنگ وارداتی و بیگانه چنان متأثر شدند که فرهنگ ناب اسلامی و ایمانی را عقب گذاشتند.

در حالیکه یگانه راه نجات امت اسلامی، همانا مراجعه به قرآن و سنت و پیروی از آن است که الله متعال تمام جوانب آن را توضیح و راه های تطبیق آن را بیان نموده است.

١ - سوره آل عمران: آیت، ١١٠.

٢ - سوره النساء: آیت، ١.

٣ - سوره احزاب: آیت، ٧٠ - ٧١.

٤ - سوره بقره: آیت، ١٤٣.

همانگونه که الله متعال میفرماید : { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } (۱) . « این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور میسازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید! ».

مسئله و بیان سوالهای تحقیق

لباس، یک ارزش فرهنگی و اخلاقی و ضرورت دینی است و هیچ دینی از ادیان سماوی نبود، نیست و نخواهد بود که عاری از لباس باشد. در واقع، لباس محصول زینت یک جامعه ارزش مند است. افراد جامعه‌ای که مزین به لباس شرعی و اخلاقی نباشد، هیچ تفاوت به حیوانات ندارد.

آنچه مهم است، نحوه ی پوشش لباس در روشنی دین و اخلاقیات اسلامی است. اما آنچه در این جا منحیث بیان مسأله وجود دارد ، لباس در روشنی سنت نبوی (ﷺ) است .

و منظور از تحقیق این رساله دانستن و شناخت لباس در روشنی سنت مطهره نبوی (ﷺ) است ، که متأسفانه امروز مردم ما از شیوه زندگی رهبر بشریت فاصله گرفته اند، و خصوصاً در قضیه لباس و پوشش بدن ، شیوه لباس رسول الله (ﷺ) را فراموش کرده و از لباس بیگانه ها و غربی ها استفاده و تقلید میکنند .

و همچنین از لباس های که در حدیث نهی شده و پیامد بد این تقلید نا میمون بر امت اسلامی، مشکلات و چالشهای را به میان آورده و امت را از شیوه لباس اسلامی کنار زده است که از زمان رسول الله (ﷺ) تا حال آگاهی و معلومات کامل حاصل نموده و در لباس پوشی شیوه درست انتخاب نمائیم.

چون رسول الله (ﷺ) در همه ابعاد زندگی ایشان الگوی خوب و شایسته ی است که بشریت تکلیف اتباع و پیروی از آن را دارند ، در غیر آن ممکن نیست که ما دین را بصورت درست و واقعی که الله (ﷻ) از ما خواسته بشناسیم . یکی از راه های شناخت درست دین این است که ما به زندگی عملی رسول الله (ﷺ) مراجعه نموده و در همه ی ابعاد زندگی ما به حدیث پیامبر (ﷺ) دسترسی کامل داشته باشیم و ارشادات آن حضرت (ﷺ) را در همه موارد بفهمیم .

سوالات تحقیق

الف. سوالات اصلی تحقیق

- ۱- لباس در روشنی سنت چگونه بیان گردیده است ؟
- ۲- نحوه ی پوشش لباس در روشنی سنت نبوی چگونه است؟

۱- سوره انعام : آیت / ۱۵۳ .

ب. سوالات فرعی تحقیق

- ۱- انواع لباس از لحاظ حکم به چند نوع تقسیم میشود ؟ .
- ۲- چرا سنت نبوی (ﷺ) بر لباس توجه کرده است ؟ .
- ۳- شروط پوشش لباس چیست ؟ .
- ۴- آداب پوشیدن چیست ؟
- ۵- تشبه با دیگران در لباس چه اثرات منفی را ببار میآورد .

اهمیت و ضرورت تحقیق این موضوع

من بارها در قضایا و امور فعلی امت اسلامی تامل کردم و یقین کردم که امت اسلامی و بالخصوص نسل فعلی و جوان امت بی انتها نیاز به شناخت مفهوم حقیقی اسلام دارد که در آن در تمام ابعاد زندگی مخصوصا در بعد لباس توجه خاص صورت گرفته است .

و بعد از آنکه دوره ماستری خود را از پوهنتون سلام در رشته تعلیمات اسلام سپری نمودم ، فکربحث علمی رساله ماستری ، من را وا دارساخت که یک بار دیگر روش اسلام و رسول اکرم (ﷺ) و یاران وفا دار شان را در رابطه به لباس و پوشش دقت بیشتر نمایم ، بعد از مطالعه قضایای امت و روش رسول اکرم (ﷺ) دریافتم که قرآن و سنت مطهره نبوی (ﷺ) در تمام جوانب در اصول و فروع ، در عقیده و عبادت، در سلوک و رفتار و حتی در تصور و عمل ، در لباس و پوشش ، برنامه دارد که گاهی به تفصیل و گاهی به اجمال، گاهی به خبر و گاهی به انشاء بحث و حتی راه تطبیق و اجراء آن را توضیح و روشن ساخته است، و نظر به اهمیت موضوع و شدت نیاز جامعه معاصر مان به این موضوع، خواستم رساله ماستری خود را در روشنی سنت مطهره نبوی (ﷺ) به این موضوع اختصاص دهم و فراموش نگردد که در تفسیر آیات قرآن کریم و سنت مطهره نبوی (ﷺ) فهم سلف و قرون مفضله و در نزد اصل است و از تمام استاذان که با من در اختیارموضوع مشوره و یا مساعدت کردند و بالخصوص استاذ بزرگوار و دانشمندمان جناب **دکتور فصیح الله - حفظه الله** - که بدون خستگی در غنا مندی این رساله مخلصانه توجیه نمودند، بسیار متشکرم و امید وارم که این رساله علمی ذخیره آخرت برای همه ما گردد .

با اینکه مفهوم (لباس) در قرآن کریم، و اینچنین در احادیث نبوی(ﷺ) در مواضع، و موضوعات متعدد یاد و به آن تاکید شده است . ولی در تطبیق و عمل کردن به آن عده زیاد مردم به خطا و انحراف رفته اند ، برخی راه افراط و برخی دیگر راه تفریط را اختیار نموده است .

اسباب اهمیت موضوع

۱- تعلق محکم لباس به عبادت الله (ﷺ) ، از جمله نماز ، حج ، عمره ، تکفین ، نماز جمعه ، عیدین ، استسقاء و همچنان تاثیر لباس بر صحت و عدم صحت بعضی از این موارد و آنچه که تعلق به شروط ، آداب و احکام اینها دلالت دارد .

۲- اهمیت لباس عموماً و لباس مردان خصوصاً در زندگی مردم ، و تاثیر آشکار این موضوع بر اخلاق و حیاء انسان است .

۳- لباس شخص مسلمان نمایانگر صورت آشکار وی است که از غیر مسلمان به واسطه آن فرق کرده میشود از جمله فرق آن با کفار و فرق میان مرد و زن ...

۴- منکرات را که بعضی از مردم در این عصر مرتکب میشوند ارتباط به قضیه لباس دارد ، که این ناشی از جهل ایشان است که آداب ، شرایط و قواعد لباس را از منظر شریعت نمیدانند و از همین جهت مرتکب اشتباه و خطا میشوند .

۵- جنگ فکری که از طرف دشمنان علیه اسلام و امت اسلامی ترسیم شده است ، سعی و تلاش میکنند که با وارد و مد کردن لباسهای غربی ، مسلمانان را از صبغه و شیوه شرعی لباس اسلامی دور کنند ، و این را نیز اذعان میکنند که لباس عرف است و هر کس حق دارد مطابق میل و خواست خود لباس بپوشد و اسلام در آن دخالتی ندارد ، در حالیکه این گمان دروغ و کذب است . اهمتایی را که اسلام ، در عموم و سنت نبوی (ﷺ) بطور خاص در رابطه به لباس کرده بی نظیر است ، در همه موارد لباس رهنمایی و قواعد مشخص خود را دارد و بر پیروان خویش هدایت داده است

۶- برای هر محصل که از دوره ی ماستری فارغ میگردد لازم و ضروری است که به عنوان دستاورد علمی یک رساله ی را در رابطه به رشته یا حوزه تخصص خود بنویسد ، بنا بر تقاضای خود و ضرورت شدید جامعه علمی خواستم این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهم .

فواید تحقیق

- ۱- دانستن رهنمایی های رسول الله (ﷺ) در رابطه به استفاده از انواع لباس .
- ۲- شناخت درست از ضرورت لباس و دانستن اهمیت آن در زندگی اسلامی و انسانی
- ۳- جهت دفع انتقاد از کسانی که میگویند اسلام تنها بر نماز ، زکات و چند احکام خاص توجه دارد ، در حالیکه اسلام در همه موارد زندگی برای بشریت رهنا و مقتدا است .

روش تحقیق

قابل تذکر است که تحقیقی که بنده انجام آنرا میدهد، تحقیق توسیعی (توصیفی) است، که از روش‌های استدلال عقلانی و توصیفی استفاده شده، و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده، میباشد، و در این تحقیق منهج ذیل را به خود انتخاب نموده ام :

۱ - تمام آیات قرآنی را در بین قوسین { } بولد مینمایم، و در پاورقی نسبت آیه به نام سوره و شماره آیه میدهیم، و ترجمه آیت قرآنی را در بین قوس " " از تفسیر محمد گل گمشاد زهی و تفسیر نور می‌گرم، لهذا ترجمه آیت به زبان فارسی را به کدام کتابی تفسیری نسبت نمی‌دهم.

۲ - تخریح حدیث از مصادر اصلی آن مینمایم، و اگر حدیث در صحیحین باشد اکتفاء به تخریح آنها میکنم، و اگر در صحیحین نبود به سنن اربعه به همراه مسند احمد رجوع میکنم، و حکم آن از امام البانی را نقل میکنم، و اگر به این کتابهای نبود بعدا به کتاب های دیگری از سنن و مسانید و معاجم رجوع میکنم، البته از مکتبه شامله اخذ نمودم، و بعدا به کتاب اصلی به صورت PDF رجوع نموده و آنرا مقایسه مینمایم، و یا به مکتبات دیگری رجوع نموده، و حکم احادیث از امام البانی ذکر میکنم، اگر امام البانی از حدیث سخن در کتاب هایش گفته باشد، و اگر این حدیث در کتابهای امام البانی دریافت نکردم، سپس حکم علمای که بر آن کتاب تحقیق و تدقیق نموده آنرا ذکر مینمایم.

۳ - در تخریح حدیث صحیحین را مقدم می‌کنم به این گونه که اول صحیح البخاری و بعدا صحیح مسلم، و بعدا سنن اربعه همراه مسند احمد به این گونه سنن الترمذی و ابوداود و نسائی و ابن ماجه و مسند احمد، و بعدا از کتب دیگری بحسب و فیات مصنفین ترتیب میدهم.

۴ - تمام اقوال علماء را به حسب و فیات شان ترتیب داده ام، و اگر از معاصرین باشد، آنرا حسب ولادتش ترتیب میدهم.

۵ - تعریف تمام کتاب ها را در دفعه اول ذکر مینمایم، به گونه که اول نسبت مصنف کتاب، و بعدا نام مصنف، و تاریخ وفات مصنف، و تاریخ نشر کتاب، و نام ناشر، و نام مکان نشر کتاب، و شماره چاپ کتاب، و نام محقق، و نام کتاب همراه جلد و صفحه و شماره را ذکر مینمایم، و اما به تکرار دفعه دوم فقط اکتفاء به نام کتاب و ذکر جلد و صفحه میکنم، و اما نام باب را ذکر نمی‌کنم بخاطر اختصار، زیرا در این بحث حوالات زیادی وجود دارد که باعث طولانی شدن پاورقی میشود.

پیشینه تحقیق

در باره لباس کتابهای بسیار نوشته شده است، از جمله کتابهای که من به آنها اطلاع یافتم میتوان کتب آتی را ذکر نمود :

- ۱- فقه الإمام البخاري في كتاب اللباس والزينة من جامع صحيح . از دكتور سعيد بن احمد
- ۲- احكام اللباس ، نیز از دكتور محمد ابن عبدالله .
- ۳- اللباس والزينة في الشريعة الاسلامی ، از دكتور محمد عبدالعزيز عمرو .
- ۴- ظاهرة الإهتمام باللباس عند الشباب الجامعي . بوتقرايت رشيد .
- ۵- اللباس في عصر الرسول . دكتور محمد بن فارس الجميل .
- ۶- تحفة الأحاباد بأداب اللباس والطعام والشراب . از عبدالله بن جار الله .
- ۷ - تنبيه الناس بشأن اللباس . از عبدالله بن صالح القصير .
- ۸- تنبيهات هامة على ملابس المسلمين اليوم ومعه فتاوى في الإسبال وآداب اللباس ، عبدالحق بن عبداللطيف .

۹- لباس الرجل أحكامه وضوابطه في الفقه الإسلامي ، از دكتور ناصر بن محمد الغامدى

۱۰- لباس الرسول صلى الله عليه وسلم والصحابة والصحابيات، از محمد يونس بن عبدالستار

نویسندگان کتب فوق الذکر، مفهوم لباس ، اساسات لباس ، مظاهر و جوانب لباس و موضوعات از این قبیل را که متعلق به لباس و تطبیقات آن است، تا حد مقدور، بحث و تحقیق نمودند که میتوانیم از آنها به عنوان آثار علمی بسیارگران بها، مفید و راه گشا تعبیرنمائیم .

در برخی از کتب فوق، سعی و تلاش گردیده است ، تا تمام مظاهر و زوایای (لباس) را به شکل تفصیلی به بررسی گرفته شود ، و در عده دیگر نسبتاً اجمالی تر بحث شده مگر بسیار همه جانبه مثل کتاب (اللباس والزينة في الشريعة الاسلامی) از دكتور محمد عبدالعزيز عمرو . و در برخی کتب دیگر، موضوع بحث را (لباس) را گذاشته بحث را کلان تر نموده اند و مسائل جانبی در آنها بیشتر دیده میشود مثل (لباس الرجل أحكامه وضوابطه في الفقه الإسلامي) از دكتور ناصر بن محمد الغامدى .

هر چند (بحث پیرامون لباس) موضوع جدید به نظر نمیرسد، و مؤلفین مختلف خصوصاً در زمانهای معاصر کتابهای زیاد نوشته کرده اند، و رساله تحقیقی عده از علماء در پوهنتونهای معتبر عالم اسلامی اختصاص به این موضوع یافته است . ولی سعی بنده در این بحث بر آن خواهد بود، تا رساله ی نوشته نمایم که در آن انتهای سعی و تلاش عقلی ام را هنگام خواندن نصوص و استدلال مسائل از آن به خرچ دهم و مفاهیم را در خلال بحث با دلایل واضح تقدیم نمایم که در اثبات آن از قرآن کریم و سنت نبوی – صلى الله عليه و سلم - نیاز به تکلف و اجتهاد نبوده باشد، در حالیکه چنین تکلف در برخی از کتب فوق دیده میشود .

و کوشش خواهیم کرد تا آن عده آیات قرآنی را که از (لباس) حرف میزند به شکل دقیق جمع نموده و در خلال نوشتن بحث به معتبرترین کتب موجود در اختیارم مراجعه نمایم، و در ضمن تا حد توان به کتب اطلاع حاصل نمایم که در باره لباس و احکام آن .
و دیگر اینکه تمام کتب فوق و امثال آنها به زبان عربی نوشته شده و از اصطلاحات استفاده گردیده است که نسل جوان ما نظر به عدم آشنائی شان به زبان عربی از استفاده آنها عاجز اند؛ بناء تلاش خواهیم کرد که این رساله مصدرخوبی برای فهم لباس و شیوه لباس در اختیار نسل جوان و تحصیل کرده کشورم قرار گیرد.

پلان تحقیق

این بحث شامل مقدمه، سه فصل، خاتمه و فهرس میباشد .

مقدمه شامل موضوعات زیر است :

- مسئله و بیان سوالهای تحقیق
- سوالات تحقیق
- اهمیت و ضرورت تحقیق این موضوع
- اسباب اهمیت موضوع
- فواید تحقیق
- روش تحقیق
- پیشینه تحقیق
- پلان تحقیق

فصل اول : مفهوم لباس و سنت

این فصل شامل تمهید و دو مبحث می باشد :

مبحث اول : تعریف لباس ، اهمیت و ضرورت آن

شامل سه مطلب است :

مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی لباس

مطلب دوم : پیدایش لباس

مطلب سوم : اهمیت و ضرورت مردم به لباس

مبحث دوم : تعریف سنت ، انواع و اهمیت آن

شامل پنج مطلب است :

مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی سنت

مطلب دوم : انواع سنت

مطلب سوم : اهمیت سنت

مطلب چهارم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) در حیات ایشان

مطلب پنجم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) پس از وفات شان

فصل دوم : انواع لباس

این فصل شامل تمهید و سه مبحث می باشد :

مبحث اول : انواع لباس از لحاظ اندازه

شامل سه مطلب است :

مطلب اول : اعتدال در لباس

مطلب دوم : اندازه آستین (کم)

مطلب سوم : اندازه ازار

مبحث دوم : انواع لباس لحاظ پوشش

شامل سه مطلب است :

مطلب اول : لباس مخصوص سر

مطلب دوم : لباس مخصوص جسم و بدن

مطلب سوم : لباس مخصوص دست و پای

مبحث سوم : انواع لباس از لحاظ رنگ

شامل پنج مطلب است :

مطلب اول : لباس سرخ

مطلب دوم : لباس سبز

مطلب سوم : لباس زرد

مطلب چهارم : لباس سفید

مطلب پنجم : لباس سیاه

فصل سوم : شروط ، احکام و آداب لباس

این فصل شامل تمهید و سه مبحث می باشد :

مبحث اول : شروط لباس

شامل سه مطلب است :

مطلب اول : لباس حرام نباشد

مطلب دوم : مخالف سنت نباشد

مطلب سوم : لباس پوشاننده عورت باشد

مبحث دوم : احکام لباس

شامل چهار مطلب است :

مطلب اول : احکام لباس در رابطه به نماز

مطلب دوم : احکام شکلیات لباس مرد در بعضی اماکن عبادی

مطلب سوم : احکام لباس در رابطه به کفن

مطلب چهارم : احکام لباس مرد در رابطه به حج و عمره

مبحث سوم : آداب پوشیدن لباس

شامل ده مطلب است :

مطلب اول : تواضع در لباس

مطلب دوم : ادای شکر نعمت لباس

مطلب سوم : انکار وارده در پوشیدن لباس

مطلب چهارم : حفظ مروءه و مردانگی در لباس

مطلب پنجم : بوت را ایستاده نپوشد

مطلب ششم : تکان دادن نعال در وقت پوشیدن

مطلب هفتم : به پای راست پوشیدن و به پای چپ کشیدن

مطلب هشتم : دارای نعال واحد نباشد

مطلب نهم : در وقت طعام کفش کشیده شود

مطلب دهم : مشابه به کفش های زنان نباشد

خاتمه : شامل نتیجه گیری، پیشنهادات و خلاصه بحث است.

فهارس : شامل فهرست آیات قرآن کریم، فهرست احادیث، فهرست مصادر و مراجع می باشد.

فصل اول

مفهوم لباس و سنت

تمهید

لباس از جمله فرایض مستحکم و از جمله دستورات الهی و شرعی میباشد ، برای وقایه آنچه که باعث اذیت رسانیدن به جسم و تن ، روح و روان انسان میگردد ، مشروع قرار داده شده است ، پس رهایی جامعه از لباس و پوشش نا ممکن است ، یعنی زندگی برای انسان بدون لباس ، ستر و پوشش امکان ندارد ، بدین ملحوظ بشریت به دو گونه لباس نیازمند اند، چون کالبد انسانی مرکب از روح و جسم است ، بناء برای سلامتی جسم آن لباس ظاهری و حسی مطلوب بوده و برای سلامتی روح و معنویت آن لباس تقوا مطلوب میباشد ، که شریعت اسلامی به هر دوی آن اهمیت و جایگاه خاصی را قایل شده ، گونه های مختلف آن همانا لباس حسی و معنوی میباشد که لازم و ملزوم یکدیگر اند ، هیچ یک به نبود غیرش مفید نبوده که در قرآنکریم و سنت مطهره نبوی (ﷺ) وضاحت صورت گرفته و آنچه که مورد نظرش بوده و میباشد بیان داشته است . بنابراین در ذیل پیرامون معنی و مفهوم لباس ، معنی و مفهوم سنت مطهره نبوی (ﷺ) و جایگاه آن در تشریح احکام و همچنان در توضیح و تشریح مفاهیم قرآنکریم بیان خواهیم نمود .

مبحث اول : تعریف لباس ، اهمیت و ضرورت آن

مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی لباس

الف- تعریف لباس در لغت: لباس از ماده (لام، با، سین) گرفته شده است، به دو معنی می‌آید:

۱- از باب علم یعلم باشد که ماضی آن مکسور العین ومضارع مفتوح العین به معنی پوشیدن می‌آید.

۲- اگر از باب ضرب یضرب بباشد که ماضی مفتوح العین ومضارع مکسور العین به معنی اختلاط والتباس می‌آید^(۱).

لباس بمعنی التباس ، اشتغال ، مخالطت ، مداخله ، آنچه که بدن به آن ستر میگردد ، آنچه که پوشیده شده و بدن به آن ستر میگردد ، اجتماع و اتصال بوده است^(۲).

و اطلاق لباس به آن چیزی میشود که انسان آنرا میپوشد^(۳).

و همچنان اطلاق کلمه لباس برای برخی از اشیا مجازاً صورت میگیرد ، چنانچه در قرآنکریم زن و شوهر را نسبت به همدیگر لباس خوانده شده است که هر یک نسبت به دیگری ستر و پوشش است^(۴).

پس اطلاق کلمه لباس در لغت عرب بر معانی ذیل صورت میگیرد

۱ - بمعنی ستر، یعنی آنچه که بدان عورت و جسد ستر میگردد : چنانچه دستور الله (ﷺ) به این معنی بوده است : **{وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ}** ^(۵) " و جامه های سبز (فاخري از انواع مختلف) حریر نازک و ضخیم میپوشند" .

بنابراین معنی لباس بمعنی ستر و پوشانیدن است ، و به معانی دیگر نیز استعمال میگردد .
{ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا } ^(۶) " ای اولاد آدم ! ما لباسی برای شما درست کرده‌ایم که عورات شما را میپوشاند ، و لباس زینتی را برایتان ساخته‌ایم که خود را می‌آرائید " .

۱ - قلعه جی ، د محمد رواس ، (۱۴۰۵) . معجم لغة الفقهاء . دار النفائس . بيروت : لبنان . طبع اول ، (ج ۱ . ص ۳۸۸)

۲ - رازی ، محمد بن ابي بكر بن عبد القاد ، زين الدين ، أبو عبد الله (۱۴۲۰) ، مختار الصحاح ، المكتبة العصرية الدار النموذجية ، بيروت صيدا ، چاپ سوم ، تحقيق : يوسف الشيخ محمد . (ج ۱ - ص ۲۷۸) .

۳ - ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي ، (۱۳۸۸ هـ) . لسان العرب ، مكتبة مركزية ، بيروت ، لبنان . (ج ۳ . ص ۳۳۵)

۴ - ابراهيم ، مصطفى . (۱۴۲۵) معجم الوسيط . مكتبة الشروق الدولية ، بيروت ، لبنان ، طبع چهارم ، (ج ۲ - ص ۸۱۳) .

۵ - سوره كهف آيت : ۳۱

۶ - سوره اعراف آيت : ۲۶ .

۲- تخلیط ، التباس و اشتباه^(۱) : چنانچه که الله عزوجل فرموده است : { وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مِمَّا يَلْبَسُونَ }^(۲) " اگر هم فرشته ی را (مؤید پیغمبر) میکردیم ، او را به شکل انسان در میآوردیم (تا آنان بتوانند او را ببینند و سخنانش را فهم کنند . در این صورت باز هم اشکال برطرف نمیشد) و ایشان را دچار همان اشتباهی میکردیم که قبلاً در آن بودند " .

و نیز فرموده است : { وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ }^(۳) " و حق را که از جانب خدا فرو فرستاده شده است با باطل که خودتان آن را به هم بافته اید نیامیزید ، و حق را که از جمله آن صدق محمد است پنهان نکنید . و حال آن که میدانید پیغمبری او ، راست است " .

ب- تعریف لباس در اصطلاح : لباس از لحاظ مفهوم اصطلاحی آن به چیزی اطلاق میگردد که مناسب برای پوشیدن بوده و برای ستر عورت ، وقایه از اذیت گرمی ، سردی و غیر آن و همچنان برای زینت ، جمال و امثال آن میباشد .

چنانچه علماء^(۴) تعریف نمودند : « وَ هُوَ مَا يَسْتُرُ الْبَدَنَ وَ يَدْفَعُ الْحَرَّ وَ الْبُرْدَ »^(۵) . "لباس عبارت از آنچه که بدن را ستر نموده و گرمی و سردی را دفع نماید .

و نیز تعریف دیگری در مفهوم اصطلاحی لباس قرار ذیل ذکر شده است : « هُوَ كُلُّ مَا وَارَى بِه الْإِنْسَانَ عَوْرَتَهُ ، وَ سَتَرَ بِه جَسَدَهُ ، وَ دَفَعَ بِه حَرَّ الْمَصِيفِ ، وَ بُرْدَ الشِّتَاءِ »^(۶) . "لباس عبارت از آنچه که انسان عورت خود را بپوشد و بدن خود را ستر نماید ، و بوسیله آن گرمی تابستان و سردی زمستان را از خود دفع نماید .

و همچنان تعریف جامعی از دانشمندان وجود دارد که آنرا تذکر میدهیم : « مَا يُوَارِي بِه الْإِنْسَانَ جَسَدَهُ ، وَ يَسْتُرُ بِه سَوَاتِهِ ، وَ يَتَزَيَّنُ بِه وَ يَتَجَمَّلُ بَيْنَ النَّاسِ ، مِمَّا أَبَاحَهُ لَهُ الشَّارِعُ الْحَكِيمُ سَبْحَانَهُ ، وَ لَمْ يَتَعَارَضْ مَعَ آدَابِ الْإِسْلَامِ وَ أَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ »^(۷) .

۱- جوزي ، ابو الفرج ، جمال الدين عبد الرحمن بن علي بن محمد . (۱۴۰۲) . زاد المسير في علم التفسير . دار الكتاب العربي - بيروت ، تحقيق: عبد الرزاق المهدي . (ج ۲ - ص ۱۲)

۲- سوره الانعام : آیت ۹ .

۳- سوره بقره : آیت ۴۲ .

۴- لسان العرب ، (ج ۳ ص ۳۳۵) .

۵- لجنة من العلماء . (۱۴۰۴) الموسوعة الفقهية الكويتية ، دار السلاسل : الكويت . طبع دوم . ج ۶ - ص ۱۲۸

۶- غامدی ، ناصر بن محمد . (۱۴۳۴ هـ) . لباس الرجل احكامه و ضوابطه في الفقه الاسلامي ، دار طبية الخضراء : مكة المكرمة . طبع سوم ، (ج ۱ - ص ۴۷)

۷- همان ص ۱۶۸ .

"لباس عبارت از آنچه که به آن انسان بدن خود را بپوشد ، و عورت خود را ستر نماید ، در میان مردم خود را مزین ساخته ، و با استفاده از آنچه که شارع حکیم برای آن مباح قرار داده و با آداب و اوامر و نواهی اسلام در تعارض قرار نداشته باشد".

اگر به معانی لباس دقت صورت گیرد دریابیم که تعریف سوم اصطلاحی جامع و مانع لباس است، بنابر این بنظر بنده تعریف خوبتر و دقیقتر در لباس تعریف سوم است.

مطلب دوم : پیدایش لباس

مسئله لباس یکی از مسائلی است که با عمر انسان برابری دارد و مانند دنیای ما کهنه است چنانکه در ضرب المثلی آمده، این مسئله با این فرق که بسیاری از مسائل کهنه دنیای ما، امروز دیگر مورد بحث و تحقیق نیست ، ولی مسئله لباس همواره مورد توجه ملل مختلف بوده و بر آن اهمیت بی شماری قایل اند ، بنابرین در هر دوره لباس وجود داشته و برای حفاظت بدن و همچنان برای ستر عورت از آن استفاده صورت می گرفته است .

پس لباس از زمان پیدایش بشریت و خلقت آدم و حوا علیهما السلام وجود داشته ، یعنی بدین معنی که لباس مقارن با خلقت بشریت آفریده شده است ، زمانیکه الله - عزوجل - آدم و حوا علیهما السلام را آفرید و آنها را با لباس و پوشش زینت داد و آراسته ساخت ، چنانچه داستان معروف آنها به صراحت قرآن قرائت میگردد ، چنانچه الله - عزوجل - فرموده است : ﴿ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ، وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى ﴾ (۱) " برای تو این است که در آن (بهشت) گرسنه و برهنه نخواهی شد ؛ و در آن تشنه نمیشوی، و حرارت آفتاب آزارت نمیدهد". بنابرین این وصف دلالت دارد بر اینکه باید برای لباس همواره اهمیت قایل بود ، چون ابو البشر و ام البشر آنها در طول عمر خود ملبس با لباس بودند ، و موجودیت لباس برای آنها سبب آرامش و سکون بود و لباس های مزین و زیبای جنت در اختیار آنها قرار داشت و دشمن شان این نعمت را به آنها دیده نتوانست و به آنها داخل شد و به جلباب ناصح و خیر خواه آنها را از جاده مستقیم به بیراهه کشانید .

فرجام اینکه لباس زینت نفس ، ستر عورت و پوشاندن جسد انسان است ، همانطوریکه تقوی لباس نفسانی انسان است (۲).

۱- سوره طه آیت : ۱۱۸-۱۱۹ .

۲- عمرو ، محمد عبدالعزیز . (۱۴۲۹ هـ .) . اللباس و الزینة فی الشریعة الاسلامیة ، دارالنفاس : اردن . طبع اول . ص ۱۶ .

کشف عورت ، عریان و برهنه بودن خصلت حیوانات بوده و فطرت سلیم انسانی به آن رغبت نداشته و اگر کسی به آن رغبت داشته باشد درجه آن از درجه انسانیت پائین تر بوده .
بنابراین لباس بزرگترین نعمت الهی است که الله (ﷻ) برای بندگان امتنان نموده است که قدر آنرا باید دانست .

مطلب سوم : اهمیت و ضرورت مردم به لباس

از خلال صحبت های قبلی آموختیم که لباس یک مسئله فطری و شرعی است ، یقیناً که الله (ﷻ) از میان تمام مخلوقات بشریت را بهترین مخلوقات توصیف نموده است که به آن تاج کرامت نهاده است و به آن چیز های را مشروع قرار داده است که ضرورت زندگی آن بوده یعنی هم منفعت دنیوی داشته و هم نفع اخروی .

و اگر نظری بحال جوامع معاصر انداخته شود دیده میشود که برخی آنها از این پدیده های شوم ؛ نیز در امان نیستند، حتی افکار بیگانگان چنان زبانه کشیده که احکام شرعی و بویژه احکام ناب اسلام پیرامون لباس و سایر دستورات دینی، که قرآن و شریعت اسلامی و امت را به افراطیت و تند روی متهم مینمایند ؛ لذا در راه نجات بشریت عده ی در دامن غرب فرو رفتند و عده ی دیگر در دامن شرق سقوط کردند .

در حالیکه یگانه راه نجات امت اسلامی، همانا مراجعه به قرآن و تصحیح مفاهیم و قیادت آنها است بسوی تطبیق احکام الهی و نبوی (ﷻ) ، که الله (ﷻ) تمام جنبه ها و جوانب آنرا توضیح و راهای تطبیق آن را بیان نموده است . چنانچه که الله (ﷻ) میفرماید : **{وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ}** ^(۱) " راهی که من آن را ترسیم و بیان میکنم راه مستقیم و معتدل است، پس این راه را پیروی کنید و از پیروی راه های دیگر اجتناب کنید که شما را از راه حق منحرف میسازد" .

من بار ها در قضایای فعلی امت اسلامی تامل کردم و یقین کردم که امت اسلامی و بالخصوص نسل فعلی و جوان امت بی انتها نیاز به شناخت مفهوم حقیقی اسلام از منابع ناب اسلامی یعنی قرآن و سنت دارد که در آن نه انحراف افراط است و نه کج فهمی و تقریط .

پس از مطالعه قضایای امت و روش قرآنکریم ، آحادیث نبوی (ﷻ) دریافتم که شریعت اسلامی در تمام جوانب : در اصول و فروع ، در عقیده و عبادت ، در سلوک و رفتار و حتی در تصور و عمل، لباس و پوشاک همه و همه را به بهترین وجه آن در نظر گرفته گاهی تصریحاً و گاهی اشارتاً

۱ - سوره الانعام : آیت ، ۱۵۳

، گاهی به تفصیل و گاهی به اجمال، گاهی به خبروگاهی به انشاء بحث و حتی راه تطبیق و اجراء آن را توضیح و روشن ساخته است (۱) .

الله عزوجل انسان را کرامت بخشید و آنرا خلیفه در روی زمین قرار داد ، تا که زمین را آباد ساخته و اطاعت پروردگار شان را بکنند که بر بسیاری از موجودات به آن برتریت قایل شده . چنانچه فرموده است : **{ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا }** (۲) " ما اولاد آدم را با (اعطاء عقل ، اراده ، اختیار ، نیروی پندار و گفتار و نوشتار ، قامت راست ، و غیره) گرامی داشته ایم ، و آنان را در خشکی و دریا بر مرکبهای گوناگون حمل کرده ایم ، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان داده ایم ، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریت عطا کرده ایم ."

بنابراین از جمله تکریم و عزت بخشیدن الهی همانا موجودیت لباس ستر کننده بدن است که آنرا خالق کاینات مشروع قرار داده و در خدمت انسان گذاشته است ، تا که خود را به زیور لباس مزین ساخته و در میان هموعان خود زیبا بنماید . چنانچه فرموده است : **{ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ }** (۳) " ای اولاد آدم ! ما لباسی برای شما درست کرده ایم که عورت‌های شما را میپوشاند ، و لباس زینتی را برایتان ساخته ایم که خود را بدان می‌آرئید . اما باید بدانید که لباس تقوا و ترس از خدا ، بهترین لباس است که انسان خود را بدان می‌آرئد و خویشتن را از عذاب آخرت میرهاند . این آفرینش لباسهای ظاهری و باطنی از نشانه های فضل و رحمت خدا است تا بندگان متذکر نعمتهای پروردگار شوند ."

حافظ ابن کثیر- رحمه الله - (۴) در تفسیر این آیه مبارکه میگوید : امتنان الله عزوجل است بر بندگان است که به آنها لباسی ستر کننده عورت درست کرده و همچنان لباس زینتی را برایشان

۱- اللباس و الزينة في الشريعة الإسلامية : ص ۲۷ .

۲- سوره اسرا ، آیت : ۷۰ .

۳- سوره اعراف آیت: ۲۶ .

۴- أبو الفداء عماد الدين إسماعيل بن عمرو، ابن کثیر ، بصري، دمشقي، صاحب تفسیر مشهور و معروف به نام تفسیر ابن کثیر است، و در سال (۷۰۰ هـ ق - ۱۳۰۰ م - ۶۷۹ هـ ش) در بصره تولد شده ، و در سال (۷۷۴ هـ ق - ۱۳۷۲ م - ۷۵۱ هـ ش) در دمشق وفات شده است، و از تصنیفاتش البدایة و النهایة در تاریخ ، و کتاب تفسیر القرآن العظیم ، و السیرة النبویة، و غیره میباشد، (الأعلام از خیر الدین زرکلی (ج ۲/ص ۴۷۸).

ساخته است که خود را بدان بیارایند ، پس اولی سوات بوده و دومی ریش است ، سوات از ضروریات بوده و ریش از مکملات است (۱) .

امام طبری - رحمه الله- در تفسیر آیه میگوید: به لباسی که برای شما مناسب دانستیم و تهیه داشتیم که بدن خود را به آن ستر داشته باشید که لباس تقوی و معنویت بهتر از تجرد و عریان گشتن گشتن در بیت الله و طواف در آن است ، پس از خدا بترسید و در طواف تان از آن استفاده ننمائید ، و برهنه طواف ننمائید ، و همچنان به وسوسه های شیطان تن ندهید که آن دشمن دیرینه شما است است که همواره بر بی ستی و عریان گشتن شما دلالت داشته و سوق میدهد (۲) .

و همچنان سید قطب - رحمه الله - (۳) میگوید : این آیه کریمه دلالت بر ملازمت مستحکم داشتن شرع الله - عزوجل - بر لباسی که ستر کننده عورت بوده و لباسی تقوی است . چون لباس تقوی مزین کننده و ستر کننده قلب و روح است با زینت ایمان و حیا ، و دیگری عورات جسد را ستر نموده و در میان مردم مزین میسازد (۴) .

بنابر این به لباس حسی و ظاهری انسان نفس خود را در زندگانی دنیا از حرارت و گرمی آن نجات میدهد که گرمی آفتاب و حرارتش از شاخه های آتش دوزخ است ، پس برای حفاظت بدن و نگهداری جان ازین حرارت نیاز است که باید لباس پوشید تا که محفوظ باقی ماند . چنانچه رسول اکرم (ﷺ) میفرماید : **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) قَالَ: «إِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلَاةِ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ، وَاشْتَدَّتِ النَّارُ إِلَى رَبِّهَا، فَقَالَتْ: يَا رَبِّ أَكَلْ بَعْضِي بَعْضًا، فَأَذِنَ لَهَا بِنَفْسَيْنِ، نَفْسٍ فِي الشِّتَاءِ وَنَفْسٍ فِي الصَّيْفِ، فَهُوَ أَشَدُّ مَا تَجِدُونَ مِنَ الْحَرِّ، وَأَشَدُّ مَا تَجِدُونَ مِنَ الزَّمْهِرِيرِ» (۵)** .

۱- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر ، أبو الفداء (۱۴۲۰هـ)، تفسیر القرآن العظیم ، دار طيبة للنشر والتوزیع، چاپ دوم ، تحقیق : سامی بن محمد سلامة. ج- ۲ ص- ۲۳۲ .

۲- طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، أبو جعفر ، (۱۴۲۲هـ)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان ، چاپ اول ، تحقیق : الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي. ج ۱۲ - ص ۳۷۰ .

۳ - سید قطب إبراهيم حسین، شاربی، ادیب ومفکر اسلامی است، در قریه موشه منطقه آسیوط مصر درسال (۱۳۲۴) تولد شده است، و در سال (۱۳۸۵هـ) شهید گردید، وتصنیفات زیادی دارد که از انجمله کتاب فی ظلال القرآن ، العدالة الاجتماعية فی الإسلام ، السلام العالمي والإسلام ، معالم فی الطریق وغيره که تقریباً ۲۷ تصنیفات دارد.

۴- سید قطب ، (۱۴۱۲هـ)، فی ظلال القرآن، دار الشروق - بیروت، طبع هفدهم ، تحقیق : محمد سید کیلانی . (ج ۳ ص ۱۲۷۸) .

۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۲) . صحیح البخاری ، عالم الکتب - بیروت چاپ پنجم . (ج ۱ ص ۵۳۶) .

" ابوهریره - رضی الله عنه - (۱) میگوید: رسول اکرم (ﷺ) فرمودند: « در شدت گرما، نماز ظهر را زمانی بخوانید که هوا اندکی سردتر شود. زیرا شدت گرما، از تنفس دوزخ است. آتش دوزخ نزد خدا شکایت کرد که اجزای من، از شدت گرما، یکدیگر را نابود می کند. پروردگار به وی اجازه داد تا سالی دو بار، تنفس کند: یکی در زمستان و دیگری در تابستان. سرمای شدید، تنفس زمستان و گرمای شدید، تنفس تابستان اوست".

مبحث دوم : تعریف سنت ، انواع و اهمیت آن

مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی سنت

الف - سنت در لغت : سنت در لغت به چند معنی آمده است از جمله:

- ۱- به معنی ریختن، نرمی، جلا و لطافت، و اطلاق آن بر صورت و گردی آن یا شکل آن
 - ۲ - سنت همچنین به معنی راهپیمایی پیوسته و راه راست و هموار آمده است حال چه در معنای مثبت و چه در معنای منفی راه (۲)، ریشه‌ی لغویش برگرفته از «سنت الماء إذا والیت صبه» است یعنی آبر را ریختن وقتی که پیوسته به ریختن آن ادامه دهی.
- در لسان العرب آمده: «سن علیه الماء، صبه»: «آب بر او ریخت، یعنی جاری کرد» و گفته‌اند: «أرسله أرسلالینا..» یعنی به تدریج و آرام آب را جاری کرد.. یا «سن الماء علی وجهه ای صبه صبا سهلا». آب را بر صورتش ریخت یعنی آب را به آرامی بر او جاری کرد(۳).
- جوهری می‌گوید (۴) : «سنت الماء علی وجهی أي أرسلته أرسلالاً من غیر تفریق» آب را بر صورتم ریختم، یعنی آب را پیوسته و بدون وقفه جاری کردم. و «السنن» یعنی «الصب فی سهوله» جاری کردن آب به آرامی.

۱ - أبو هريرة ، دوسی ، یمانی ، صاحب رسول الله ﷺ ، و حافظ در صحابه کرام است، و در نامش و نام پدرش علماء اختلاف کردند، بعضی گفتند : عبد الرحمن بن صخر ، ویا عبد الرحمن بن غنم ، و یا عبد الله بن عائذ ، و غیره ، و عمرو بن علی گفته : به مدینه آمد ، و اسلام را قبول کرد به سال فتح خیبر، و غزوة خیبر به سال هفتم هجری در ماه محرم بود، و امام ابن حجر گفته : و ابن عمر گفته : أبو هريرة بهتر از من و عالم از من است، و الدولابی در تاریخش باسناد خود از الزهری روایت میکند : که نبی ﷺ بر او نام نهاد عبد الله ، و عمر او را عامل بر بحرین مقرر کرد، و امام ذهبی در باره شان گفته : صحابی ، و حافظ و مثبت و ذکی و مفتی ، صاحب صیام و قیام است ، و در سال (۵۷ هـ) وفات شده است . امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۲۱/ص ۱۶۴)، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۲/ص ۶۹)، ، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۳/ص ۲۵۷)، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج ۲/ص ۱۹۵).

۲ - مختار الصحاح الرزای ص ۳۱۷، القاموس المحيط ۲۳۹/۴، المعجم الوسيط ۴۵۶/۱.

۳ - لسان العرب ۲۲۵/۱۳

۴ - اسماعیل پسر حماد ترکی جوهری، با کنیه: ابا نصر الفراءى از ائمه لغت و ادب بوده است و صاحب صحاح در لغت است، فوت او سال ۳۹۳ هـ بوده. شرح حال او در: لسان المیزان لابن حجر ۶۴۱/۱ شماره ۱۲۷۳ یا شذرات الذهب لابن العماد ۱۴۱/۳، و وافى بالوفیات ۱۱۱/۹ شماره ۴۰۲۸، آمده است.

پس عرب راه و رسم پیروی شده و روش پیوسته را به شیء ریخته شده، تشبیه کرده است. به خاطر پیوستگی اجزایش بر یک روش.

واژه سنت با این کاربرد لغوی در قرآن کریم هم آمده است، آنجا که می‌فرماید:
{سُنَّةٌ مِّن قَدِّ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِّن رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا} (۱). «شیوه ما در (دفاع از همه) پیغمبرانی بوده است که پیش از تو فرستاده‌ایم، و تغییر و تبدیلی در شیوه ما نخواهی دید».
در حدیث نبوی هم سنت به همین معنی آمده است، چنانکه (ﷺ) می‌فرماید: «من سن سنة حسنة فله أجرها و اجر من عمل بها الی یوم القیامة، و من سن سیئة علیه وزرها و وزر من عمل بها الی یوم القیامة» (۲).

«هر کس روش نیک و خدا پسندانه‌ای بر جا گذارد پاداش آن و پاداش کسانی که آن را انجام می‌دهند تا روز قیامت متعلق به اوست. و هر کس روش زشت و ناپسندی را پایه‌گذاری کند گناه کارش و هر کس که آن را انجام دهد به عهده اوست تا روز قیامت.»
و بعضی از اهل لغت هم آن را به راه راست و نیک اطلاق کرده نه غیر آن و گفته رایج که فلانی اهل سنت است همین معنی را می‌رساند (۳).

اما خلاصه مطلب چنانکه دکتر محمد مصطفی اعظمی می‌گوید از این قرار است که: سنت در لغت به معنای راه و عادت و روش آمده است خواه نیک باشد یا بد و اسلام (قرآن و پیامبر ﷺ) آن را در آیات و احادیث گذشته چنانکه ذکر شد به معنی لغوی استعمال کرده است، سپس اسلام معنای سنت را در طریقت پیامبر (ﷺ) و اصحابش منحصر نمود چنانکه در تعریف اصطلاحی سنت خواهد آمد، و این بدین معنا نیست که معنای لغوی آن منسوخ شده یا از بین رفته است، بلکه از آن پس تنها در دایره‌ی کوچکتري کاربرد یافته و استعمال می‌شود (۴).

حال اضافه سنت به رسول الله (ﷺ) یا به تشریحات اسلام شود، ذهن بر می‌گردد به روش های رسول الله (ﷺ) و سیرت مبارک شان در تنفیذ احکامیکه جهت عملی ساختن و دعوت به آن از جانب الله (ﷻ) بر گزیده شده اند؛ قسمیکه در لسان عرب به این معنی بیان شده است (۵).
و نیز طریقه ی رسول الله (ﷺ) و سیرت شان عبارت از همان اموریست که به آن رسول گرامی (ﷺ) مداومت داشتند.

۱ - سوره اسراء آیه : ۷۷

۲ - مسلم بن الحجاج، قشیری، أبو الحسن، (۱۴۰۴ هـ)، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ترقیم: محمد فؤاد عبد الباقي. ۱۱۰/۴، ۱۱۱ شماره ۱۰۱۷.

۳ - لسان العرب بن منظور ۲۲۵/۱۳، و معجم الوسيط ۴۵۵/۱.

۴ - همان ۵/۱، ۱۱

۵ - لسان العرب، ج ۱۳ ص ۲۲۷.

پس بر اساس این معانی لغوی گفته می‌توانیم که سنت نبوی (ﷺ) یعنی همان منهاج عام نظری و عملی رسول الله (ﷺ) که آنرا از جانب رب العلمین داده شده اند و برای تشریح شریعت الله - جل جلاله - انجام دادند تا که دستور العمل برای حیات بشریت بوده و به عملی کردن آن فرمان داده اند ، « **فعلیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين** »^(۱): لازم بگیرید برای خود سنت من و سنت خلفای راشدین (رضوان الله علیهم اجمعین) را".

و همچنین از مخالفت سنت بر حذر داشته فرموده است : « **فمن رغب عن سنتی فلیس منی** »^(۲). " هر کسی که از سنت من روی گرداند از جمله من (امت من) نیست".

ب - تعریف اصطلاحی سنت : بر روشنای معانی لغوی فوق در تعریف اصطلاحی سنت، تعریفاتی زیادی از علما هر فن وجود دارد.

اما تعریفی را که این جا مناسب به نظر میرسد ، همانا تعریف محدثین است اختیار کردم که آنها چنین بیان کردند : « **هی ما اذیف الی النبی (ﷺ) من قول او فعل او تقریر او صفة** »^(۳). "سنت عبارت از آنچه که از اقوال ، افعال ، تقریرات و صفات پاکی که به رسول الله (ﷺ) نسبت داده شده است".

مطلب دوم : انواع سنت

سنت رسول اکرم (ﷺ) به سنت تقریری ، قولی ، فعلی و سنت خُلقی تقسیم میگردد که ذیلا پیرامون هر یک از اقسام فوق صحبت به عمل خواهد آمد :

الف . سنت قولی : سنت قولی در واقع بیانگر جوامع کلم و به بهترین وجه تمثیل کننده فصاحت و بلاغت رسول اکرم (ﷺ) میباشد که مدار بحث هم همین سنت قولی است که به این ویژگی تنها رسول اکرم (ﷺ) توصیف شده است^(۴). مثال برای قول پیامبر (ﷺ) هر چه را که پیامبر (ﷺ) در مناسبت‌های مختلف در رابطه با تشریح احکام بیان نموده است را شامل می‌شود، مانند: «**انما الاعمال بالنیات**»^(۵). " جز ایت نیست که مدار اعمال وابسته به نیت است".

یا فرمود: «**البیعان بالخیار ما لم یتفرقا**»^(۶) " بایع و مشتری خیار مجلس برایشان ثابت است ، تا که از همدیگر جدا نشده باشند".

۱- سنن الترمذی. (ج ۲/ص ۵۲۱) شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۲- صحیح البخاری ج ۷ ص ۲.

۳- طحان ، دکتور محمود . (۱۴۳۱ هـ) ، تیسیر المصطلح الحدیث ، مکتبة البشری . کراچی : پاکستان . طبع اول ، ص ۱۳

۴- غوری ، سید عبدالماجد . (۱۴۳۰) . السنة النبویة حجیتها و تدوینها دراسة عامة ، مکتبة العلمیة ، بیروت : طبع اول . ص ۱۷.

۵- صحیح البخاری : ج ۱ - ص ۶

۶- همان : ج ۱ - ص ۲۸۸ .

و یا مانند این حدیث: « من حسن اسلام المرء تركه ما لا يعنيه »^(۱) " از نیکویی اسلام شخص ترک آن چیزی را که فایده ندارد".

ب. سنت فعلی: عبارت از افعالی که غیر طبیعی و جبلی از رسول الله (ﷺ) صادر شده باشد یعنی هر چه را که اصحاب از اعمال عبادی و غیر عبادی پیامبر (ﷺ) نقل کرده اند، شامل میشود، مانند: ادای نماز، کیفیت وضوء، بریدن دست دزد از مچ دست، مراسم حج، آداب روزه و قضاوت با کمک شاهد و سوگند خوردن افراد^(۲).

ج. سنت تقریری: عبارت از سکوت رسول الله (ﷺ) از انکار قول یا فعلیکه از اصحاب در حضور و یا غیابت شان انجام داده شده و از آن اطلاع یافته باشند.

مثال برای تقریر (سکوت) پیامبر (ﷺ) هر عملی را که بعضی از اصحاب انجام داده اند و پیامبر (ﷺ) با سکوت در برابر آن، تأییدش نموده است و نشانه ای برای رضایت از آن وجود دارد یا آن عمل را نیک شمرده و تأیید نموده است، جزو سنت تقریری است.

مثال برای سکوت همراه با رضایت، تأیید اجتهاد اصحاب در مورد نماز عصر در غزوه بنی قریظه است که پیامبر (ﷺ) به آنان فرمود « لا یصلین احدکم العصر الا فی قریظة »^(۳) " هیچ کدام از شما نماز عصر را جز در بنی قریظه نخواند".

برخی از اصحاب این امر را به حقیقت گرفتند و آن را تا پس از مغرب (موقعی که به بنی قریظه رسیدند) به تأخیر انداختند اما بعضی دیگر چنین فهمیدند که مقصود پیامبر (ﷺ) تشویق آنان به سریع رفتن بوده است، پس نماز در وقت عصر خواندند. خبر هر دو گروه به پیامبر (ﷺ) رسید و ایشان هر دو گروه را تأیید فرمود و هیچ کدام را انکار نکرد.

مثال برای تقریر همراه با نیک شمردن و تأیید عمل:

عن ابن عباس - رضی الله عنهما - «قدمت الضب لرسول الله - صلى الله عليه وسلم - وكان قلما يقدم يده لطعام حتى يحدث به ويسمي له، فأهوى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يده إلى الضب، فقالت امرأة من النسوة الحضور: أخبرن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ما قدمتن له، هو الضب يا رسول الله، فرفع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يده عن الضب فقال خالد بن الوليد: أحرام الضب يا رسول الله؟ قال: «لا، ولكن لم يكن بأرض قومي، فأجدني أعافه»^(۴).

۱- سنن ترمذی. ج ۴ - ص ۵۵۸. شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است.

۲- امیر صنعانی، محمد بن اسماعیل بن صلاح بن محمد الحسینی، أبو ابراهیم، عز الدین، (۱۴۱۷ هـ)، توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار، دار الکتب العلمیة، بیروت- لبنان، محقق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، چاپ اول (ج ۱ ص ۲۵۴).

۳- صحیح البخاری: ج ۲ - ص ۱۵.

۴- همان: ج ۷ - ص ۷۱.

" از ابن عباس (رضی الله عنه) ^(۱) روایت است که سوسمار به رسول الله (ﷺ) پیش کرده شد و رسول اکرم (ﷺ) بسیار کم دست مبارک خود را برای غذا ها دراز میکردند تا که نامی از غذا گرفته نشود ، پس دست خود را به طعامی دراز کردند ، یکی از زنانی که در مجلس حضور داشت فرمود ای رسول خدا (ﷺ) چیزی را که به شما پیش کردند سوسمار است ، پس رسول اکرم (ﷺ) دست مبارک خود را کشید و از آن خوردند . خالد بن ولید پرسید که آیا خوردن آن حرام است ای رسول خدا (ﷺ) فرمود : خیر ، اما در سرزمین قوم من نبود و این مسئله مرا وادار کرد که آن را معاف کنم" .

مطلب سوم : اهمیت سنت

دینی را که الله - جل جلاله- برای امت محمد مصطفی (ﷺ) برگزیده است برنامه ی آن تضمین حیات بشریت در اولی و عقبی میباشد ، خیر و صلاح را به عهده گرفته ، نظامهای کامل را دارا بوده ، آزادی را بر پایه های حق ، عدالت و چارچوب دینی بیان کرده ، روابط و حقوق افراد را بطور کامل حفظ نموده ، فضایل ذاتی و اخلاقی را داشته ، تامین احتیاجات مادی و معنوی را نموده و گام به گام هدف اساسی آن نجات انسانها از کنده های دوزخ و حصول رضای الله (ﷻ) و نیل بهشت میباشد ، همانا اسلام است که این ویژگی ها و خصوصیت ها را دارا بوده نه ادیان دیگری چون احکام ادیان گذشته با انقراض عصر شان قابلیت تطبیق را ندارند .

ادیان دیگر با گذشت عصور ، فرسوده و تیره شده میروند ، و در نظامهای شان تغییرات و تعدیلات وارده شده با گذشت هر روز در قوانین شان تبدیلات میآید ، مگر اسلام عزیز که دین پسندیده و مورد قبول الله (ﷻ) است. با گذشت زمان و با بالا رفتن سطح دانش بشریت درخشش بیشتری پیدا میکند ، بخصوص در عصر تکنالوژی چراغ تابان آن با گذشت هر روز با نور تازه ی میدرخشد .

پس این دین حق و آئین راستین بر اساس تعالی مصادر و مراجع قرار دارد ، در گام نخست کلام پاک پروردگار بوده و در قدم ثانی سنت مطهره ی نبوی (ﷺ)، و این سنت توضیح گر مجملات ، تفسیر گر مشکلات قرآن و تشریح کننده ی احکام قرآنکریم میباشد خلاصه اینکه هر دو بمنزله دو رخ یک سکه اند .

۱ - عبد الله بن عباس بن عبد المطلب ، قرشی ، هاشمی ، أبو العباس ، مدنی ، پسر کاکا رسول الله صلی الله علیه وسلم است ، و برایش خبر ، و بحر ، گفته میشود از نگاه کثرت علمش ، و النبی صلی الله علیه وسلم برایش دعا به حکمت و به علم تفسیر دو دفعه کرده است ، و عبد الله بن مسعود گفته : عبد الله بن عباس بسیار خوب ترجمان قرآن است ، و عبد الله ابن عباس در شعب ابی طالب در مکه قبل از هجرت به سه سال پیدا شده ، و در سال (۶۸ هـ ق - ۶۸۷ م - ۶۶ هـ ش) در طائف وفات شده ، و ابن حجر گفته : او یکی از مکتوبین روایات است در صحابه . امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۲/ص ۱۸۸) ، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۱/ص ۲۸۴) ، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۳/ص ۲۹۵) ، و امام ابن حجر در الاصابة في تمیز الصحابة (ج ۲/ص ۱۴۲)

سنت مختلف انواع و اقسام احکام شرعی را تشریح کرده است ، که گاهی سنت را میابیم که تثبیت کننده چیزی است که در قرآن کریم بیان شده ، یا بیان کننده مجملی است که در قرآن کریم به اجمال از آن تذکر رفته است ، یا خاص کننده عام قرآن کریم است ، یا مقید کننده مطلق قرآن کریم است ، یا ناسخ کننده حکم ثابت قرآن کریم است ، یا ثابت کننده حکمی است که قرآن کریم از آن سکوت سکوت کرده است ، پس از اینجا برای اهل خرد و بینش جایگاه سنت در تشریح احکام و زندگی بشریت معلوم میشود ، ذیلا مثالهای آنرا بیان خواهیم نمود^(۱) .

مطلب چهارم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) در حیات ایشان

صحابه در عهد پیامبر (ﷺ) احکام شریعت را از قرآن کریم و به واسطه پیامبر - ﷺ - دریافت میکردند. بسیاری اوقات آیات قرآن به صورت خلاصه و مطلق نازل میشد مانند امر به ادای نماز، که به صورت اجمالی در قرآن آمده، اما تعداد رکعات، و طریقه خواندن آن در قرآن کریم ذکر نشده است، و بسیاری از احکام دیگر که اجرائی آن وابسته به آگاهی از مسائل مربوط به آن است چنین میباشد. در چنین مواردی چاره ای جز مراجعه به رسول خدا (ﷺ) برای شناخت جزئیات احکام وجود ندارد.

به همین صورت برای اصحاب حوادثی اتفاق می افتد که در قرآن نصی برای آن وجود نداشت و برای بیان حکم آن چاره ای جز مراجعه به پیامبر (ﷺ) نبود زیرا او از جانب خدا، بیانگر امور و آگاهترین فرد به مقاصد شریعت خدا، حدود، روش و اهداف آن بود.

خداوند متعال از وظیفه ی مهم پیامبر (ﷺ) نسبت به قرآن خبر داده و بیان فرموده که ایشان تبیین کننده و توضیح دهنده ی خواسته های قرآن و آیات آن است. چنانچه الله ﷻ فرموده است : **{بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ}** ^(۲) .

" پیغمبران را همراه با دلایل روشن و معجزات آشکار دالّ بر پیغمبری ایشان ، و همراه با کتابها فرستاده ایم ، و قرآن را بر تو نازل کرده ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است که احکام و تعلیمات اسلامی است و تا این که آنان قرآن را مطالعه کنند و در باره مطالب آن بیندیشند".

قرآن همچنین بیان فرموده که یکی از وظایف پیامبر (ﷺ) توضیح حقیقت در مواردی است که مردم دچار اختلاف میشوند: **{ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ }** ^(۳) .

^۱ - السنة النبوی حجیثها و تدوینها دراسة عامة : ص ۳۷ .

^۲ - سوره نحل ، آیت: ۴۴ .

^۳ - سوره نحل ، آیت: ۶۴ .

" ما کتاب قرآن را بر تو نازل نکرده ایم مگر بدان خاطر که چیزی را برای مردمان بیان و روشن نمائی که جزو امور دینی است و در آن اختلاف دارند ، و هم بدان خاطر که این کتاب و رحمت برای مؤمنان گردد" . و خداوند بر مردم واجب نموده که به هنگام هر اختلافی به نظر پیامبر (ﷺ) مراجعه نمایند: { فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } (۱) " اما ، نه ! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند .

مطلب پنجم : وجوب اطاعت از پیامبر (ﷺ) پس از وفات شان

همانگونه که اصحاب طبق امر خدا در قرآن ملزم به پیروی از پیامبر (ﷺ) و اطاعت از ایشان در حال حیات بودند، بر آنان و سایر نسل های مسلمان نیز واجب است که پس از وفات ایشان هم سنت پیامبر (ﷺ) را پیروی کنند. زیرا نصوصی که اطاعت از پیامبر (ﷺ) را واجب کرده اند عام است و آن را به زمان حیات ایشان و یا فقط به اصحاب او مقید نکرده است و علت وجوب پیروی از پیامبر (ﷺ) میان اصحاب و نسل های پس از اصحاب مشترک است و آن علت مشترک این است که همه ی آنها ملزم به پیروی از دستوری هستند که خداوند به پیروی و اطاعت او امر نموده است، و به همین صورت پیامبر (ﷺ) به وجوب عمل به سنت خود پس از وفاتش نیز در احادیث بسیار زیادی که به تواتر معنوی رسیده مردم را امر نموده است. از جمله ی این روایت ها آن است که حاکم (۲) ، و ابن عبدالبر (۳) از کثیر ابن عمر از پدرش و او از جدش نقل نموده که پیامبر خدا (ﷺ) فرمود: « ترکت فیکم امرین لن تضلوا ما تمسکتما بهما کتاب الله و سنة رسوله » (۴) " « میان شما دو چیز را از خود گذاشتیم که اگر به آن دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد، آن دو، کتاب خدا و سنت خودم است" .

۱- سوره نساء ، آیت : ۶۵ .

۲ - محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم، أبو عبد الله، ضبي، نيسابوري، امام و حافظ و ناقد و علامه و شيخ محدثين است، و در سال (۳۲۱ هـ ق - ۹۳۳ م - ۳۱۱ هـ ش) تولد شده، و در سال (۴۰۵ هـ ق - ۱۰۱۵ م - ۳۹۳ هـ ش) وفات شده است، و از تصنيفاتش المستدرک علی الصحیحين، و تاريخ نيسابور، و علوم الحديث، و المدخل، و الإكليل وغيره میباشد، (تاريخ الإسلام از امام ذهبي (ج ۳۸/ص ۵۰)، سير أعلام النبلاء از امام ذهبي (ج ۱۷/ص ۱۶۲)، الأعلام از خير الدين زركلي (ج ۶/ص ۲۲۷).

۳ - يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، النمری، حافظ و شيخ علماء اندلس و محدث بود، و از تصنيفاتش كتاب التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، و در سال ۳۶۸ هـ ق تولد شده و در سال ۴۶۳ هـ ق وفات شده است، سير أعلام النبلاء ذهبي (ج ۱۸/ص ۱۵۳)، تاريخ الإسلام امام ذهبي (ج ۴۸/ص ۱۶۲)، الأعلام خير الدين زركلي (ج ۱۸/ص ۱۳۶).

۴- اصبحی، مالك بن أنس بن مالك بن عامر. (۱۴۱۲ هـ). موطأ امام مالك، مؤسسة الرسالة بيروت، (ج ۲ - ص ۸۹۹).

الباني، محمد ناصر الدين، (۱۴۰۹ هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة، دار المعارف، رياض، چاپ اول، (ج ۴ - ص ۳۶۱).

امام بخاري از ابوهريره و او از رسول خدا (ﷺ) نقل نموده که فرمود: « كل امتی يدخلون الجنة الا من ابى ، قيل و من يابى يا رسول الله ؟ قال من اطاعنى دخل الجنة و من عصانى فقد ابى » (۱)
" تمامی امت من وارد بهشت می‌شوند مگر کسی که سرپیچی کند. گفتند: ای رسول خدا چه کسی سر پیچی میکند؟ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت شده و کسی که از من نافرمانی کند به تحقیق سرپیچی نموده است". به همین دلیل اصحاب پیامبر (ﷺ) به تبلیغ سنت بسیار توجه داشتند زیرا امانت رسول خدا (ﷺ) نزد آنان بود که باید به نسلهای پس از خود ابلاغ میکردند.

۱- صحیح البخاری ج ۲ ص ۴۲۳ . کتاب الاعتصام بالكتاب و السنة ، باب الاقتداء بسنن رسول الله صلى الله عليه وسلم .

فصل دوم

انواع لباس

تمهید

الله - جل جلاله - بر مبنای شفقت و مهربانی که بالای عباد دارد ، احکام را نازل فرموده ، زیرا آگاهی از احکام مانند چراغی است که فراه راه انسان قرار دارد و انسانیت با استفاده از آن میتواند در زندگانی خود برای ادامه مسیر درست گام بردارد ، بنابراین دین مقدس اسلام لباس را با رعایت تنوع و شرایط آن مشروع قرار داده است، که در شرایط گوناگون زندگی فردی و اجتماعی ، موجودیت لباس های مختلف ، نیاز های پیچیده انسان را مرفوع ساخته و حرف آخر را میزند . بنابراین موجودیت لباس های مختلف به مثابه آن است که برای زندگی مزیت و لذت بخشیده و قسمت حفظ تن را جامه عمل پوشیده و برای شخص زینت میبخشد .

پس در ابعاد مختلف زندگی و شرایط گوناگون جوی ، گرمی و سردی ، آنچه که سد فولادین در برابر یخ بندی ها و هوای سرد زمستان و حرارت تابستان قرار میگیرد ، تنوع لباس است . و همچنان در بعضی از بخش های عبادت نیز از لباس ویژه کار گرفته شده ، قسمیکه در ایام حج نمیتوان از لباس های عادی استفاده نمود ، یعنی حج یک عبادتی است که شریعت اسلامی در اجرای آن لباس مخصوصی را در نظر گرفته است .

مبحث اول : انواع لباس از لحاظ اندازه

مطلب اول : اعتدال در لباس

دین مقدس اسلام دینی است که موافق فطرت بشریت بوده و تعالیم آن با طبیعت بشری سازگار است، و از قواعد اساسی آن آوردن یسر و سهولت برای تمام ابعاد زندگی مردم میباشد. بنابراین برای عاقل است که در حالتی که وسعت در معیشت و زندگی داشته باشد اعتدال و وسطیت را در نظر گیرد و همچنان در حالتی که در فقر و تنگدستی قرار داشته باشد اعتدال و وسطیت را در نظر داشته باشد. یعنی در لباسهای که زیبا و منقش بوده باشد فخر و تکبر نکند و در لباسهای که در حالت تنگدستی و فقر بدست میآورد و یا میپوشد باید بی صبر، بی حوصله و نا رضا نباشد^(۱).

۱- در لباس اعتدال و وسطیت در نظر گرفته شده باشد، که نه خسیس باشد و نه نفیس، چنانچه رسول اکرم (ﷺ) از آن منع کردند. عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : « ان النبی (ﷺ) نهی عن هاتین اللبستین ، المرتفعة و الدون »^(۲) ابن عمر - رضی الله عنهما - نقل میکند که رسول اکرم (ﷺ) از این دو لباس منع کردند، که لباس بلند (لباس شهرت) و لباس خسیس.

و برای تواضع و انکساری ترک لباس ترفع مستحب است، بلکه متوسط باشد، چنانچه که معاذ ابن انس نقل میکند: ان رسول الله (ﷺ) قال : « من ترک اللباس تواضعا لله تعالی و هو یقدر علیه ، دعاه الله تعالی یوم القيامة علی رؤوس الخلائق یخیره من ای حلل الایمان شاء یلبسها »^(۳) کسبیکه برای تواضع و انکساری برای الله - عزوجل - لباس را ترک بکند و قادر به آن هم است الله - عزوجل - در خلائق آنرا در روز قیامت میخواهد و آنرا اختیار مند میسازد که از کدام جامه از جامه های ایمان بخواهد بپوشد.

بنابراین کسبیکه بخاطر اظهار نعمت الله - عزوجل - و نمایان شدن آثار نعمت در آن و شاکر نعمت الله - عزوجل - بوده و با آن به دیگران فخر ننماید برایش ضرر نمیرساند، چنانچه که ابن مسعود - رضی الله عنه - از رسول اکرم (ﷺ) نقل میکند : « لا یدخل الجنة من کان فی قلبه مثقال ذرة من کبر قال رجل ان الرجل یحب ان یكون ثوبه حسنا ونعله حسنة قال ان الله جمیل یحب الجمال الکبر بطر الحق و غمط الناس »^(۴).

۱- اللباس و الزینة فی الشریعة الاسلامی : ص ۳۰۵ .

۲- زبیدی، عبد الرحمن بن علی (۱۳۱۶ هـ) . تیسیر الوصول الی علم الاصول، احیاء التراث العربی . بیروت . چاپ اول، ج ۴ - ص ۱۴۱

۳- سنن ترمذی ج ۴ ص ۶۵۰ . شیخ البانی حسن گفته است .

۴ - عسقلانی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل . (۱۴۰۴) فتح الباری . دارالمعرفة . بیروت، چاپ اول، ج ۱۰ / ۳۶۰ و نیز در صحیح مسلم : ج ۱ - ص ۹۳ این حدیث مبارک نقل گردیده است .

وارد بهشت نمیشود کسیکه در قلب آن به اندازه یک ذره کبر باشد ، شخصی گفت مرد دوست دارد که لباس و بوت آن نیک باشد ، رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : الله - عزوجل - جمیل است و جمال را دوست دارد، کبر دفع و کفران حق و حقیر شماریدن مردم است . بناء انسان میتواند با رعایت شرایط لباس نیکو بیوشد و داشته باشد.

مطلب دوم : اندازه آستین (کم)

اندازه آستین مبارک رسول اکرم (ﷺ) تا به بند دست بود ، چنانچه اسماء بن یزید - رضی الله عنها - نقل میکند: « كان كم رسول الله (ﷺ) الى الرسغ »^(۱). " آستین رسول الله (ﷺ) (تا بند دست شان بود".

اندازه آستین باید از حالت اعتدال و وسط خارج نباشد علما آنرا مکروه دانستند که طول و فراخی لباس از حالت معتاد بیرون باشد جایز نیست^(۲).

امام جزری^(۳) میگوید: این حدیث دلیل است بر اینکه آستین شخص از بند دستش نباید تجاوز کند ، و غیر قمیص نیز سنت این است که از نوک پنجه ها نباید تجاوز کند جبه باشد یا غیر آن. و همچنان از ابن عباس - رضی الله عنه- با در بر داشتن این مطلب و توضیح دهنده این موضوع نقل است که : « كان رسول الله - ﷺ - يلبس قميصا فوق الكعبين مستوي الكمين بأطراف أصابعه »^(۴) رسول اکرم (ﷺ) لباس میپوشیدند ، بالاتر از بند پای و آستین شان برابر با نوک پنجه های شان بود". امام ابن ماجه^(۵) از ابن عباس - رضی الله عنه- در باره اندازه آستین های مبارک رسول اکرم (ﷺ) بر وفق روایات مختلف نقل کرده است : « أنه - ﷺ - كان يلبس قميصا فوق الكمين »^(۶) " بی شک رسول اکرم (ﷺ) لباس میپوشیدند که آستین آن بالا بود .

۱- سنن ترمذی ج ۴ - ص ۲۳۸ . شیخ البانی حدیث را ضعیف گفته است .

۲- اللباس و الزینة فی الشریعة الاسلامی ص ۳۱۰ .

۳- أبو السعادات، مجد الدین: مبارک بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم ابن الاثیر ، شیبانی، جزری، و محدث، ولغوی، و اصولی میباشد، و در سال (۵۴۴ هـ-ق- ۱۱۵۰ م - ۵۲۸ هـ ش) تولد شده است، و در سال (۶۰۶ هـ-ق- ۱۲۱۰ م - ۵۸۸ هـ ش) وفات شده است، و از تصنیفاتش النهایة در غریب الحدیث، و جامع الاصول فی احادیث الرسول، و المختار فی مناقب الاخیار ، و غیره میباشد، (تاریخ الإسلام از امام ذهبی (ج۹/ص۳۵۷)، سیر أعلام النبلاء از امام ذهبی (ج۲۱/ص۴۸۸)، الأعلام از خیر الدین زرکلی (ج۱۱/ص۴۵۲).

۴- ابن عساکر، علي بن الحسن بن هبة الله، أبو القاسم، (۱۴۱۵ هـ)، تاریخ دمشق ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان ، تحقیق علي شیری. (۴/۱۹۵). امام البانی در صحیح وضعیف الجامع الصغیر (۳/۳۶۶) گفته : (ضعیف جدا)

۵- أبو عبد الله محمد بن یزید ابن ماجه، قزوینی، حافظ ومحدث مشهور است، و در سال (۲۰۹ هـ-ق- ۸۲۴ م - ۲۰۳ هـ ش) تولد شده، و در سال (۲۷۳ هـ-ق- ۸۸۷ م - ۲۶۵ هـ ش) وفات شده است، و از تصنیفاتش تفسیر القرآن، وتاریخ قزوین، وسنن ابن ماجه، و یکی از کتب حدیث سَنَة است، (سیر أعلام النبلاء از ذهبی (ج۱۳/ص۲۷۷)، تاریخ الإسلام از ذهبی (ج۵/ص۱۵۱)، الأعلام از خیر الدین زرکلی (ج۵/ص۲۵۲).

۶- قزوینی، محمد بن یزید ابن ماجه، أبو عبدالله ، (۱۴۰۴ هـ)، سنن ابن ماجه ، مکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان، چاپ اول ، تحقیق : محمد فواد عبد الباقي. (۲/ ۱۱۸۴) الالبانی در صحیح وضعیف ابن ماجه (۱۲/ ۲۱) گفته : حدیث ضعیف است.

عن ابن عباس - رضي الله عنهما - أن النبي - صلى الله عليه وسلم - « لبس قميصا وكان فوق الكعبين و كان كمه مع الأصابع »^(١) از ابن عباس - رضي الله عنهما - روایت است که رسول اکرم (ﷺ) لباسی را پوشیدند که بالاتر از بجلک پای بوده و نیز آستین آن برابر با پنجه های شان بود .

عن عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - قال: « لبس عمر، قميصا جديدا ثم قال: « مد كمي يا يا بني و الزق بأطراف أصابعي واقطع ما فضل عنهما » ، قال: فقطعت من الكمين فصار فم الكمين بعضه فوق بعض فقلت : لو سويته بالمقص . قال : « دعه يا بني هكذا رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يفعل »^(٢) ابن عمر - رضي الله عنهما - ميفرمايد : عمر - رضي الله عنه -^(٣) کالایی جدیدی را پوشیدند ، بعد از آن فرمودند : « آستین مرا دراز بساز و نوک آنرا با نوک های پنجه ها برابر بساز و زیاد تر از آنرا قطع نما . گوید : از نوک آستین ها قطع کردم ، پس دیدم که پست و بلند شد ، پس گفتم : اگر با قیچی برابر بسازی چطور ؟ فرمودند : فرزندم ! بگذار ، رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که چنین میکردند " .

اما افضل رسغ^(٤) است اما تا پنجه ها جایز است^(٥) .

مطلب سوم : اندازه ازار

بر وفق روایات بی شماری که پیرامون این مسئله از رسول اکرم (ﷺ) منقول بوده بیانگر این است که ، لباس نباید بسیار دراز باشد که جمع کردن آن دشوار بوده و در گشت و گذار شخص همواره مزاحم باشد ، بنابراین مستحب است که قسمیکه اندازه آستین تا به بند بود که قبلا ذکر شد ، پس باید پاچه و ازار لباس شخص تا نصف ساق آن بوده باشد و همچنان جایز است که تا به قوزک پای آن بوده باشد ، و اگر ازار از قوزک پای شخص به پایین بود برای کبر و غرور باشد حرام و

١- حاکم نیسپوری، محمد بن عبدالله، أبو عبدالله (١٤١١ هـ)، المستدرک، دار الکتب العلمیة - بیروت ، چاپ اول ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا . ج ٤ - ٢١٧ . حاکم آنرا صحیح الاسناد خوانده است .

٢- همان . حاکم آنرا صحیح الاسناد خوانده است .

٣- عمر بن الخطاب بن نفیل بن عبد العزی بن ریحان بن عبد الله بن قرط بن رزاح بن عدی بن کعب بن لوی بن غالب، القرشی، العدوی ، أبو حفص ، امیر المؤمنین ، در مکه مکرمه ایمان آورده، و به مدینه منوره هجرت نموده است، و در غزوه بدر و دیگر تمامی غزوات شرکت نموده است، و بعد از ابو بکر صدیق خلیفه مسلمانها شد، و تقریبا ده سال و پنج ماه و پانزده روز خلافت را داشت، و به روز چهارشنبه ، بیست ششم ماه ذی الحجه سال ٢٣ هـ به عمر ٦٣ سالگی در مدینه منوره به دست ابو لؤلؤ مجوسی به شهادت رسید، و همراه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و ابوبکر رضی الله عنه در حجره عائشة رضی الله عنها دفن شد. (الاصابه فی تمییز الصحابه : ج ٤ - ص ٥٨٨) .

٤ - استخوانی که در وسط کف قرار دارد رسغ گفته می شود، و یا مفصل یا بند میان آرنج و پنجه یا میان ساقه ی پا و قدم.

٥- مبارکفوری، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم ، أبو العلاء ، (١٤٢٦ هـ)، تحفة الأحمدي بشرح جامع الترمذي ، دار الکتب العلمیة - بیروت ، لبنان چاپ دوم . ج ٥ - ص ٣٧٥ .

ممنوع است ، اما اگر قصد کبر و غرور را نداشته باشد مکروه است - مکروه تنزیهی- نظر به آحادیثی از رسول اکرم (ﷺ) نقل است .

عن ابی سعید الخدری - رضی الله عنه - ان رسول الله (ﷺ) قال : « إزره المؤمن إلى نصف الساق ولا حرج أو لا جناح فيما بينه وبين الكعبين ما كان أسفل من الكعبين فهو في النار ومن إزاره بطراً لم ينظر الله إليه »^(۱) از ابو سعید الخدری - رضی الله عنه - روایت است که بی شک رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : « لنگ مؤمن تا نصف ساقش باشد ، و باکی ندارد که میان آن و میان قوزک پایش بوده باشد ، و اگر از قوزک پای پایینتر بود پس او در آتش دوزخ است ، و کسیکه لباس آن از روی کبر کشیده باشد الله عزوجل به سوی آن نظر نمی کند .

عن أبي هريرة - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : « ما أسفل من الإزار ففي النار »^(۲) " ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید : رسول الله (ﷺ) فرمودند : « لباس و ازار که از قوزک پای پایینتر باشد پس او در آتش دوزخ است » .

عن ابن عباس رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «كل شيء جاوز الكعبين من الإزار في النار»^(۳) " ابن عباس رضی الله عنه میگوید : رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : « هر چیزی که (لباس ، ازار و یا غیر آن باشد) از قوزک پای شخص پایینتر بود پس او در آتش دوزخ است .

عن العلاء بن عبد الرحمن، عن أبيه قال: قلت لأبي سعيد: هل سمعت من رسول الله ﷺ شيئاً في الإزار؟ قال: نعم، سمعت رسول الله ﷺ يقول: « إزره المؤمن إلى أنصاف ساقيه، لا جناح عليه ما بينه وبين الكعبين، وما أسفل من الكعبين في النار »^(۴) " از علاء بن عبدالرحمن از پدرش نقل میکند و میگوید : برای ابو سعید گفتم : آیا از رسول الله (ﷺ) چیزی را در باره ازار شنیده ی ؟ فرمود : بلی ! فرمودند: « ازار انسان مؤمن تا نصف ساق پایش میباشد، که در میان آن و قوزک پایش بوده باشد. و پایینتر از آن بوده باشد او در آتش دوزخ است" .

عن عبدالله ابن عمر رضي الله عنه «أن رسول الله - ﷺ - حين ذكر في الإزار ما ذكر، قال أبو بكر: يا رسول الله، إن إزاري يسقط من أحد شقيه؟ قال: إنك لست منهم»^(۵) " عبد الله بن عمر رضی الله عنه میگوید : زمانیکه رسول اکرم (ﷺ) در باره اندازه ازار صحبت کردند ، ابو بکر

۱- ابن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، شيباني، أبو عبد الله، (۱۴۲۲ هـ)، مسند أحمد بن حنبل ، دار الحديث، القاهرة ، چاپ اول ، تحقق : حمزة احمد الزين. ج - ۲ - ص - ۱۹۴ صحیح است به شرط مسلم .

۲- صحیح البخاری : ج ۷ - ص ۱۴۱ .

۳- طبرانی ، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير ، أبو القاسم (۱۴۱۵ هـ) ، معجم الكبير ، مكتبة ابن تيمية - القاهرة ، چاپ اول ، تحقيق : حمدي بن عبد المجيد السلفي، ج ۱۱ - ص ۳۲۲ . شيخ البانی حکم بر ضعف حدیث نموده است .

۴- سنن ابن ماجه ج ۲ - ص ۱۱۸۳ . شيخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۵- صحیح البخاری ج ۸ - ص ۱۸ .

رضی الله عنه فرمود : ای فرستاده الله گاهگاهی ازار من یک طرف آن پائین می افتد چطور شود ؟ پس فرمودند : تو از آنها نیستی (یعنی تو به جمع اشخاص مغرور و متکبر نیستی) " .

مبحث دوم : انواع لباس لحاظ پوشش

مطلب اول : لباس مخصوص سر

۱ - **عمامة** : عمامه از جمله لباسهای به شمار میآید که رسول اکرم (ﷺ) آنرا استفاده نموده اند، روایات زیادی در این مورد وجود دارد از جمله:

عن جابر - رضی الله عنه - قال : « رایت رسول الله (ﷺ) دخل یوم فتح مکة و علیه عمامة سوداء »^(۱). " جابر - رضی الله عنه - میگوید : دیدم رسول اکرم (ﷺ) را در سال فتح مکة و در روز فتح که عمامه سیاه بسر داشتند .

عن عمرو بن حریث، عن أبیه قال : « رایت النبی صلی الله علیه وآله وسلم یخطب علی المنبر و علیه عمامة سوداء »^(۲). " از عمرو بن حریث او از پدرش روایت نموده که گفت: دیدم پیامبر (ﷺ) را که در منبر خطبه می داد و بر سر مبارک شان عمامه سیاه بود .

عن عمرو بن حریث، عن أبیه قال : « رایت علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم عمامة حرقانیه »^(۳). " از عمرو بن حریث او از پدرش روایت نموده که گفت: دیدم که رسول الله (ﷺ) ، عمامه حرقانی (دستار خاکستری رنگ) بر سر مبارک داشتند .

عن ابن عمر - رضی الله عنه - عن النبی (ﷺ) « أن رجلا سأله ما یلبس المحرم فقال لا یلبس القميص ولا العمامة ولا السراويل ولا البرنس ولا ثوبا مسه الورد أو الزعفران فإن لم یجد النعلین فلیلبس الخفین ولیقطعهما حتی یكونا تحت الکعبین »^(۴). " عبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - میگوید : شخصی از رسول الله (ﷺ) پرسید : مُحرم : چه چیزی باید بپوشد ؟ رسول الله (ﷺ) فرمود : « نباید پیراهن، عمامه، شلوار، عبا و همچنین لباسی که به عطر یا زعفران آغشته شده باشد، بپوشد . و اگر کفشی نیافت، موزه بپوشد و آنها را از زیر استخوان قوزک پا، قطع کند " .

پس از این حدیث مبارک دانسته میشود و حدیث دلالت دارد به اینکه به سر نمودن عمامه و غیر آن مانند سایر لباسها جایز است .

۱ - ابو داود، سلیمان بن الأشعث بن شداد، سجستانی، (۱۴۰۱ هـ)، سنن ابی داود، المكتبة العصرية - بیروت، چاپ دوم، تحقیق : محمد محیی الدین عبد الحمید. ج- ۴ ص - ۹۵ . امام البانی حدیث را صحیح گفته است

۲ - سنن ابن ماجه. ج- ۲ ص- ۱۱۸۶ حدیث شماره ۳۵۸۴

۳ - نسائی، أحمد بن شعیب بن علی، أبو عبد الرحمن، [ت ۳۰۳هـ]، ۱۴۳۲ هـ، سنن النسائی، دار المعرفة، بیروت، لبنان، چاپ اول، تحقیق : مکتب تحقیق التراث الاسلامی، ج ۸- ص- ۲۱۱ . امام البانی حدیث صحیح گفته است

۴ - صحیح البخاری : ج ۱- ص ۷۴ .

عن ابن عمر - رضی الله عنه - قال : « كان النبي - صلى الله عليه و سلم - إذا اتم سدل عمامته بين كتفيه ، قال : نافع وكان ابن عمر يسدل عمامته بين كتفيه قال عبید الله ورأيت القاسم و سالما يفعلان ذلك »^(۱). " از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم (ﷺ) وقتیکه عمامه به سر میکردند شاخه عمامه خود را میان شانه های شان می گذاشتند . نافع میگوید : ابن عمر - رضی الله عنهما - شاخه عمامه خود را در میان شانه های خود می گذاشت ، عبید الله میگوید : قاسم و سالم را دیدم که چنین میکردند" .

مقدار عمامه : عمامه رسول اکرم (ﷺ) نه بسیار کلان بود و نه بسیار خورد ، بلکه متوسط ، ولی در باره طول و عرض آن از رسول الله (ﷺ) چیزی وارد نیست و نقل نشده است ، بنابراین مناسب است که برای اقتداء از رسول اکرم (ﷺ) حد توسط را در نظر گرفت^(۲) .

امام ابن حجر - رحمه الله - در باره مقدار عمامه میگوید : سیرت رسول اکرم (ﷺ) در لباس پوشیدن شان کامل ترین شیوه لباس پوشی و مفید ترین برای بدن و سبکتر برای آن بود که نه بسیار کلان میساختند که سبب تکلیف و اذیت باشد و نه بسیار خورد بود که از گرمی و سردی حفاظت داشته باشد^(۳) .

از مباحث دانشمندان دانسته میشود که ، در رابطه به اندازه عمامه رسول اکرم (ﷺ) چیزی ثابت نشده و روایتی هم به صحت نرسیده است ، بنابراین برای هر شخص وفق عادت آن نیاز است ، قسمیکه میبینیم در قاره افریقا مردم عمامه طویل و کلان بسر مینمایند چون محیط شان نهایت گرم بوده و تا از گرمی آنها را حفاظت داشته باشد . و بعضی از مناطق سرد سیر را میبینیم که عمامه خورد را بسر مینمایند که از چند گز محدود تجاوز مینمایند^(۴) .

۲ - قلنسوه (کلاه) و آحادیث وارده در مورد آن : قلنسوه در اسلام از جمله لباس های مشروع برای مرد در شریعت است ، و همچنان لباس انبیاء - علیهم السلام - و صلحاء بوده که سر انسان را از اصابت محفوظ داشته ، و عمامه را سخت نگاه میدارد ، پس پیامبر اکرم (ﷺ) قلنسوه میپوشیدند ، چنانچه عایشه صدیقه - رضی الله عنها - میگوید ، بنابراین در ذیل آحادیث وارده را پیرامون موضوع نقل مینمائیم .

۱- سنن ترمذی رقم / ۱۷۳۶ . امام ترمذی - رحمه الله - این حدیث را حسن غریب خوانده است .

۲- اللباس و الزینة فی الشریعة الاسلامی : ص ۲۶۱ .

۳- همان ص ۲۶۱

۴- همان : ص ۲۶۲ .

عن عائشة - رضی الله عنها - قال : « كان رسول الله (ﷺ) يلبس من القلانس في السفر ذوات الأذنان ، و في الحضر المشمرة ، وهي شامية »^(١). " عائشه صديقه مادر مؤمنين - رضی الله عنها - ميگويد : رسول اکرم (ﷺ) بودند در سفر از كلاهای گوش دار ميپوشيدند و در حضر غير آن را که گوش نميداشت ميپوشيدند که در شام ساخته شده بود".

عن فضالة بن عبيد، يقول: سمعتُ عمرَ بنَ الخطابِ، يُخبرُ عنَ رسولِ الله ﷺ يقولُ: « الشَّهْدَاءُ أَرْبَعَةٌ: رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ، لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَّقَ اللَّهَ حَتَّى قُتِلَ، فَذَلِكَ الَّذِي يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْيُنَهُمْ هَكَذَا، وَرَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى وَقَعَتْ قَلَنْسَوْتُهُ فَلَا أَدْرِي قَلَنْسَوْتَهُ عُمَرُ أَمْ قَلَنْسَوْتَهُ النَّبِيِّ ﷺ »... الحديث "^(٢)". از فضاله بن عبید روایت است که میگوید: از عمر بن خطاب (رضی الله عنه) شنیدم که از رسول الله (ﷺ) خبر دادند که گفتند: شهدا بر چهار قسم است، ۱- مرد مومنی که ایمان قوی داشته باشد و با دشمن روبرو شود، ایمان و تصدیق داشته باشد به الله تا اینکه کشته شود. سرش را بلند کرد تا اینکه کلاه اش افتید، من نمی دانم که کلاه عمر رضی الله عنه بود یا کلاه پیامبر ﷺ .

ابن قیم - رحمه الله - میگوید : پیامبر اکرم (ﷺ) عمامه داشتند که آنرا سحاب میگفتند ، و به علی - رضی الله عنه - میپوشاندند ، و خود شان نیز آنرا میپوشیدند و در زیر آن کلاه میپوشیدند، و گاهگاهی قلنسوه را بدون عمامه میپوشیدند و همچنان عمامه را بدون قلنسوه میپوشیدند^(٣).

و همچنان ابن قیم - رحمه الله - میگوید : رسول الله (ﷺ) و صحابه آنرا میپوشیدند و همچنان پوشیدن قلنسوه عادت است برای علماء و قضات و اشراف و خطباء که همواره قلنسوه به سر مینمودند^(٤) .

عن ابن عمر رضی الله عنه قال : « كان يلبس قلنسوة بيضاء »^(٥). " ابن عمر رضی الله عنه میگوید : بود رسول اکرم (ﷺ) کلاه سفید میپوشیدند".

٣ - رداء (رومال ، چادر) و آحادیث وارده در مورد آن : رداء به دلیل تماس مستقیمی که در طول شبا روز به جسم انسان دارد تاثیر عجیب و غریبی را بر جسم میگذارد ، و همواره مردم همه نقاط دنیا و بویژه مسلمانان و خصوصا علماء به آن اهتمام مینمایند و به آن خوی گرفتند و بدون

١- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (١٩٧٦) . الوفاء باحوال المصطفی ، المؤسسة السعیدية : الرياض . طبع دوم . ج ٢ . ص ٥٦٧ .

٢ - موصلی ، أبو یعلی أحمد بن علی بن المثنی بن یحیی بن عیسی بن هلال . (١٤٠٤ هـ) . مسند ابی یعلی موصلی ، دار المامون للتراث . دمشق : چاپ اول ، ج ١ ص ٢١٦ . حسین سلیم أسد محقق کتاب می گوید : إسناد حدیث ضعیف است

٢- زاد المعاد فی هدی خیرالعبادج ١- ص - ١٣٥ .

٤- همان : ص ١٣٧ .

٥- سیوطی ، عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد (١٣٥١ هـ) ، الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی جامع الصغیر ، مصطفی بابی الحلبي، قاهره، چاپ اول، ج ٢ . - ص ٣٦٦ . حدیث را حسن خوانده است .

رداء نمیباشند ، بنابراین رداء دارای اهمیت ویژه ی بوده و بایستی نسبت به آن شناخت و آگاهی کسب کرد و دانست که احکام شریعت اسلامی به مناسبت رداء چه بوده و روایاتی که پیرامون آن از جناب رسول اکرم (ﷺ) وارد است چگونه بیان داشته است ؟ که ذیلا به آنها تماس گرفته و قرار ذیل توضیح خواهیم داد .

عن علی - رضی الله عنه - قال : « فدعا النبي (ﷺ) - بردائه فارتدى ثم انطلق يمشي واتبعته أنا وزيد بن حارثة حتى جاء البيت الذي فيه حمزة فاستأذن عليه فأذن له »^(۱). "از علی - رضی الله عنه - روایت است که فرمود : رسول اکرم - صلی الله چادر خود را خواستند و به آن پیچیدند و به سر گرفتند و روانه جای شدند (حمزه در آن خانه شراب نوشیده بود) من و زید بن حارثه عقب شان رفتیم تا به خانه رفت که حمزه در آن بود اجازه خواستند و برای شان اجازه داده شد".
عن أنس بن مالك - رضی الله عنه - قال : « كنت مع النبي - صلی الله عليه وسلم - وعليه رداء نجراني غليظ الحاشية »^(۲). "انس ابن مالک - رضی الله عنه - میگوید : با همراهی رسول اکرم (ﷺ) بودم و چادر نجرانی داشتند گوشه های آن دبل و غلیظ بود".

عن انس ابن مالک رضی الله عنه قال : « جبذ أعرابي رداء النبي - صلی الله عليه وسلم - »^(۳). "انس ابن مالک رضی الله عنه میگوید : یک اعرابی چادر مبارک رسول اکرم (ﷺ) را کشید .

عن إسماعيل بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، قال: رأيت رسول الله - صلی الله عليه وسلم - " وعليه ثوبان مصبوغان بالزعفران: رداء، وعمامة"^(۴). " اسماعیل بن عبدالله بن جعفر از پدرش نقل میکند که وی میگوید : رسول اکرم (ﷺ) را طوری دیدم که دو لباس پوشیده بودند که به رنگ زعفران رنگ آمیزی شده بود که آنها چادر و عمامه بود".

از عایشه رضی الله عنها می گوید: مردم از قطع باران و خشک سالی به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و سلم شکایت کردند: ایشان دستور دادند، منبری را به عید گاه آوردند و به مردم وعده داد که روز مشخصی به عید گاه بیایند، آن روز؛ در اول طلوع خورشید آمد و روی منبر نشست و الله اکبر، و ثنای خدا را گفت، و سپس دعا کرد « **ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى رُنِيَ بَيَاضُ إِبْطِيهِ** ثُمَّ حَوَّلَ إِلَى النَّاسِ ظَهْرَهُ وَقَلَّبَ رِدَاءَهُ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَيْهِ »^(۵).

۱- صحیح البخاری ج ۴ / ۲۵ .

۲- سنن ابن ماجه : ج - ۲ ص - ۱۱۷۷ ، شیخ البانی حدیث را صحیح خوانده است .

۳- صحیح البخاری : ج ۷ - ص ۱۴۲ .

۴- مسند ابی یعلی موصلی . ج ۱۰ - ص ۱۶۰ ، حسین بن سلیم حدیث را حسن خوانده است

۵- سنن ابی داود (ج ۱/ ص ۴۵۵) امام البانی در صحیح وضعیف سنن ابی داود (ص: ۲)، گفته : حدیث حسن است.

" سپس دست هایش را بلند کرد و همواره دستش بلند می کرد تا جایی که سفیدی زیر بغلهایش دیده شد، آنگاه پشت به مردم کرد و رداء (چادر) خود را زیر و رو کرد. و در حالی که دست هایش بلند بود."

پس از روایات فوق دانسته میشود که رداء یک لباس مشروع بوده و از جمله لباسهای است انسان بدان نیاز مبرم دارد و در عین حال از جمله لباسهای است که رسول اکرم (ﷺ) از آن استفاده مینمودند و آنرا میپوشیدند.

مطلب دوم : لباس مخصوص جسم و بدن

۱ - قمیص (لباس ، پیراهن) : زیبایی در دین اسلام از جایگاه مهم و رفیعی برخوردار است و تأکید فراوانی بر آن شده است چرا که زیبایی منشأ اثرات فراوانی بر روح و روان آدمی بوده و مسیر رشد و کمال وی را هموار میسازد. در طول تاریخ به دلیل اینکه نگاه غلط به مسئله پوشش داشتند و فکر میکردند لباس یک فرد مؤمن نبایستی زیبا و مرغوب باشد .

یکی از علائم خوشحالی و نشاط، پوشیدن لباس های تمیز است که دوستان را خوشحال میکند و دشمنان را میشکند، لذا از لباس نو به لباس دشمن شکن و از لباس کهنه به لباس دشمن شاد کن یاد میشود . از نگاه اسلام نه تنها لباس زیبا مشکلی ندارد، بلکه دوری از آن امری ناروا و ناپسند است ، چنانچه که از جمله سنت های مطهره رسول اکرم (ﷺ) میباشد ، برای انسان مسلمان لازم است که باید لباس بپوشد ، بنابراین احادیث وارده پیرامون موضوع را ذیلا تذکر میدهیم .

عن أم سلمة رضي الله عنه قالت : « كان أحب الثياب إلي رسول الله ﷺ القميص » (۱). " از ام سلمه (۲) - رضي الله عنها - روایت میگوید : محبوبترین لباس در نزد رسول الله (ﷺ) پیراهن بود . همچنان امام ابن حبان به این سند نقل کرده که میگوید : « كان يد قميص رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أسفل من الرسغ » (۳). " آستین پیراهن مبارک رسول اکرم (ﷺ) پایینتر از بند دست مبارک شان بود .

و همچنان ابن حبان از ابن عباس رضي الله عنه نقل کرده است که : عن ابن عباس قال : « كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يلبس قميصا فوق الكعبين مستوي الكمين بأطراف أصابعه » (۴).

۱- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۴۳ . شیخ البانی حدیث را صحیح خوانده است .

۲- هند بنت سهیل معروف به ابي أمية حنیفه زوجه رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - است که در سال چهارم هجری با وی ازدواج کردند ، و احادیث روایت کرده وی به ۳۷۸ حدیث میرسد . الاعلام ج ۸ - ص ۹۸ .

۳- تحفة الاحوذی : ج ۵- ص ۳۷۴ . ابن حبان آنرا نقل کرده ، و شیخ البانی در سلسله الضعیفه آنرا آورده است .

۴- سیوطی، عبد الرحمن بن الکمال، جلال الدین ، (۱۹۹۳ م)، الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر ، دار الفکر - بیروت ، چاپ اول ج ۲- ص ۳۶۶ . شیخ البانی آنرا ضعیف خوانده است .

" ابن عباس (رضی الله عنه) میگوید : رسول اکرم (ﷺ) پیراهن میپوشیدند ، که پاشنه آن بالاتر از بند و قوزک پای مبارک و آستین شان برابر با نوک پنجه های مبارک شان بود ."

عن ابن عباس رضی الله عنه قال : «كان رسول الله ﷺ يلبس قميصا قصيرا يدين، والطول»^(۱).
" همچنان روایت دیگری از ابن عباس رضی الله عنه روایت است ، میگوید : « رسول اکرم لباس میپوشیدند که آستین کوتاه و همچنان لباس میپوشیدند که قد دراز میداشت ."
عن ابن عباس - رضي الله عنهما - أن النبي - صلى الله عليه وسلم - « لبس قميصا وكان فوق الكعبين و كان كمة مع الأصابع »^(۲).

" از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم (ﷺ) لباس ی را پوشیدند که بالاتر از بجلک پای بوده و نیز آستین آن برابر با پنجه های شان بود .

عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - قال : « لبس عمر، قميصا جديدا ثم قال: مد كمي يا بني و الزق بأطراف أصابعي واقطع ما فضل عنهما ، قال: ففقطعت من الكمين فصار فم الكمين بعضه فوق بعض فقلت: لو سويته بالمقص . قال :دعه يا بني هكذا رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يفعل»^(۳). " عبدالله ابن عمر - رضي الله عنهما - ميفرمايد : عمر - رضي الله عنه - لباس جدیدی را پوشیدند ، بعد از آن فرمودند : « آستین مرا دراز بساز و نوک آنرا با نوک های پنجه ها برابر بساز و زیاد تر از آنرا قطع نما . گوید : از نوک آستین ها قطع کردم ، پس دیدم که پست و بلند شد ، پس گفتم : اگر با قیچی برابر بسازی چطور ؟ فرمودند : فرزندم ! بگذار ، رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که چنین میکردند ."

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - : «بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ رَأَيْتُ النَّاسَ يُعْرَضُونَ وَعَلَيْهِمْ قُمْصٌ مِنْهَا مَا يَبْلُغُ الثُّدْيَ وَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ دُونَ ذَلِكَ وَمَرَّ بِنُ الْخَطَّابِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ يَجْرُهُ» . قَالُوا مَاذَا أَوْلَتْ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ «الذِّينَ»^(۴). " از ابو سعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده که رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمودند: در خواب دیدم که مردم بر من عرضه می شوند در حالیکه لباسهایی بر تن دارند. از جمله آنها کسانی بودند که لباسهایشان تا سینه هایشان بود و تعدادی نیز بالاتر از آن. و عمر بن الخطاب عبور کرد در حالیکه لباسش بر زمین کشیده می شد. حاضرین گفتند: یا رسول الله! تأویل آن چیست؟ ایشان فرمودند: آن دین است."

۱- سنن ابن ماجه : ج ۲ - ص ۱۱۴۸ . شيخ البانی ضعيف خوانده است .

۲- المستدرک على الصحيحين : ج ۴ - ۲۱۷ . امام حاکم این حدیث را صحیح الاسناد خوانده است .

۳- همان : ج - ۴ ص ۲۱۷ . امام حاکم این حدیث را صحیح الاسناد خوانده است . ابو عقيل ضعيف خوانده است.

۴ - صحيح البخاري : ج- ۶ ص ۲۵۷۱

از مجموع روایات و آثار وارده پیرامون قمیص این را میرساند که پوشیدن لباس (قمیص) نه تنها جایز است بلکه یک امر مستحب است ، چون در نزد رسول اکرم (ﷺ) محبوبترین لباس قمیص بوده است ، بخاطریکه برای ستر کردن بدن از چادر و ازار خوبتر است ، چون آنها نیاز به بند کردن دارند و احتمال دارد که قمیص شِعار (لباسی که بدن را میپوشاند) و عورت را ستر میکند^(۱).
۲ - سراویل (شلوار) : پوشیدن شلوار عام است برای مردان و زنان پیامبر اکرم (ﷺ) رخصت دادند به آنانیکه شلوار میپوشند . چنانچه که از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول اکرم (ﷺ) فرمودند: « من لم يجد ازارا فليلبس سراويل »^(۲). " کسیکه ازار نیافت شلوار بپوشد" .
و همچنان از ابی امامه - رضی الله عنه^(۳) - است که فرمود : « قلت يا رسول الله (ﷺ) ان اهل الكتاب يتسولون و لا ياتزون ، فقال رسول الله (ﷺ) تسولوا وانتزروا ، و خالفوا اهل الكتاب »^(۴). " گفتم ای رسول الله (ﷺ) ! اهل کتاب شلوار میپوشند و ازار ندارند ، پس رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : شلوار بپوشید و ازار بسته بکنید و با اهل کتاب مخالفت نمائید .

و همچنان علی - رضی الله عنه - نقل میکند : « كنت قاعدا عند رسول الله (ﷺ) عند البقيع في يوم مطير ، فمرت امرأة على حمار مكار ، فهوت يد الحمار في وهدة فسقطت المرأة ، فأعرض عنها النبي (ﷺ) بوجهه فقالوا : يا رسول الله انها متسرولة فقال : اللهم اغفر للمتسرولات من امتي ، يايها الناس اتخذوا السراويلات فإنها من استر ثيابكم ، و حصنوا بها نساءكم إذا خرجن »^(۵).
در یک روز بارانی در بقیع نزد رسول اکرم (ﷺ) نشسته بودم ، خانمی بر یک مرکب مکار عبور کرد ، پس پای مرکب در یک چقوری شد و خانم افتید ، پس رسول اکرم (ﷺ) روی خود را طرف دیگر نمود ، گفتند : ای رسول الله (ﷺ) ! خانم شلوار دارد ، پس رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : پروردگارا شلوار داران را از امت من بیامرز ، و نیز گفتند ای مردم شلوار داشته باشید که با ستر

۱- اللباس و الزينة في الشريعة الاسلامية : ص ۲۶۶ .

۲- صحيح البخارى : ج ۷ - ص ۱۴۴ .

۳ - صُدَيُّ بن عَجَلان بن وهب باهلي، أبو أمامة، از قبیله قيس عیْلان، ویا از قبیله سهم بن عمرو از قوم باهله است و مشهور به اسم کنیه است، و از اشراف قوم خود بود، در سال (۲۱ قبل از هجرت) تولد شده است، و از اصحاب بیعت شجره میباشد، و در سال (۸۶ هـ ق - ۷۰۵ م - ۸۳ هـ ش) وفات شده است، و شصت يك سال عمر داشت، (طبقات ابن سعد (ج۷/ص ۴۱۱ - ۴۱۲)، و سير اعلام النبلاء (ج۳/ص ۳۵۹ - ۳۶۳)، و بدایه و نهایه (ج۹/ص ۷۳). امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج۱۱/ص ۴۱)، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج۱/ص ۲۲۱)، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج۲/ص ۱۶) ، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج۷/ص ۱۹).

۴- مسند احمد بن حنبل ج ۵ - ص ۲۶۴ .

۵- هیثمی ، نور الدین ، علي بن أبي بكر بن سليمان . (۱۳۵۲ هـ) . مجمع الزوائد ، مكتبة القدسي . بيروت ، طبع دوم ج ۵ - ص ۱۲۲ . این حدیث را ضعیف جدا خوانده است .

ترین لباس شما شلوار است و زنان تان را وقتیکه از خانه بیرون میشوند با شلوارها محصون داشته باشید".

و همچنان از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است میگوید: «ان النبي (ﷺ) خطب بعرفات: من لم يجد ازارا فليلبس سراويل للمحرم»^(۱). "رسول اکرم (ﷺ) در میدان عرفات خطبه ایراد میکرد، فرمودند: کسیکه ازار نیافت باید شلوار بپوشد برای محرم.

پس روایات از رسول اکرم (ﷺ) در باره مشروعیت شلوار و تشویق رسول اکرم (ﷺ) به داشتن آن برای زنان و مردان بی شمار است بنابراین به ذکر احادیث فوق بسنده می‌شویم.

۳ - برنس (جامه کلاه دار): برنس جامه‌ای که از پشم سیاه و یا سفید می‌بافند، جبهه‌ای که سر و بدن را می‌پوشاند^(۲).

عن انس ابن مالک - رضی الله عنه - قال: «رأيت علي انس برنسا اصفر من خز»^(۳).
بر سر انس - رضی الله عنه - جامه کلاه دار زرد را دیدم که از خز (- حیوانی شبیه گربه که از پوست آن پوستین می‌سازند) بود.

عن ابن عمر - رضی الله عنهما - عن النبي (ﷺ) «أن رجلا سأله ما يلبس المحرم فقال: لا يلبس القميص ولا العمامة ولا السراويل ولا البرنس ولا ثوبا مسه الورس أو الزعفران فإن لم يجد النعلين فليلبس الخفين وليقطعهما حتى يكونا تحت الكعبين»^(۴). "عبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - می‌گوید: شخصی از رسول الله (ﷺ) پرسید: مُحرم، چه چیزی باید بپوشد؟ رسول الله (ﷺ) فرمود: «نباید پیراهن، عمامه، شلوار، عبا و همچنین لباسی که به عطر یا زعفران آغشته شده باشد، بپوشد، و اگر سرپایی نیافت، موزه بپوشد و آنها را از زیر استخوان قوزک پا، قطع کند».

عن وائل بن حجر الحضرمي - رضی الله عنه - قال: «وفد علي النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - إذا افتتح الصلاة يرفع يديه حذو منكبيه، وإذا ركع وبعد ما يرفع رأسه قال وائل: ثم أتيتهم في الشتاء، يرفعون أيديهم في الرانس (البرانس)^(۵).

۱- صحیح البخاری: ج ۱ - ص ۳۴.

۲- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ هـ ش، دانشگاه تهران، لغت‌نامه دهخدا، ویا فرهنگ دهخدا ماده برنس.

۳- صحیح البخاری: ج ۷ - ص ۱۴۴.

۴- همان: ج ۱ / ص ۷۴.

۵- شافعی، محمد ابن ادريس (۱۴۰۱)، مسند شافعی، دار الکتب العلمیة. بیروت، طبع چهارم .. ج ۱ - ص ۷۳، لم اقف علی هذ الحدیث صحیح یحتج به ام لا.

"وائل بن حجر^(۱) - رضی الله عنه - میگوید : عده ی نزد رسول الله (ﷺ) آمدیم و دیدم که وقتی که نماز را آغاز میکردند و دستان مبارک خود را برابر شانه ها بلند مینمودند ، و وقتی که رکوع میکردند و بعد از بالا کردن سر از رکوع نیز دستان خود را بلند میکردند ، بعد از آن در تابستان نزد شان آمدیم دیدم که دستان خود را از برنس (لباس کلاه دارد) بلند میکردند"

عن ابن عمر - رضی الله عنه - : «أنه كان إذا سجد يضع كفيه على الذي يضع عليه وجهه ، قال: ولقد رأيتُه (ﷺ) في يوم شديد البرد يخرج يديه من تحت برنس له»^(۲) "عبدالله ابن عمر رضی الله عنه وقتی که سجده مینمود ، دستان خود را به جای می گذاشت که پیشانی آن آنجا قرار قرار میگرفت . فرمود : در روز بسیار سردی دیدم که رسول اکرم (ﷺ) دستان مبارک خود را از استین برنس (جمر کلاه دار) میکشیدند و به زمین می گذاشتند" .

عن زياد بن سيار، أن أبا قرصافة - رضي الله عنه - «كان عليه برنس كساه إياه النبي صلى الله عليه وسلم»^(۳). "زيد بن يسار میگوید : ابو قرصافه - رضی الله عنه - یک برنس داشت که آنرا رسول اکرم (ﷺ) بر آن پوشانیده بودند".

عن عزة بنت عياض، قالت: سمعت أبا قرصافة رضي الله عنه قال : «كساني رسول الله - صلى الله عليه وسلم - برنسا و قال : «البسه»^(۴). "عزة بنت عياض میگوید : از ابو قرصافه - رضی الله عنه شنیدم - شنیدم که میگفت : رسول اکرم (ﷺ) برایم برنسی پوشانیدند و آن را می پوشم" . پس از احادیث و روایات بی شماری که در فوق تذکر داده شده اباحت پوشیدن برنس دانسته میشود اما برای محرم جایز نیست ، و عده از دانشمندان سلف پوشیدن برنس را در حالت احرام و غیر آن مکروه دانستند که میگویند : از لباس راهبان اهل کتاب است^(۵) .

۱- وائل بن حجر الحضرمي القحطاني، أبو هنيذة: پدرش پادشاه حضرموت بود ، نزد رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - آمد و رسول الله - صلى الله عليه وسلم - چادر خود را هموار نموده و بالای آن نشستند و فرمودند : «اللهم بارك في وائل وولده» . و آنرا والی حضرموت تعیین کردند و بهمراه آن معاویه بن ابو سفیان را فرستادند که به قوم آن قرآن و اسلام را بیاموزد . و در فتوحات به همراهی معاویه - رضی الله عنه - اشتراک داشت . و در دوران خلافت معاویه - رضی الله عنه - آنرا زیارت کرد و در تخت خلافت به همراهی خود نشاند ، و برآن جایزه داد ولی نپذیرفت ، و معاویه - رضی الله عنه - خواست که به مقدار پولی بدهد و او گفت من غنی هستم و نگرفت ، سپس فرمود : آنرا کسی بگیرد که مستحق آن باشد . البداية والنهاية ۵: ۷۹ .

۲- مسند شافعی : ج ۱ - ص ۹۳ . مؤطا مالک : ج ۱ - ص ۱۶۳ .

۳- شیبانی، أحمد بن عمرو بن الضحاك بن مخلد أبو بكر بن أبي عاصم ، (۱۴۱۱ هـ) الأحاد و المثانی لابن ابی عاصم، دار الراية - الرياض ، چاپ اول ، محقق : د. باسم فيصل أحمد الجوابرة ، ج ۲ - ص ۲۷۸ .

۴- معجم الكبير للطبرانی : ج ۳- ص ۱۹ . قال الحافظ في الفتح و في سنده من لا يعرف . فتح الباری : ج ۱۰ - ص ۲۷۲ .

۵- اللباس و الزينة في الشريعة الاسلامية : ص ۲۷۲ .

٤ - قباء (جمپر و کورتی) : عن عبد الله بن أبي مليكة - رضی الله عنه - قال : « أن النبي - صلى الله عليه وسلم - أهديت له أقبية من ديباج »^(١). "عبدالله بن ابی ملیکه^(٢) - رضی الله عنه - میگوید : « بی شک رسول اکرم (ﷺ) برایشان قباء های از دیباج (دیباج جامه که تار و بود آن از حریر باشد) هدیه گردید".

عن المسور بن مخرمة (رضی الله عنه) «قدمت على النبي - صلى الله عليه وسلم - أقبية»^(٣). " مسور بن مخرمه^(٤) (رضی الله عنه) میگوید : به رسول اکرم (ﷺ) اقبیه را تقدیم کردم پذیرفتند".

و نیز از آن روایت دیگری قرار ذیل وارد است .

عن المسور بن مخرمة - رضي الله عنهما - قال : « قسم رسول الله (ﷺ) أقبية ولم يعط مخرمة منها شيئا فقال مخرمة يا بني انطلق بنا إلى رسول الله (ﷺ) فانطلقت معه فقال ادخل فادعه لي فدعوته له فخرج إليه وعليه قباء منها فقال خبأنا هذا لك قال فنظر إليه فقال رضي مخرمة »^(٥). "مسور بن مخرمه - رضی الله عنه - میگوید: رسول الله (ﷺ) تعدادی قباء تقسیم نمود . اما به چیزی از آنها نرسید . مخرمه به من گفت: پسر! با من نزد رسول الله (ﷺ) میرویم . مسور میگوید: با پدرم براه افتادم . (وقتی به منزل رسول الله (ﷺ) رسیدیم ، پدرم گفت : برو داخل و رسول الله را بگو نزد من بیاید. من نیز رفتم و رسول الله (ﷺ) را صدا کردم . آنحضرت (ﷺ) در حالی که یکی از همان قباها را پوشیده بود، بیرون تشریف آورد و به پدرم گفت: «این را برای شما گذاشته بودم » . مخرمه به آن، نگاه کرد . رسول الله (ﷺ) فرمود : مخرمه، راضی شد".

شیخ الاسلام ابن تیمیه^(٦) را سوال کردند از گذاشتن قبا بر شانه ها و نپوشیدن آستین های آنها که آیا مکروه است یا خیر ؟ فرمود به اتفاق علما باکی ندارد و از سدل مکروه حساب نمیشود^(٧).

١- صحیح البخاری : ج ٤ - ص ٨٦ .

٢- عبد الله بن عبيد الله بن أبي مليكة التيمي المكي . الاعلام للزرکلی ج ٤ - ص ١١٧ .

٣- صحیح البخاری : ج ٤ - ص ٨٦ .

٤- مسور بن مخرمة بن نوفل بن أهيب القرشي الزهري، أبو عبد الرحمن ، از فضلاء صحابه بوده ، در خورد سالگی با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ملاقات کرده است و در فتح افریقا با عبد الله بن سعید بوده . باز به همراهی ابن زبیر در مکه بود ، و یک سنگ از سنگ های منجنيق برایش رسید و به قتل رسید . الاعلام ج ٧ - ص ٢٢٥ .

٥- صحیح البخاری : ج ١ - ص ٣٥٧ .

٦- أبو العباس تقي الدين أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تیمیه ، حراني دمشقي، در سال (٦٦١ هـ) در بحران ترکیا تولد شده، و در سال (٧٢٨ هـ) وفات شده است، و او بلا منازعه امام است، و تصنیفات زیادی دارد از آنجمله اقتضاء الصراط المستقیم فی الرد علی أهل الجحیم، و الصارم المسلول علی شاتم الرسول، و منهاج السنة النبویة، و مجموعة الفتاوی و غیره میباشد، (سیر اعلام النبلاء از امام ذهبی (ج ٢٢ - ص ٢٨٨) ، الاعلام از خیر الدین زرکلی (ج ١ - ص ٤٣١) .

٧- سفارینی، شمس الدین محمد ابن احمد بن سالم (١٤١٤هـ)، غذاء الالباب فی شرح منظومة الآداب ، منتشر موسسه قرطبه- مصر. طبع دوم ، ج ٢ ص ١٥٦ .

مطلب سوم : لباس مخصوص دست و پای

الف. لباس مخصوص دست

۱ - خاتم (انگشتر) : خاتم در لغت : خ ، ت ، م : یک اصل است که رسیدن به آخر یک شی میباشد ، قسمیکه عرب ، میگویند: « ختمت العمل » کار را فرجام بخشیدم ، درینجا خاتم بمعنی ما ما یختم به میباشد که آن انگشتری است^(۱) .

خاتم در اصطلاح : خاتم را در اصطلاح علما چنین تعریف کرده اند : « حلقة من ذهب او فضة فضة او غیرهما ، ذات فص ، تلبس فی اصابع الید ، للختم ، او الزینة »^(۲). " خاتم عبارت از حلقه از طلا ، نقره و یا غیر آن که دارای نگین ویژه بوده ، شخص در پنجه ها برای ختم یا زینت میپوشد و دانشمندان پیرامون انگشتری که از نقره باشد اختلاف نظر دارند آیا سنت بوده ، یا مستحب است و یا هم مقید به حاجت میباشد :

دیدگاه اول : حنفیه ، بعضی از مالکیه ، شافعیه و ظاهر کلام امام احمد^(۳) و اختیار بسیاری از اصحاب امام احمد است که میگویند : پوشیدن انگشتری نقره برای مردان مباح است ، خواه برای حاجت باشد یا غیر آن که فضیلتی ندارد^(۴) .

دیدگاه دوم : پوشیدن انگشتری نقره برای مردان مستحب است . به نظر امام مالک و بنابر یک رای از حنابله است^(۵) .

دیدگاه سوم : پوشیدن انگشتری نقره مکروه است مگر برای کسیکه سلطه داشته باشد ، مانند : قاضی و امیر و اصحاب ولایات و صلاحیت . نظر بعضی از حنفیه ، شافعیه و یک صورت است در نزد حنابله^(۶) .

۱- زبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق، أبو الفیض، (۱۴۰۰ هـ)، تاج العروس، تراث العربی، بیروت، چاپ اول، تحقیق: عبد العظیم الطحاوی، ج ۷ - ص ۳۰۷ .

ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا، أبي الحسين، (۱۳۹۹ هـ)، مقاییس اللغة ، دار الفكر، چاپ اول، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، (ج ۴/ص ۴۹۳) .

۲- معجم الوسیط : ج ۱ - ص ۲۱۸ .

۳ - أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد ، شیبانی، وفقیه، و محدث، وصاحب يك مذهب از مذاهب چهارگانه اهل سنت است، در سال (۱۶۴ هـ ق - ۷۸۰ م - ۱۵۸ هـ ش) در بغداد تولد شده، و در سال (۲۴۱ هـ ق - ۸۵۵ م - ۲۳۳ هـ ق) وفات شده است، و از شاگردانش امام البخاری، و امام مسلم، و امام ابو داود، و غیره میباشد و تصنیفاتش مسند ، و العقیده به روایت ابي بکر خلال، و الرد علی الجهمیه و الزنادقة، و أصول السنة و غیره میباشد، (تاریخ الإسلام از ذهبی (ج ۴/ص ۳۶۰)، سیر أعلام النبلاء از ذهبی (ج ۱۱/ص ۱۷۷)، الأعلام از خیر الدین زرکلی (ج ۲/ص ۲۸۶) .

۴- لباس الرجل احكامه و ضوابطه فی الفقه الاسلامی : ص ۳۹۴ .

۵- مرداوی، علي بن سليمان بن أحمد. (۱۴۰۴) . الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، دار الکتب المصریة . قاهره ، چاپ اول ، ج ۳ - ص ۱۴۲ .

۶- فتح الباری : ج ۱۰ - ص ۳۳۸

دیدگاه چهارم: پوشیدن انگشتری نقره مطلقاً مکروه است خواه برای حاجت باشد و یا غیر آن . ابن عبدالبر آنرا از عده از دانشمندان نقل کرده است^(۱).

راجح - و الله اعلم - قول اول است ، انگشتری نقره فضیلتی ندارد و لیکن مباح است برای آنرا میپوشد و استفاده مینماید^(۲) .

جمهور علماء بر تحریم انگشتری طلا برای مرد اتفاق کردند^(۳) . زیرا دلایل بر تحریم آن وافر است چنانچه از رسول الله (ﷺ) بر تحریم انگشتری طلا روایت است :

عن البراء - رضي الله عنه - قال: «أمرنا النبي (ﷺ) بسبع ونهانا عن سبع أمرنا بعبادة واتباع الجنابة وتشميت العاطس وإجابة الداعي ورد السلام ونصر المظلوم وإبرار المقسم (القسم) ونهانا عن سبع عن خاتم الذهب أو قال حلقة الذهب وعن لبس الحرير والديباج والسندس والمياثر»^(۴). " براء بن عازب^(۵) - رضي الله عنه - ميگويد: رسول الله (ﷺ) ما را به هفت چیز، امر و از هفت چیز منع کرد: ما را امر کرد، که از مريض عيادت کنم و جنازه را همراهی کنیم و عطسه کننده را دوعا کنیم و مهمانی را بپذیریم و سلام را پاسخ بگویم و مظلوم را یاری کنیم خورده را در ایفای سوگند (مشروع) کمک کنیم. و از انحضرت ما را از هفت چیز منع کرد: از پوشیدن انگشتر طلا یا گفتم: حلقه طلا و از پوشیدن حریر (پارچه های ابریشمی) و ديباج (جامه که تار و پود آن از حریر باشد) و سندس (پارچه باریک و نازک از ابریشم) و میاتیر (کجاوه یا زین اسب و شتر و یا هر چیز دیگری که از حریر و دیبا ساخته شده باشد).

و علما پیرامون انگشتری که از آهن باشد با دو دیدگاه اختلاف کردند :

دیدگاه اول: جمهور علما از حنفیه ، مالکیه ، بعضی از شافعیه و حنابله میگویند : برای مردان و زنان انگشتری آهن و مس مکروه است^(۶) .

۱- ابن رضوان ، عباس بن محمد بن أحمد . (۱۴۰۴) . فتح البر فی الترتیب الفقہی لتمهید ابن عبدالبر . دار المعرفه . مصطفی بابی الحلبي . طبع دوم . . ج ۳ - ص ۶۵۰ .

۲- لباس الرجل احکام و ضوابطه فی الفقه الاسلامی: ص ۴۰۶ .

۳- همان : ص ۴۰۸ .

۴- صحیح البخاری : ج ۸ - ص ۴۹ .

۵- براء بن عازب بن الحارث الخزرجی، در خورد سالی اسلام آورده ، و با رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در ۲۵ غزوه اشتراک داشته که اول آن غزوه خندق است ، زمانیکه عثمان - رضي الله عنه خلیفه گردیده آنرا در سال ۲۴ هجری والی فارس تعیین نموده است . و در زمان مصعب بن زبیر وفات یافته است . بخاری و مسلم از آن ۳۰۵ حدیث از آن نقل کرده است . (طبقات ابن سعد : ج ۸ - ص ۸۰).

۶- لباس الرجل احکام و ضوابطه فی الفقه الاسلامی: ص ۴۱۶ .

دیدگاه دوم : مذهب شافعیه ، بعضی از مالکیه و بعضی از حنابله میگویند : انگشتی گرفتن از آهن و مس جایز است (۱).

راجح - والله اعلم- قول اول است انگشتی از آهن و مس مکروه است، بر اساس دلایل ذیل :

۱- بر اساس ثبوت نهی از رسول اکرم (ﷺ) بر بیشتر از یک وجه و دلالت بر مکروهیت انگشتی آهنی دارد .

۲- آهن و مس و رصاص زیورات اهل کفر است .

۳- پیامبر اکرم - ﷺ - بیان کردند که انگشتی آهن بدتر از انگشتی طلا است ، پس انگشتی از آهن ناجایز است قسمیکه انگشتی طلا حرام است .

۴- بعضی از اهل علم علت دیگری را برای تحریم انگشتی آهن ذکر کردند که آن شرک است است ، رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : کسیکه تمیمه آویزان کند به تحقیق شرک کرده است . چون عادت عادت بعضی از جهال و زنها این بود که به دستان شان از آهن چوری جور میکردند به زعم شان شان از شر جن خود را محفوظ نگه داشته باشند(۲).

دانشمندان در باره پوشیدن انگشتی که از عقیق و جواهرات (یاقوت ، الماس و زمرد) باشد و در جواز آن اختلاف کردند بنابر دو قول :

دیدگاه اول : حنفیه و بعضی از حنابله میگویند : انگشتی از اشیای فوق جایز است (۳) .

دیدگاه دوم : بعضی از حنفیه ، شافعیه و ظاهر کلام امام احمد رحمه الله میگوید : انگشتی از اشیای فوق مکروه است (۴) .

راجح - والله اعلم - انگشتی از عقیق و امثال آن از جواهرات برای مردان جایز است بدون کدام کراهتی و لیکن فضیلت و برتریت ندارد (۵).

۲ - فص (نگین) : انگشتی جایز است اگر نگین داشته باشد یا خیر و نگین آن از جنس خودش باشد یا از جنس غیر آن جایز است (۶) . چنانچه که انس ابن مالک رضی الله عنه نقل کرده است:

۱- همان : ص ۴۱۶ .

۲- همان : ص ۴۲۸ .

۳- لجنة من العلماء . (۱۳۱۰ هـ) ، فتاوی هندیه [دار الفکر . بیروت ، چاپ اول ، ج ۵ - ص ۳۳۵

۴- ابن عابدین ، محمد امین بن عمر . (۱۳۱۶ هـ) . رد المحتار علی الدر المختار ، احیاء التراث العربی . بیروت . سال طبع : دوم ،

ج ۶ - ص ۳۶۰ ، نووي ، محيي الدين يحيى بن شرف (۲۰۱۰) ، المجموع شرح المهذب ، دار الفکر . بیروت ، ج ۴ - ص ۳۲۴ .

۵- لباس الرجل احكام و ضوابطه في الفقه الاسلامي: ص ۴۳۳ .

۶- بهوتي ، منصور بن يونس بن صلاح الدين . (۱۴۰۴) . كشاف القناع ، مكتبة النصر . الرياض . چاپ اول ، ج ۲ - ص ۲۳۶ .

عن أنس - رضي الله عنه - قال : « أن النبي - ﷺ - كان خاتمه من فضة وكان فسه منه »^(۱) انس ابن مالک - رضي الله عنه - ميگويد : خاتم رسول اکرم (ﷺ) از نقره بود و نگین آن از جنس خودش بود .

بنابرين نگین انگشتری از جنس خودش باشد ، و خاتم هم از جمله چیز های باشد که استفاده از آن برای مردان جایز باشد پس آن مباح است نظر به حدیث سابق .
اگر نگین از جنس خودش نباشد ، از جنس طلا و غیر آن از جواهر دیگری بوده باشد از دو حالت بیرون نیست .

- اگر نگین از جنس طلا باشد ، در اباحت آن دو قول است:

۱- استفاده از آن حرام قسمیکه اگر انگشتری که در کل طلا باشد حرام بود به همین ترتیب نگین آن طلا باشد نیز جایز نبوده و حرام است . اصحاب این قول ، صاحبین از حنفیه ، ظاهر قول امام مالک ، و مذهب شافعیه ، و قولی از امام احمد که اصحاب آن همین را اختیار کردند^(۲) .
۲- ساختن نگین طلایی مباح است ، بشرطیکه طلا کم استفاده شده باشد . اصحاب این قول ، حنفیه ، مالکیه و جمهور از حنابله است^(۳) .

راجح - والله اعلم - قول دوم است ، یعنی اگر از طلا کم استفاده شده باشد جایز است^(۴) .
در رابطه به چگونگی استفاده از نگین دانشمندان اختلاف نظر دارند که آیا نگین بیرون کف دست گردانیده شود و یا داخل آن ، نظریات ائمه قرار ذیل است:

۱- مذهب حنفیه ، افضل در نزد شافعیه و قولی از حنابله میگویند : مستحب است برای شخص که نگین انگشتر خود را داخل کف دست بگرداند^(۵) .
۲- حنابله میگویند : برای شخص مستحب است که خاتم را نگین خاتم را عقب کف دست بگرداند^(۶) .

۱- صحیح البخاری: ج ۷ - ص ۱۵۶ . حدیث رقم ۵۸۷۰ . فتح الباری بشرح صحیح البخاری: ج ۱۰ - ص ۳۳۴ .

۲- رد المحتار علی الدر المختار : ج ۶ ص ۳۶۰ .

۳- باجی ، سلیمان بن خلف بن سعد بن أبوب بن وارث التجیبی ، (۱۳۳۲ هـ) ، المنتقى شرح المؤطا ، مطبعة السعادة - بجوار محافظة مصر ، چاپ اول ، ج ۷ - ص ۲۵۴ .

تدلاوی ، حسن بن رحال بن أحمد . (۱۴۰۸ هـ) ، الخرشى علی مختصر الخلیل . دار المعرفة . بیروت ، طبع اول . ج ۱ - ص ۹۸

۴- لباس الرجل احکام و ضوابطه فی الفقه الاسلامی: ص ۴۴۰ .

۵- رد المحتار علی الدر المختار : ج ۶ - ص ۳۶۱ . المجموع شرح المذهب : ج ۴ - ص ۳۴۰ . الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف : ج ۳ - ص ۱۴۲ .

۶- کشف القناع . ج ۲ - ص ۲۳۶ .

۳- مالکیه و شافعیه میگویند : گردانیدن نگین خاتم در عقب کف دست و در داخل آن باکی ندارد^(۱).

راجح- والله اعلم- قول سوم است که بودن نگین در داخل و بیرون کف هر دو یکی است^(۲).
نقش بر خاتم جایز و اگر الفاظ که در آن ذکر باشد اگر نگاشته شود هم بدون داشتن کراهیت جایز
جایز است . چنانچه حافظ ابن حجر - رحمه الله - میگوید : مکروه در صورتی است که ترس حمل
حمل جنب ، حیض و استنجاء بوده باشد که در دست هم خاتمی که در آن الفاظ ذکر وجود داشته
باشد و در غیر صورت های متذکره جایز است^(۳).

ب. لباس مخصوص پای

۱ - پوشیدن نعال (سرپایی) : معنی نعال : نعال جمع نعل ، و نعل به چیزی اطلاق میگردد که
که وقایه برای پای از زمین بوده باشد که بوت « حذاء » نیز گویند^(۴) .

مشروعیت نعال مبتنی بر اصل دوم شریعت اسلامی همانا سنت مطهره نبوی (ﷺ) میباشد .
چنانچه ابو هریره - رضی الله عنه - از رسول اکرم (ﷺ) نقل میکند و میگوید: عن ابی هریره -
رضی الله عنه - قال : « كان لنعل النبي (ﷺ) قبالة ، و لنعل ابی بکر قبالة و لنعل عمر قبالة و
اول من عقد واحدة عثمان »^(۵). " ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید : بوت رسول اکرم (ﷺ) دو
بند داشت و همچنان از ابو بکر نیز دو بند داشت ، از عمر فاروق نیز دو بند داشت و اولین کسیکه
یک بند جور کرد عثمان - رضی الله عنهم - بود".

عن ابن عمر رضی الله عنه قال رایت رسول الله (ﷺ) یلبس النعال التي ليس فيها شعر و يتوضأ
فيها فانا احب ان البسها^(۶). رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که اکثراً بوت بدون پشم(سبئی) میپوشیدند و
در آن وضوء میکردند پس من هم دوست دارم که بپوشم.

از جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - روایت است که فرمود : « سمعت رسول الله (ﷺ) يقول
: في غزوة غزوناها : استكثروا من النعال ؛ فإن الرجل لا يزال راکبا ما انتعل »^(۷) .

۱- المجموع شرح المهذب. ج ۴ - ص ۳۴۰ .

۲- لباس الرجل احكام و ضوابطه في الفقه الاسلامي: ص ۴۴۶ .

۲- فتح الباری: ج ۱۰- ص ۳۴۰ .

۴- لسان العرب : ج ۱۴ - ص ۲۰۶ . از هری ، محمد بن أحمد ، أبو منصور، (۲۰۰۱ م)، تهذيب اللغة ، دار إحياء التراث العربي -
بيروت، چاپ اول ، تحقيق : محمد عوض مرعب، ج ۵ - ص ۱۸۳ .

۵- سنن ابن ماجه : ج ۲ - ص ۱۱۹۴ . شيخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۶- صحيح البخاری ج ۱ ص ۴۴ .

۷- صحيح مسلم: ج ۱۴ - ص ۲۶۱ .

" جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - رسول اکرم (ﷺ) را شنیدم که در یکی از غزوات میگفتند: بوت زیاد داشته باشید، که شخص اگر بوت پوشیده باشد همواره سواره است (یعنی کسیکه بوت پوشیده باشد از اذیت و آزار کناره جاده در امن می باشد)".

عیسی بن طهمان قال: «أخرج إلينا أنس نعلين جرداوين (جرداوتين) لهما قبالاتان فحدثني ثابت البناني بعد عن أنس أنهما نعلا النبي (ﷺ)»^(۱). "عیسی بن طهمان میگوید: انس - رضی الله عنه - که ایشان يك جفت كفش رنگ و رو رفته را که دارای بندهای لای انگشتی بودند، به یارانش نشان داد و گفت: اینها کفشهای مبارک نبی اکرم (ﷺ) هستند".

برای پوشیدن نعال یک سلسله آدابی از شارع نقل است که شخص مسلمان بر رعایت آن مکلف بوده که سبب از دیاد خیر و ثواب میگردد بناء در سطور ذیل پیرامون آن بحث میگردد:

عن جابر - رضی الله عنه - قال: «نهى رسول الله (ﷺ) ان ينتعل الرجل قائما»^(۲). "از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت که میگوید: رسول اکرم (ﷺ) منع کردن از ایستاده پوشیدن نعال".

تکان دادن نعال در وقت پوشیدن آن واقعا ادبی است که دلالت بر تلاش، سعی و کوشش اسلام بر سلامتی اتباع آن بوده و تشویق آن به اخذ بر اسباب بعد از توکل بر الله عزوجل و رضایتمندی بر تقدیر و قضاء الهی میباشد. چون در نعال احتمال بودن حشراتی موزی میباشد که به تکان ندادن آن احتمال اذیت دیدن انسان است.

چنانچه که از ابو امامة (رضی الله عنه) روایت است که میگوید: عن ابی امامة الباهلی (رضی الله عنه) قال: «دعا رسول الله (ﷺ) بخفيه يلبسهما، فلبس احدهما، ثم جاء غراب فاحتمل الاخرى، فرمى بها، فخرجت منها حية، فقال النبي (ﷺ) من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يلبس خفيه حتى يفضهما»^(۳).

" ابو امامة (رضی الله عنه) رسول اکرم (ﷺ) بوت خود را خواستند تا بپوشند، یکی از آن را پوشید، زاغی آمد جوهره آنرا برداشت، و آنرا انداخت، پس از داخل آن یک ماری بیرون شد، پس رسول اکرم (ﷺ) فرمودند: کسیکه ایمان به الله (ﷻ) و به روز آخرت داشته باشد پس نپوشد بوت های خود را تا که آنها را تکان نداده باشد".

۱- صحیح البخاری: ج ۱- ص ۱۷۴.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ - ص ۱۱۹۵. شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است.

۳- الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر ج ۶ - ص ۲۷۴. هیثمی رحمه الله میگوید در روایت ابن حدیث هاشم بن عمرو است و آنرا نمیشناسم، مگر اینکه ابن حبان در ثقات ذکر کرده است ان شاء الله راوی های آن ثقة اند.

راست شروع کردن سنت بزرگی است در زندگی مسلمان قابل تطبیق میباشد، چنانچه از عایشه مادر مؤمنین - رضی الله عنها روایت است: عن عائشة - رضی الله عنها - قالت: « كان النبي (ﷺ) يعجبه التيمن في تنعله وترجله وطهوره وفي شأنه كله »^(۱). " عایشه - رضی الله عنها - میفرماید: نبی اکرم (ﷺ) در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضوء گرفتن و همه کار هایش، شروع کردن از سمت راست را میپسندید."

و نیز ابوهریره - رضی الله عنه - نقل میکند: «ان رسول الله (ﷺ) قال: « إذا انتعل احدكم فليبدأ باليمين ، و إذا انزع فليبدأ بالشمال ، ليكن اليمنى اولهما تنعل و آخرهما تنزع »^(۲). " رسول الله (ﷺ) فرمود: هرگاه یکی از شما خواست کفش بپوشد، از سمت راست شروع کند. و هرگاه خواست بیرون بیاورد، از سمت چپ آغاز نماید. پای راست باید در پوشیدن، اول، و در بیرون آوردن، آخر باشد."

گشتن به یک کفش مکروه است و همچنان دو کفش متفاوت (دو رنگه) باشد نیز مکروه است. نظر به روایت ابو هریره (رضی الله عنه) که ذیلا تذکر داده میشود: عن ابی هریره - رضی الله عنه - قال: « اشهد لسمعت رسول الله (ﷺ) قال: « اذا انقطع شسع احدكم فلا يمش في الاخرى حتى يصلحها »^(۳). " ابو هریره (رضی الله عنه) میگوید: شهادت میدهم بر اینکه از رسول الله (ﷺ) شنیدم فرمودند: وقتیکه قطع شد کفش یکی از شما با دیگری نگردد تا قطع شده را درست نسازد". همچنان از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت دیگری قرار ذیل وارد است: « ان رسول الله (ﷺ) قال: « لا يمشى احدكم في نعل واحدة ليحفظها جميعا او لينعلها جميعا »^(۴). " بی شک رسول اکرم (ﷺ) فرمودند: راه نگردد یکی از شما به یک کفش که پای دیگریش پا پوش نداشته باشد، یا هر دو را بکشد و یا هم هر دو را بپوشد."

غذا خوردن آداب و شرایط خاص خود را دارد، بهتر است که انسان مسلمان آن آداب را در روشنی پیامبر ﷺ درست فهمده و آنرا در زندگی عملی نماید، در احادیث زیاد غذا خوردن همراه با کفش (بدون ضرورت) منع شده است، عن انس - رضی الله عنه - ان رسول الله (ﷺ) قال: « اذا قرب الى احدكم طعامه و في رجله نعلان فليزرع نعليه ؛ فانه اروح للقدمين »^(۵).

۱- صحیح البخاری: ج ۷ ص ۱۶۴.

۲- همان: ج ۷ ص ۱۵۴.

۳- صحیح مسلم: ج ۱۴ - ص ۲۶۳.

۴- صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۵۴.

۵- مجمع الزوائد: ج ۵ - ص ۲۳. مسند ابی یعلی الموصولی: ج ۷ - ص ۱۹۹.

" انس بن مالک - رضی الله عنه - میگوید : وقتی که نزدیک کرده شد به یکی از شما طعام آن و در پای آن کفش هایش است پس باید آنرا بکشد ، بی شک این کار سبب راحتی قدمهای آن میگردد".

عن أنس بن مالك - رضی الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « إذا الطعام فاخلعوا نعالكم فإنه أرواح لأقدامكم »^(۱). انس بن مالک - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : « وقتی که طعام خوردید ، پس موزه های خود را بکشید که برای قدمها های تان راحت تر است" .

عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «إذا أكلتم فاخلعوا نعالكم فإنه أرواح لأبدانكم»^(۲). انس ابن مالک - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : در وقت طعام خوردن موزه های خود را بکشید ، پس بی شک این کار بدن های تان را راحت میسازد" .

عن ابی امامة الباهلی (رضی الله عنه) قال : ان رسول الله (ﷺ) قال: « إذا قرب إلى أحدكم طعامه وفي رجليه نعلان فلينزع نعليه فإنه أرواح للقدمين و هو من السنة »^(۳). ابی امامة (رضی الله عنه) میگوید : وقتی که نزدیک کرده شد به یکی از شما طعام آن و در پای آن کفش هایش است پس باید آنرا بکشد ، بی شک این کار سبب راحتی قدمهای آن میگردد" .

کشیدن کفش در وقت صرف طعام و همچنان در وقت صحبت با دوستان و گذاشتن آن به عقب سنت است، که با داشتن کفش شخص نباید اهل مجلس را اذیت برساند . از این جا توجه اسلام برای شخص در همه جوانب زندگی اش واضح میگردد که هم بعد صبحی آنرا مورد توجه قرار داده و هم بعد اجتماعی آنرا دقت کرده است که نه خود شخص به تکلیف باشد و نه برای دیگران آسیب و ضرر برساند .

۱- طبرانی سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر ، أبو القاسم (۱۹۹۰)، معجم الأوسط، دار الحرمین، القاهرة ، چاپ اول ، تحقیق : طارق بن عوض الله بن محمد أبو معاذ -، و عبد المحسن بن ابراهیم الحسینی ، ج ۳ - ص ۲۹۳ . شیخ البانی ضعیف جدا خوانده است .

۲- دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام، أبو محمد ، [(۱۴۱۲ هـ) ، سنن الدارمی ، دار المغنی للنشر والتوزیع، المملكة العربية السعودية، چاپ اول ، تحقیق : ابو سلیم حسین أسد سلیم، درانی. ج ۲ - ص ۱۳۲۰ . این حدیث در مستدرک حاکم نقل شده است و آنرا صحیح خوانده است . امام ذهبی این حدیث را موضوع گفته است . فرموده است که احسبه موضوعا . المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ - ص ۱۳۲ .

۳- مناوی، زین الدین ، محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين ، (۱۴۲۸ هـ) ، التيسير بشرح جامع الصغير ، دار الكتب المصرية . قاهره ، طبع اول. ج ۱ - ص ۱۲۱ .

عن أبي هريرة (رضى الله عنه) قال: « لعن رسول الله (ﷺ) الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل »^(۱). " ابو هريرة (رضى الله عنه) ميگوید: رسول اکرم (ﷺ) مردی که لباس زن را میپوشد و زنیکه لباس مرد را میپوشد نفرین نموده اند."

«إن امرأة تلبس النعل، لعن رسول الله (ﷺ) الرجل من النساء»^(۲). " ابن ابی ملیکه میگوید: برای عایشه - رضی الله عنها - گفته شد که خانمی کفش مرد میپوشد، پس عایشه - رضی الله عنها - فرمود: لعنت کرد رسول اکرم - ﷺ - زنایکه خود را شبیه مردان میسازند".

برای مردان جایز نیست که خود را در لباس و زینت و هیأت و شکل مشابه زنان بسازد و همچنان همچنان برای زنان جایز نیست که خود را مشابه مردان بسازد و همچنان در رفتار و کردار خود را شبیه به یکدیگر بسازد، اما باعتبار خلقت باشد باکی ندارد، یعنی رسول اکرم - ﷺ - زنایکه خود را مشابه مردان میساختند در هیأت و شکل، اما در علم و نظر منفور نبوده و محمود است که زن هم مثل در پی آموختن بوده باشد پس باکی ندارد^(۳).

مبحث سوم: انواع لباس از لحاظ رنگ

مطلب اول: لباس سرخ

روایاتی که از رسول اکرم (ﷺ) نقل شده است با یکدیگر متعارض است، چون برخی از آن احادیث وارده دلالت بر پوشیدن رسول اکرم (ﷺ) لباسهای سرخ را دارد و برخی دیگری بر نپوشیدن شان دارد.

بنابراین روایات و دیدگاه های دانشمندان و محدثین را پیرامون آن بیان مینمائیم.

امام ابن قیم^(۴) - رحمه الله - می گوید: رسول اکرم (ﷺ) بعضی اوقات دو برده سبز میپوشیدند و بعضی اوقات برده سرخ رنگ میپوشیدند، بدین معنی نیست که در کل رنگ سرخ داشته باشد

^۱ - سنن ابی داود: ج ۴ - ۶۰. مسند احمد بن حنبل ج ۱۴ - ص ۶۱. شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است.

^۲ - همان: ج ۴ - ص ۶۰. شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است.

^۳ - عظیم آبادی، محمد اشرف بن امیر بن علی بن حیدر. (۱۳۲۷ هـ). عون المعبود شرح سنن ابی داود، دار الکتب المصریة. قاهره، چاپ اول، ج ۱۱ - ص ۱۰۵.

^۴ - محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد الزُّرْعِي الدمشقي، أبو عبد الله، شمس الدين، شاگرد خاص شیخ الإسلام ابن تیمیة است، و از تصنیفاتش اعلام الموقعین، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، شفاء العلیل فی مسائل القضاء والقدر والحكمة والتعلیل، كشف الغطاء عن حکم سماع الغناء، أحكام أهل الذمة، شرح الشروط العمریة، تحفة المودود بأحكام المولود، مفتاح دار السعادة، زاد المعاد، الصواعق المرسله علی التفسیر «و غیره میباشند، و محمد اویس الندوی مؤلفات ابن القیم را در کتاب، «نونیه ابن القیم» الجهمیة والمعطله، الکافیة الشافیة مشهور به جمع نموده است، و در سال (۶۹۱ هـ الموافق به ۱۲۹۲ هـ) و در سال (۷۵۱ هـ الموافق به ۱۳۵۰ م) وفات کرده است. الأعلام از خیر الدین زرکلی (ج ۵ - ص ۲۱۰).

قسمیکه بعضی از مردم فکر میکنند ، و آن تنها خطوط سرخ داشت و بس و لباس سرخ گفته شده بخاطر داشتن آن خطوط سرخ^(۱) .

شافعیه و مالکیه پوشیدن لباس سرخ را جایز میدانند^(۲) ، به دلیل روایت ابن عباس - رضی الله عنهما .

عن ابن عباس - رضی الله عنه - قال : « كان رسول الله (ﷺ) يلبس يوم العيد بردة حمراء »^(۳) . " رسول اکرم (ﷺ) در روز عید چادر سرخ میپوشیدند."

ابن جریر طبری^(۴) - رحمه الله - میگوید : نهی از پوشیدن لباس سرخ بذاته نبوده بلکه بخاطر شهرت ، مشابهت و امثال آن ، حالاتی است که با مروت مردان جایز نیست^(۵) .

عن جابر - رضی الله عنه - « أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يلبس بردة الأحمر في العیدین والجمعة »^(۶) . " از جابر بن عبدالله^(۷) - رضی الله عنه - روایت است که میگوید : بی شک رسول اکرم (ﷺ) " چادر سرخ خود را در دو عید و روز جمعه میپوشیدند" .

مطلب دوم : لباس سبز

به اتفاق دانشمندان پوشیدن لباس سبز نه تنها جایز بوده بلکه مستحب است ، چون لباس اهل جنت سبز است ، و همچنان رنگ سبز از مفیدترین و زیبا ترین رنگهای است که به نظر و دید انسان میخورد . چنانچه که امام شوکانی - رحمه الله - با استناد از حدیث ابی رمثه میگوید : عن ابی رمثة - رضی الله عنه - قال : « انطلقت مع أبي نحو النبي - صلى الله عليه وسلم - : « فرأيت

۱- زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱ ص ۵۱ .

۲- المجموع شرح المذهب، ج ۴ ص ۳۴۰ .

۳- مجمع الزوائد ، ج ۲ ص ۲۱۴ ، امام طبرانی این حدیث را در معجم الاوسط نقل کرده و هیثمی - رحمه الله - فرموده است که رجال حدیث و راویان آن ثقات هستند .

۴- أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن غالب، امام مفسرین است ، و در (۲۲۴ هـ ق موافق به ۸۳۹ م) در طبرستان تولد شده است، و از تصنیفاتش جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، و مشهور به تفسیر طبری است، و اول تفسیر کامل است که نوشته شده است ، که لقب أبو التفسیر گرفته است، و تاریخ الأمم والملوک، که او تاریخ نام را بخود کسب نموده است ، و تهذیب الآثار و غیره، و در سال (۳۱۰ هـ ق موافق به ۹۲۳ م) در بغداد وفات نموده است . (سیر أعلام النبلاء از ذهبی ج ۱۴ - ص ۲۶۷) .

۵- جامع البیان عن تأویل آی القرآن امام طبری ج ۱۰ ص ۳۰۵ .

۶- بیهقی ، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى، أبو بكر، [ت۴۵۸هـ]، (۱۴۲۴ هـ) ، سنن الكبرى للبيهقي دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، چاپ سوم، تحقیق : محمد عبد القادر عطا ، ۳ - ص ۲۸۰

۷- جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام بن ثعلبة بن كعب بن غنم ابن كعب بن سلمة بن سعد بن علي بن أسد بن ساردة بن يزيد بن جشم بن الخزرج ، انصاری، خزرجی، سلمی، أبو عبد الله ، و یا أبو عبد الرحمن ، و یا أبو محمد مدنی ، صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم است، و جابر بن عبد الله به عقبه در مکه و تمام غزوات بجز از بدر واحد حاضر شده بودند، و وبعد از سال (۷۰ هـ) در مدینه منوره وفات شدند . امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۴/ص ۴۰۵) ، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۱/ص ۶۵) ، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۱/ص ۳۷۷) ، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج ۱/ص ۴۳۴) .

علیه بر دین **أخضرین**»^(۱). "ابی رمله - رضی الله میگوید: رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که دو چادر سبز رنگی پوشیده بودند".

در روایت مسند احمد - رحمه الله - وارد است که ابی رمله میگوید: «**وعلیه ثوبان أخضران**»^(۲). "رسول اکرم (ﷺ) را به زیارت شان آمدم که دو لباس سبز پوشیده بودند". یعنی به رنگ سبز بود که اکثر لباس اهل جنت قسمیکه در اخبار وارد لباس سبز میباشد.

عن عكرمة - رحمه الله - : «**أن رفاعة طلق امرأته، فتزوجها عبد الرحمن بن الزبير القرظي، قالت عائشة: وعليها خمار أخضر، فشكت إليها وأرتها خضرة بجلدها، فلما جاء رسول الله - صلى الله عليه وسلم - والنساء ينصر بعضهن بعضا، قالت عائشة: ما رأيت مثل ما يلقي المؤمنات؟ المؤمنات؟ لجلدها أشد خضرة من ثوبها**»^(۳). "عكرمة^(۴) - رحمه الله - میگوید: رفاعة زن خود را طلاق داد، و عبد الرحمن بن زبير قرظی با وای ازدواج کرد، عایشه - رضی الله عنها - گفت: آن زن که چادر سبز رنگ داشت به شکایت نزد وای آمد و کبودی پوست خود را (که در اثر زدن شوهرش) نمودار بود به وای نشان داد، انگاه که رسول الله (ﷺ) آمد عایشه رضی الله عنها گفت: من هیچ یک از زنان مسلمان را به چنین حالتی ندیدم که پوست او از جامه اش سبزتر باشد.

وَعَنْ يُعْلَى بْنِ أُمَيَّةَ قَالَ: «**طَافَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُضْطَبِعًا بِبُرْدٍ أَخْضَرَ**»^(۵). "از یعلی بن امیه رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را دیدم که با پارچه ای سبز و بصورت اضطباء (یعنی قرار دادن وسط احرام زیر بغل راست، و قرار دادن دو طرف آن بر دوش چپ، طوری که شانه راست برهنه باشد.) طواف می کرد".

آحادیث متذکره دلیل بر این است که ، لباس به رنگ سبز جایز است که الله - عزوجل - در وصف لباسهای اهل جنت فرموده است: { **عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ** }^(۶). "بر اندام آنها (بهشتیان) لباسهایی است از حریر سبزرنگ.

با توجه به احادیث که نقل و استدلال کردیم پوشیدن لباس سبز رنگ جایز است، هیچگونه اشکال و ممناعت در آن وجود ندارد.

۱- همان: ج ۴ - ص ۱۲۹. شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است.

۲- مسند احمد بن حنبل ج ۱۱- ص ۶۸۰. شعیب ارنووط میگوید: صحیح است به شرط مسلم.

۳- صحیح البخاری ج ۷ - ص ۱۴۸.

۴- عكرمة بن عبد الله البربري المدني، أبو عبد الله، مولى عبد الله بن عباس: تابعی، داناترین شخص در تفسیر بود، ۳۰۰ نفر از آن نقل کرده است، بیش تر از ۷۰ نفر تابعی بود که از فیوضات علم آن مستفید گشتند. الاعلام ج ۴- ص ۲۴۴.

۵- سنن ابی داود: ج - ۲ ص ۱۷۷ امام البانی حدیث را حسن گفته است

۶- سوره انسان. آیت: ۲۱.

مطلب سوم : لباس زرد

تمام دانشمندان و علمای اسلام اتفاق کردند بر جواز لباس به رنگ زرد که رنگ خود لباس زرد باشد و به رنگ زعفران رنگ آمیزی نشده باشد ، جایز است بر اساس روایت ابن عمر - رضی الله عنهما - که در ذیل آنرا تذکر میدهیم :

عن عبدالله ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : « إني رأيت رسول الله (ﷺ) يصبغ بها ، فأنا أحب أن أصبغ بها »^(۱). "عبدالله ابن عمر - رضی الله عنه - میگوید : من دیدم رسول اکرم (ﷺ) را که به رنگ زرد رنگ میکردند و من هم دوست دارم که به آن رنگ نمایم .

عن عبید بن جریج ، أنه ، قال لعبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - : « يا أبا عبد الرحمن ، و رأيتك تصبغ بالصفرة ؟ قال : رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يصبغ بها ، فأنا أحب أن أصبغ بها »^(۲). "عبید بن جریج - رحمه الله - میگوید : برای عبدالله ابن عمر - رضی الله عنهما - گفتم : ای ابو عبدالرحمن ، دیدم ترا که به رنگ زرد رنگ مینمائی ؟ پس فرمود : رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که به آن رنگ مینمودند و من هم دوست دارم که به آن رنگ نمایم"

عن زيد ابن أسلم « أن ابن عمر ، كان يصبغ لحيته بالصفرة حتى تمتلئ ثيابه من الصفرة فقليل له لم تصبغ بالصفرة ؟ فقال : إني رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يصبغ بها ، ولم يكن شيء أحب إليه منها ، وقد كان يصبغ ثيابه كلها حتى عمامته »^(۳). "زيد ابن اسلم^(۴) میگوید : ابن عمر - رضی الله عنهما - ریش خود را به رنگ زرد رنگ مینمود ، تا که کالای آن به رنگ مذکور رنگین میشد ، شخصی گفت : چرا به رنگ زرد رنگ مینمائی ، پس فرمود : بی شک من رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که به آن رنگ مینمودند ، و هیچ چیزی محبوب تر از آن در نزد رسول الله (ﷺ) نبود که حتی لباس و عمامه خود را پوره به آن رنگ میکردند" .

عَنْ أُمِّ خَالِدِ بْنِتِ خَالِدِ بْنِ سَعِيدٍ - رضي الله عنه - قَالَتْ: « أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - مَعَ أَبِي وَعَلَيَّ قَمِيصًا أَصْفَرًا ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - : «سِنَّةُ سَنَةٍ» وَهِيَ

۱- صحیح بخاری مع فتح الباری ج ۱۰- ص ۳۰۸

۲- صحیح البخاری ج ۱- ص ۴۵

۳- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۵۲ . شیخ البانی حکم بر صحت اسناد حدیث نموده است .

۴- امام مزی در تهذیب الکمال (ج ۱۰/ص ۱۲) گفته : (خ م د ت س ق) : زید بن أسلم القرشی ، العدوی ، أبو أسامة ، و یا أبو عبد الله ، مدنی ، فقیه ، مولی عمر بن الخطاب است ، و امام مالک گفته : حلقه درس در مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم داشت ، و عبد الله بن أحمد بن حنبل از پدر خود ، و أبو زرعة ، و أبو حاتم ، و محمد بن سعد ، و النسائی ، و ابن خراش گفتند : ثقه است ، و یعقوب بن شیبیه گفته : ثقه از أهل فقه و علم است ، و عالم به تفسیر القرآن بود ، و برایش یک کتاب بود که در او تفسیر القرآن بود ، و امام ابن حجر در تهذیب التهذیب (ج ۳ / ص ۳۹۶) گفته : ابن سعد گفته : او کثیر الحدیث بود ، و ابن حبان در " الثقات " ذکر کرده است ، و رتبه اش به نزد ابن حجر : ثقه و عالم ، و ارسال میکرد ، و به نزد امام ذهبی : فقیه است ، و از طبقه ۳ : از وسطی از التابعین است ، و در سال (۱۳۶ هـ ق - ۷۵۳ م - ۱۳۲ هـ ش) وفات شده است .

بِالْحَبَشِيَّةِ حَسَنَةً. قَالَتْ: فَدَهَبْتُ أَلْعَبُ بِخَاتَمِ النَّبُوءَةِ، فَرَبَّرَنِي أَبِي، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «دَعَهَا». ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «أَبْلِي وَأَخْلَفِي ثُمَّ أَبْلِي وَأَخْلَفِي»^(۱). ام خالد دختر خالد بن سعید - رضی الله عنه - می گوید: من که جامه ای زرد رنگ به تن داشتم، همراه پدرم، نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - رفتم. رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - گفت: «سَنَّهُ سَنَّهُ» و این کلمه به زبان حبشی یعنی زیباست، زیباست. ام خالد می گوید: آنگاه، رفتم و سرگرم بازی با مُهر نبوت شدم. پدرم با عصبانیت مرا از آن بازداشت. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «او را بگذار». سپس، فرمود: «چندین جامه مانند این را بپوشی و کهنه کنی، چندین جامه مانند این را بپوشی و کهنه کنی، چندین جامه مانند این را بپوشی و کهنه کنی».

عن ابن عمر - رضی الله عنه - « أن النبي - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كان يلبس النعال السبتية، ويصفر لحيته بالورس، والزعفران»^(۲). " ابن عمر - رضی الله عنه - میگوید: بی شک رسول اکرم (ﷺ) چپلق های سبّتی را میپوشیدند، و ریش خود را به رنگ زرد و زعفران رنگین مینمود".
مطلب چهارم: لباس سفید

لباس سفید یگانه لباسی است که رسول اکرم (ﷺ) آنرا خوش داشتند، تمام علما اتفاق دارند بر اینکه پوشیدن لباس سفید و کفن کردن مرده ها به آن سنت است، نظر به حدیث سمره بن جندب - رضی الله عنه - .

عن سمرة بن جندب - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله (ﷺ) «البسوا ثياب البياض فانها اطهر و اطيب و كفنوا فيها موتاكم»^(۳). " سمرة (۴) - رضی الله عنه - میگوید: رسول اکرم (ﷺ) فرمودند: همیشه لباس سفید را بر گزینید، زندگان تان بپوشد آنرا و مردگان تانرا به آن کفن بکنید پس بی شک از بهترین لباسهای شما سفید آن است .

۱ - صحیح بخاری: ج ۴ - ص ۷۴

۲ - سنن ابی داود: ج ۴ - ص ۸۶ . شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۳ - سنن ابن ماجه (۲ / ۱۱۸۱) شیخ البانی در صحیح وضعیف ابن ماجه (۴ / ۶۲) حکم بر صحت حدیث نموده است .

۴ - سَمْرَةُ بن جندب بن هلال الفزاري: صحابی است و در مدینه منوره نشأت کرده است، و در بصره فوت کرده است. تهذیب التهذیب

۴ - ص ۲۳۶ .

امام شوکانی^(۱) - رحمه الله - میگوید : خوب بودن آن واضح است و پاک بودن آن بخاطری است که ادنی ترین چرکی که در روی آن میافتد معلوم میگردد ، اگر چتلی باشد شسته میشود و میگردد بنابراین بهترین لباس ها لباس سفید است^(۲) .

عن ابن عباس - رضی الله عنهما - قال : قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : « البسوا ثيابکم البیاض، فإنها من خیر ثیابکم، وکفنوا فیها موتاکم »^(۳) . " ابن عباس - رضی الله عنهما - میگوید : رسول اکرم (ﷺ) فرمودند : « از لباس های تان سفید آنرا بپوشید ، پس بی شک بهترین لباس تان سفید آن است ، و مردگان بدان کفن بکنید "

عن سعد ابن ابی وقاص - رضی الله عنه - قال : « رأیت بشمال النبی (ﷺ) و یمینه رجلین علیهما ثیاب بیض یوم احد ما رایتهما قبل و لا بعد »^(۴) . " سعد ابن ابی وقاص^(۵) - رضی الله عنه - میگوید : « در روز غزوه احد در طرف راست و چپ رسول اکرم (ﷺ) دو شخص (جبرئیل و میکائیل - علیهما السلام - بود) را دیدم که لباس های سفید داشتند که هر گز قبل از آن و بعد از آن چنین کسانی را ندیده بودم " .

عن عائشة - رضي الله عنها - : « أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - کفن في ثلاثة أثواب یمانية بیض، سحولية من کرسف لیس فیهن قمیص ولا عمامة »^(۶) .

۱ - محمد بن علي بن محمد بن عبد الله، شوکانی، یمنی، فقیه و مجتهد از کبار علماء یمن میباشد، و در سال (۱۱۷۳ هـ ق - ۱۷۵۹ م - ۱۱۳۸ هـ ش) تولد شده و در سال (۱۲۵۰ هـ ق - ۱۸۳۴ م - ۱۲۱۳ هـ ش) وفات شده است، و از تصنیفاتش کتاب نیل الأوطار، وفتح القدير ، و إرشاد الثقات إلى اتفاق الشرائع على التوحيد والمعاد والنبوات، و التحف في مذاهب السلف، و الصوارم الحداد الفاطمة لعلائق أرباب الاتحاد، و شرح الصدور بتحريم رفع القبور وغيره میباشد، (الأعلام از خير الدين زركلي (ج ۱/ ۱۴ ص ۲۶۷).

۲- نیل الاوطار، ج ۲ ص ۱۱۶ .

۳- سنن ترمذی : ج ۲- ص ۳۱۱ . شيخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۴- صحیح البخاری ج ۷ - ص ۱۴۹ .

۵ - سعد بن أبي وقاص و اسمش مالك بن أهيب - و يا وهيب - بن عبد مناف بن زهرة بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب ، قرشي ، أبو إسحاق زهري است، یکی از عشره مبشره میباشد، مسلمان قدیم میباشد ، و هجرت به مدینه پیش از رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده است، و غزوه بدر و تمام غزوات همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر شدند ، و برایش فارس الإسلام گفته شود، و أول کسی است که تیر را در راه الله تبارک و تعالی پرداخته است، و در سال (۵۵ هـ ق - ۶۷۴ م - ۵۳ هـ ش) در وادي عقیق در مدینه منوره وفات شدند، و امام ابن حجر گفته : او شخص هفتم در اسلام است، و او یکی از اهل شوری است که عمر رضي الله تعین نمودند ، و گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات میشود و از انها راضي بودند . امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۲/ ص ۳۴)، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۱/ ص ۱۸۲)، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۲/ ص ۲۰۸)، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج ۱/ ص ۴۹۷)

۶- صحیح البخاری : ج ۲ - ص ۷۵ .

" عایشه (۱) - رضي الله عنها - میفرماید: رسول الله (ﷺ) در سه قطعه پارچه یمنی سفید، سحولي (نام روستایی) که از جنس پنبه بود کفن گردید ، که در آنها پیراهن و عمامه وجود نداشت ".
 عن عائشة - رضي الله عنه - قالت : « كفن النبي - صلى الله عليه وسلم - في ثلاثة أثواب سحولية بيض » (۲) . عایشه - رضي الله عنها - فرموده است : رسول الله (ﷺ) در سه قطعه پارچه کتانی یمنی سفید کفن گردید .

عن ابن عمر - رضي الله عنهما - قال : « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : رأى على عمر قميصا أبيض فقال: « ثوبك هذا غسيل أم جديد ؟ » قال : لا، بل غسيل. قال: « البس جدیدا، وعش حميدا، ومت شهيدا » (۳) . " ابن عمر - رضي الله عنهما - میگوید : بی شک رسول الله (ﷺ) بالای عمر لباس سفیدی را دیدند ، فرمودند : کالایت شسته شده است یا جدید ؟ فرمود : خیر شسته شده است ، فرمودند : « البس جدیدا، وعش حميدا، ومت شهيدا » . لباس جدید بپوشی ، زندگی ستوده شده داشته باشی و شهید بمیری .

قال عمر ابن الخطاب - رضي الله عنه - : « انى لأحب أن أنظر إلى القارئ ابيض الثياب » (۴) . " عمر ابن الخطاب - رضي الله عنه - میگوید : « من دوست دارم که قاری را ببینم که لباس سفید بر تن داشته باشد " .

عَنْ أَبِي ذَرٍّ - رضي الله عنه - قَالَ: « أَتَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ أَبْيَضٌ، وَهُوَ نَائِمٌ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ وَقَدْ اسْتَيْقَظَ، فَقَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ، إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ. الْجَنَّةَ. قُلْتُ: وَإِنْ رَزِي، وَإِنْ سَرَقَ؟ قَالَ: «وَإِنْ رَزِي، وَإِنْ سَرَقَ». قُلْتُ: وَإِنْ رَزِي، وَإِنْ سَرَقَ؟ قَالَ: «وَإِنْ رَزِي، وَإِنْ سَرَقَ». قُلْتُ: وَإِنْ رَزِي، وَإِنْ سَرَقَ، عَلَى رَعْمٍ أَنْفِ أَبِي ذَرٍّ». وَكَانَ أَبُو ذَرٍّ إِذَا حَدَّثَ بِهَذَا، قَالَ: وَإِنْ رَعِمَ أَنْفَ أَبِي ذَرٍّ» (۵)

۱- عائشة بنت أبي بكر الصديق عبد الله بن عثمان، قریشی است : فقیه ترین زن مسلمان است ، و داناترین شان در دین و ادب بوده و کنیه اش ام عبدالله میباشد . پیامبر اکرم - صلى الله عليه وسلم - سال دوم هجری با آن ازدواج کردند که محبوبترین ازواج مطهرات در نزد رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - بود و احادیث زیادی از رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - نموده است . و بزرگان صحابه مسایل را از آن سوال میکردند . و کسیکه بود که خواست انتقام عثمان را بگیرد . و در مدینه منوره فوت نموده و ۲۲۱۰ حدیث از رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - نقل کرده است .

۲- سنن النسائي ، ج ۴ - ص ۳۵ . شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۳- سنن ابن ماجه ج ۲ - ص ۱۱۷۸ . شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۴- مؤطا امام مالک ج ۲ - ص ۹۱۱ .

۵- صحیح البخاري (ج ۵- ص ۱۹۳)

" ابوذر (۱) - رضي الله عنه - مي گوید: نزد نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - رفتم و دیدم که پارچه اي سفید بر او کشیده شده و خوابیده است. بار دوم که نزد ایشان رفتم، بیدار شده بود. پس فرمود: «هر بنده اي که لا اله الا الله بگوید و بر آن بمیرد، وارد بهشت مي شود». پرسیدم: اگر مرتکب زنا و سرقت شود؟ فرمود: «اگر چه مرتکب زنا و سرقت شود». دوباره پرسیدم: اگر مرتکب زنا و سرقت شود؟ فرمود: «اگر چه مرتکب زنا و سرقت شود». باز هم پرسیدم: اگر مرتکب زنا و سرقت شود؟ فرمود: «علي رغم خواست ابوذر، اگر چه زنا و دزدی کند». راوي گوید: هرگاه ابوذر - رضي الله عنه - این حدیث را بیان مي کرد، مي گفت: علي رغم خواست ابوذر".

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى عَلَى عُمَرَ فَمِصًّا أَبْيَضَ، فَقَالَ: «جَدِيدٌ أَوْ غَسِيلٌ؟»، قَالَ: حَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ: غَسِيلٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْبَسْ جَدِيدًا، وَعِشْ حَمِيدًا، وَمُتْ شَهِيدًا» (۲) " از عبدالله ابن عمر (رضی الله عنهما) روایت است که رسول الله (ﷺ) بر تن حضرت عمر لباس سفیدی را دید، رسول الله (ﷺ) فرمود لباس ات جدید است یا اینکه شسته ای، ابن عمر (رضی الله عنه) میگوید: گمان میکنم که گفت شسته شده است. رسول الله فرمود: لباس نو بپوش، زیبا زندگی کن و فوت کن در حال که شهید شوی".

بنابراین از احادیث و اثر فوق فوق دانسته میشود که لباس سفید بهترین لباسی است که انسان در حیاتش میپوشد و همچنان بعد از مرگش به آن کفن میگردد .

مطلب پنجم : لباس سیاه

علما میگویند پوشیدن لباس سیاه جایز است و کراهتی ندارد ، چنانچه جابر - رضي الله عنه - نقل میکند : « رایت رسول الله (ﷺ) دخل يوم فتح مكة و عليه عمامة سوداء» (۳). " جابر - رضي الله عنه - میگوید : دیدم رسول اکرم (ﷺ) را در سال فتح مکه و در روز فتح که عمامه سیاه بسر داشتند".

۱- جُنْدَب بن جُنَادَة بن سَفِيَان بن عُبَيْد، من بني غفارة، از كنانة بن خزيمه، أبو ذر: از كبار صحابی است ، سابق اسلام آورده و چهارم و یا پنجم نفر بوده که اسلام آورده و بعد از وفات رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - و ابو بكر و عمر - رضي الله عنهما - مدینه را ترك گفته به یکی از بادیه های شام که ربهه است و در آنجا مسکن گزین شد تا که فوت نمود ، بخاری و مسلم ۲۸۱ حدیث از آن جناب نقل کرده است . الاعلام از خير الدين زركلى ج ۲ - ص ۱۴۰

۲ - مسند ابی یعلی الموصلى، ج ۱۰ - ص ۱۶۰ ، محقق : حسين بن سليم حدیث را حسن خوانده است.

۳- سنن ابی داود. ج- ۴ ص - ۹۵. شيخ البانی رحمه الله حکم بر صحت حدیث نموده است.

عن عمرو بن حريث - رضی الله عنه - قال: « رأيت النبي - صلى الله عليه وسلم - على المنبر وعليه عمامة سوداء، قد أرخى طرفها بين كتفيه »^(١). "عمرو بن حريث^(٢) - رضی الله عنه - میگوید: رسول اکرم (ﷺ) را دیدم که بالای منبر بودن و عمامه سیاه به سر نموده بودند، و یکطرف آنرا میان شانه های شان گردانیده بودند.

چون رسول اکرم (ﷺ) از عمامه سیاه استفاده کردند، بنابراین جایز است که از لباس سیاه استفاده استفاده نمود. پس حدیث دلیل است بر مشروعیت پوشیدن لباس سیاه^(٣).

عن عبد الله بن زيد - رضی الله عنه - قال: « استسقى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وعليه خميصة سوداء »^(٤). "عبدالله بن زيد^(٥) - رضی الله عنه - میگوید: « رسول اکرم (ﷺ) طلب باران میکردند (نماز استسقاء میخواندند) و پیراهن سیاه پوشیده بودند.

عن عائشة - رضي الله عنها - قالت: « صنعت لرسول الله - صلى الله عليه وسلم - بردة سوداء، فلبسها »^(٦). "عائشه - رضی الله عنها - میگوید: « برای رسول الله (ﷺ) یک پتو جور کردم پس آنرا پوشیدند ".

^١ سنن ابی داود: ج ٤ - ص ٥٤. شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است.

^٢ عمرو بن حريث بن عمرو بن عثمان المخزومي القرشي، أبو سعيد: والی کوفه بود و در آن جا فوت نموده است و ١٨ حدیث نقل کرده است. (الاعلام للزرکلی ج ٥ - ص ٧٦).

^٣ عون المعبود شرح سنن ابی داود، ج ١١ - ص ٨٦

^٤ المستدرک علی الصحیحین ج ١ - ص ٤٧٥. فرموده این حدیث صحیح است به شرط مسلم.

^٥ عبد الله بن زيد بن عاصم بن كعب النجاري الأنصاري: از صحابه و اهل مدینه است شخص شجاع و دلیری بود و در غزوه بدر اشتراک داشته، و مسیلمه کذاب را به قتل رسانیده است، و از رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - ٤٨ حدیث روایت کرده است. (سير اعلام النبلاء از امام ذهبی ج ١٠ - ص ٥).

^٦ سنن ابی داود ج ٤ - ص ٥٤. شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است.

فصل سوم

شروط ، احکام و آداب لباس

تمهید

دین مقدس اسلام شیوه های مختلفی را در راستای تربیت، هدایت، رهنمائی، منحل نشدن رابطه شرم ، حیاء و دینی و ایمانی، از بین بردن آنچه که باعث تضعیف دین ، نظم اجتماع ، قوت ایمان ، بروز فتنه ها و مروت میشود و برای استحکام بخشیدن دستورات شریعت اسلامی ، بقای بندگی ، هیبت ایمانی ، جلوگیری از فتنه ها و مفسد اخلاقی ، اهلش را بدان مکلف دانسته است، چون هدف دین مقدس اسلام بهره مندی از مزایای دین ، دنیا و نیل به سعادت اخروی است ، زیرا که میداند نیل به سعادت اخروی جزء از طریق معارف اسلامی و الهی و تطبیق دستورات ناب آن ممکن نیست ، که جمله آنها بر میگردد به توحید الهی ، پس اساس اجتماع را دین توحیدی قرار داده است و بر اساس این دین توحیدی است که قوانین گوناگون ساخته بشری جعل کرده اند ، نخست ضمان اجرای این دستورات را بدست امرای اسلامی سپرده و سپس بر عهده جامعه اسلامی قرار داده است که از جمله آن شروط و احکام لباس ، و آداب آن میباشد ، پس پوشیدن لباس از دیدگاه شریعت اسلامی ، بر وفق اصولی میباشد که دین مقدس اسلام آنرا در نظر گرفته است ، بنابراین اهل اسلام شدیداً بر رعایت آن مکلف میباشند که درین فصل در ذیل مباحث پیرامون آن صحبت به عمل خواهد آمد.

مبحث اول : شروط لباس

مطلب اول : لباس حرام نباشد

۱- پوشیدن حریر : حریر (ابریشم) مستخرج از قز (ابریشم خام) که پس از تنقیه و پاکسازی و خروج کرم آن ساخته شده و مورد استفاده قرار میگیرد (۱).

پوشیدن حریر بر مرد حرام است ، و لو که در میان آن و بدنش حایلی باشد ، زیرا که روایات بی شماری بر تحریم آن از رسول الله - ﷺ - نقل است که موارد ار آن قرار ذیل است:

علی ابن ابی طالب - رضی الله عنه - میگوید : « اخذ رسول الله - ﷺ - حریرا بشماله و ذهباً بيمينه ، ثم رفع بهما یدیه فقال : ان هذین حرام علی ذکور امتی ، حل لائناهم » (۲). "رسول اکرم - ﷺ - پارچه ابریشمی بدست چپ گرفتند و طلا را به دست راست ، و دستان خود را بلند کردند و فرمودند: این هر دو حرام است به ذکور امت من و حلال است بر زنهای شان" .

عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : قال رسول الله - ﷺ - « انما یلبس الحریر فی الدنیا من لا خلاق له فی الآخرة » (۳). " از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : پارچه ابریشمی را در دنیا کسی میپوشد که در آخرت سهمی نداشته باشد".

در هنگام ضرورت اشکالی ندارد که از ابریشم و طلا برای مردان استفاده شود ، بدلیل حدیث صحیح که از پیامبر (ﷺ) آمده است:

عن عبد الرحمن بن طرفة قال : « أن جده عرفجة بن أسعد قطع أنفه يوم الكلاب فاتخذ أنفا من ورق فأتتن عليه فأمره النبي - صلى الله عليه وسلم - فاتخذ أنفا من ذهب » (۴). " عرفجه بن اسعد روز جنگ « کلاب » بینیش قطع شد و یک بینی نقره ی بجای آن ساخت و لی این بینی نقره ی گنبدید و بو گرفت ، پس پیامبر - صلى الله عليه وسلم - او را امر فرمود که یک بینی طلائی را بجای آن بسازد".

عن حذيفة - رضی الله عنه - قال : سمعت النبي - صلى الله عليه وسلم - يقول : « لا تلبسوا الحریر ولا الدیباچ ، ولا تشربوا فی آنية الذهب والفضة ، ولا تأكلوا فی صحافها ، فإنها لهم فی الدنیا ولنا فی الآخرة » (۵).

۱- لغت نامه دهخدا . ج ۶ . ص ۲۱۴

۲- سنن ابن ماجه : ج ۲ - ص ۱۱۸۹ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۳- صحیح مسلم : ج ۳ - ص ۱۶۳۹ .

۴- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۹۲ . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

۵- صحیح البخاری : ج ۷ - ص ۷۷ .

" حذیفه - رضی الله عنه - میگوید : شنیدم که نبی اکرم - ﷺ - میفرمود: « لباس ابریشمی نپوشید و در ظرفها و کاسه های ساخته شده از طلا و نقره، غذا نخورید . زیرا این چیزها در دنیا، از آن کفار، و در آخرت، از آن ما خواهند بود" .

عن عثمان النهدي قال : « أتانا كتاب عمر، ونحن مع عتبة بن فرقد بأذربيجان : أن رسول صلى الله عليه وسلم - نهى عن الحرير إلا هكذا، وأشار بإصبعيه اللتين تليان الإبهام، قال: فيما علمنا أنه يعني الأعلام »^(۱). " از عثمان نهدي روایت است که گفت : نامه عمر به ما رسید و ما همراه عتبه بن فرقد در اذربیحان بودیم که : همانا رسول خدا (ﷺ) از پوشیدن لباس ابریشمی منع کرده است، مگر بهمین اندازه، سپس وی به دو انگشت (سبابه و اسطی) خود که متصل انگشت ابهام (شصت) است اشاره کرد، عمر رضی الله عنه گفت آنچه ما از آن دانسته ایم یعنی نشانه ها (حاشیه جامه) است.

عن ابن الزبير - رضی الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة »^(۲). " عبد الله ابن زبير^(۳) - رضی الله عنه - میگوید: رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : کسیکه لباس ابریشمی در دنیا بپوشد و آنرا در آخرت نمیپوشد".
عن حذيفة - رضي الله عنه - قال : « نهانا النبي - صلى الله عليه وسلم - أن نشرب في أنية الذهب والفضة، وأن نأكل فيها، وعن لبس الحرير والديباج، وأن نجلس عليه »^(۴). " حذیفه - رضی الله عنه - میگوید : پیامبر اکرم - ﷺ - از نوشیدن در ظروف طلائی و نقره ی و طعام خوردن در آن و از پوشیدن حریر و دیباج و نیز نشستن در روی آن منع فرمودند"
عن عمر ابن الخطاب - رضی الله عنه - قال : « فإن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نهى عن لبوس الحرير »^(۵). "عمر ابن الخطاب - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - از پوشیدن لباس های ابریشمی منع فرمودند" .

۱- همان : ج ۷ - ص ۱۴۹ .

۲- همان : ج ۷ - ص ۱۵۰ .

۳- عبد الله بن الزبير بن العوام القرشي الأسدي، أبو بكر: اولین کسیکه در مدینه منوره بعد از هجرت متولد شده است . در فتح افریقا در زمان عثمان - رضی الله عنه - اشتراک داشت . بعد از مرگ یزید ابن معاویه سنة ۶۴ هـ بر خلافت با او بعت صورت گرفت ، و اولین کسی بوده درهم دایروی ساخت و در یک طرف آن نوشته بود که محمد رسول الله و ۳۳ حدیث از رسول اکرم - رضی الله عنه وسلم - نقل کرده است . ابن الأثیر ۴: ۱۳۵ .

۴- صحیح البخاری : ج ۷ - ص ۱۵۰ .

۵- صحیح مسلم : ج ۳ - ص ۱۶۴۲ .

عن ابن عباس - رضی الله عنه - قال: إنما « نهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عن الثوب المصمت من الحریر »^(۱). " ابن عباس - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - از لباس جالی و میان خالی و از ابریشم منع کردند .

عن المقدم بن معديكرب - رضی الله عنه - قال: « نهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عن الحریر، والذهب »^(۲). " مقدم بن معديكرب^(۳) - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - از ابریشم و طلا منع کردند .

عن معاوية - رضی الله عنه - قال : « أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نهی عن لبس الحریر والذهب إلا مقطعا »^(۴). " معاوية^(۵) - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - از پوشیدن لباس ابریشمی و طلائی منع کردند ، مگر در صورتی که قطعه قطعه و اندک باشد .

عن عمران بن الحصین - رضی الله عنه - قال : « نهی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عن لبس الحریر، وعن التختم بالذهب »^(۶). " عمران بن حصین - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - از پوشیدن لباس ابریشمی و از انگشتری طلائی منع کردند .

عن أبي موسى - رضی الله عنه - أن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال : « إن الله - عز وجل - أحل لإناث أمتي الحریر والذهب، وحرمه علی ذکورها »^(۷).

۱- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۴۹ . شیخ البانی صحیح خوانده است .

۲- سنن نسائی : ج ۷ - ص ۱۷۶ . شیخ البانی صحیح خوانده است .

۳- مقدم بن معديكرب بن عمرو بن یزید بن معديكرب ، الكندي: صحابه است با هشتاد نفر وفد از كنده ، نزد رسول اکرم - ﷺ - آمدند . و در شام زندگی کرده و در شهر حمص فوت نموده است ، و در ۹۱ سالگی فوت کرده است ، چهل حدیث روایت کرده و امام بخاری - رحمه الله - یک حدیث نقل کرده است . أسد الغابة ۴ : ۴۱۱

۴- سنن نسائی ج ۸ - ص ۱۶۱ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۵- معاوية بن أبي سفيان (صخر) بن حرب بن أمية ، أبو عبد الرحمن ، و مادرش هند بنت عتبة است، و او و پدرش و مادرش از مسلمانان فتح مکه است، و عمر بن الخطاب به شام والی مقرر کرد، وبعدا عثمان بن عفان او را در جایش گذاشت ، و بیست سال خلافت بعد از شهادت علی رضی الله عنه کرده است ، و ابن إسحاق گفته : معاوية بیست سال امیر بود و بیست سال خلیفه بود ، و در سال (۶۰/۰۷/۲۴ هـ ق - ۶۸۰/۰۵/۰۳ م - ۵۹/۰۲/۱۳ هـ ش) در روز پنجشنبه در دمشق وفات شده است. امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۱۷/ص ۳۲۷) ، و امام ابن عبد البر در الاستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۱/ص ۴۴۴) ، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۳/ص ۲۶) ، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج ۳/ص ۱۰۲) .

۶- سنن نسائی : ج ۸ - ص ۱۷۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۷- سنن نسائی : ج ۸ - ص ۱۹۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

" ابو موسى اشعری^(۱) رضی الله عنه - میگوید : « بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بی شک الله (ﷻ) بر انانیت من ابریشم و طلا را جایز قرار داده و برای ذکور شان منع فرموده است".

عن انس ابن مالک - رضی الله عنه - قال : « أن النبي - صلى الله عليه وسلم - رخص لعبد الرحمن بن عوف، والزبير في قميص من حرير، من حكة (القمل) كانت بهما »^(۲). انس ابن مالک - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - برای عبد الرحمن بن عوف و زبیر - رضی الله عنه - در پوشیدن لباس ابریشمی اجازه دادند بر اساس تکلیفی (شپش - در بعضی تراجم گر و خارش گفته شده) که برایشان رسیده بود".

از روایات فوق دانسته میشود که لباسی که پوره ابریشم طبیعی بوده باشد پوشیدن آن جایز نمیباشد ، مگر به اندازه دو پنجه به شکل خطوط کار شده باشد مشکل ندارد و یا اینکه ضرورت و مشکلی داشته باشد قسمیکه پیامبر (ﷺ) برای عبدالرحمن بن عوف و زبیر (رضی الله عنهما ، اجازه داده بودند.

پس در شرایط امروزی از گیاهان و امثال آن که ابریشم مصنوعی میسازند باکی ندارد ، از خلال بحث های قبلی آموختیم که پوشیدن لباس حریر برای مردان بدون ضرورت جایز نبوده است ، اما لباسهای که به نام ابریشم از گیاهان و امثال آنها تهیه میگردد جایز است ، زیرا که در لباس ها اباحت است^(۳).

۲ - دیباج : اطلاق دیباج به جامه میشود که تار و پود آن از حریر باشد^(۴)

قسمیکه ابن منظور در کتاب خود لسان العرب به این معنی تذکر داده است : « **الديباج ضرب من الثياب سداه ولحمته من الإبريسم** »^(۵). " دیباج نوعی از لباس است که تار و پود از ابریشم بوده باشد . پس دیباج از جمله لباسهای ابریشمی است پیامبر گرامی - ﷺ - از استفاده و پوشیدن آن منع نمودند ، بنابراین تحریم آن از احادیث ذیل معلوم میگردد".

۱ - عبد الله بن قيس بن سليم بن حضار بن حرب بن عامر بن عتر بن بكر بن عامر بن عذر بن وائل بن ناجية بن جماهر بن الأشعر ، أبو موسى الأشعري ، به مکه مکرمه آمد، و بر نبی صلی الله علیه وسلم ایمان آوردند، سپس به حبشه هجرت نمود، و بعد از فتح خیبر بازگشتند، نبی علیه السلام فقط برای او سهم در مال غنیمت نمود، و در سال ۴۴ هـ و یا ۴۸ هـ و ۵۰ هـ وفات شده است. امام ابو نعیم در معرفة الصحابة (ج ۱/ ۳۴۲)، و امام ابن عبد البر در الإستیعاب في معرفة الأصحاب (ج ۱/ ص ۲۹۹)، و امام ابن الاثیر در اسد الغابة (ج ۳/ ص ۳۷۶) ، و امام ابن حجر در الاصابة في تميز الصحابة (ج ۴/ ص ۲۱۱).

۲- صحيح بخاري: ج ۴ - ص ۴۲ .

۳- فتاوى للجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء : ج ۲۴ - شماره ۳۸۱۰ . طبع اول .

۴- لغت نامه دهخدا ماده دیباج.

۵- لسان العرب: ماده ديج .

عن البراء - رضي الله عنه - قال « أمرنا النبي - ﷺ - بسبع و نهانا عن سبع أمرنا بعبادة المريض و اتباع الجنائز و تشميت العاطس و إجابة الداعي و رد السلام و نصر المظلوم و إبرار المقسم (القسم) و نهانا عن سبع عن خاتم الذهب أو قال حلقة الذهب و عن لبس الحرير و الديباج و الاستبرق »^(١).

" براء بن عازب - رضي الله عنه - ميگويد : رسول الله - ﷺ - ما را به انجام هفت كار، امر فرمود و از انجام هفت كار ديگر منع کرده. آنچه به آن امر کرد، عبارتند از: تشييع جنازه ، عيادت مريض ، قبول دعوت ، كمك و ياري مظلوم ، پاسخ دادن به سلام ، جواب عطسه ، وفاي به عهد، و كار های كه از آنها منع کرد، عبارتند از: ، استفاده از ظروف نقره ای ، انگشتر طلا ، استفاده از لباس ابريشمی ، استفاده از ديباج (نوعی پارچه ابريشمی) ، استفاده از قسی (نوعی لباس كه ابريشم در آن بكار رفته است)، استفاده از استبرق (پارچه‌ای ابريشمی و زر) ."

و همچنان در حدیثی كه حذیفه بن الیمان - رضي الله عنه - نقل کرده است تحریم آن ثابت میگردد ، چنانچه ميگويد : عن حذيفة - رضي الله عنه - قال : «سمعت النبي - ﷺ - يقول لا تلبسوا الحرير ولا الديباج ولا تشربوا في آنية الذهب والفضة ولا تأكلوا في صحافها فإنها لهم في الدنيا ولنا وهي لكم في الآخرة»^(٢). " حذيفه - رضي الله عنه - ميگويد : شنيدم كه نبي اكرم - ﷺ - مي فرمود: « لباس ابريشمي نپوشيد و در ظرفها و كاسه هاي ساخته شده از طلا و نقره، غذا نخوريد . زيرا اين چيزها در دنيا، از آن كفار، و در آخرت، از آن ما خواهند بود » .

عن البراء ابن عازب - رضي الله عنه - قال: « نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن الديباج، والحرير، والإستبرق »^(٣). " براء ابن عازب - رضي الله عنه - ميگويد : رسول اكرم - ﷺ - از لباس ديباج ، ابريشم و استبرق منع فرمودند" .

عن حذيفة - رضي الله عنه - قال : جاء رجل إلى النبي - صلى الله عليه وسلم - فقال: يا رسول الله، أكلتنا الضبع، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « إن الدنيا تفتح عليكم، فيا ليت أمتي لا يلبسوا الديباج »^(٤). " حذيفه - رضي الله عنه - ميگويد : شخصی بطرف رسول اكرم - ﷺ - آمد و گفت : ای رسول الله ! كفتار خوردیم ، پس رسول اكرم - ﷺ - فرمودند نگران مباشيد ، دنياي برای تان باز کرده ميشود، ای كاش امت من ديباج نمپوشيدند.

١- صحيح البخارى ج ٢ ص ٧١ .

٢- صحيح البخارى: ج ٧ - ٧٧ .

٣- سنن ابن ماجه : ج ٢ - ص ١١٨٧ . شيخ البانى اين حديث را صحيح خوانده است .

٤- معجم الاوسط از طبرانى : ج ٩ - ص ١٦٦ .

۳- استبرق: استبرق عبارت از پارچه سبز ابریشمی و زر بافت دبل، یعنی پارچه که با زر و ابریشم بافته شود^(۱)

چنانچه قرآنکریم در رابطه به وصف نعمات جنت و لباس های آن بیان میدارد: ﴿يُحَلَّوْنَ فِيهَا أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَاباً خُضْراً مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقاً﴾^(۲). آنان در آنجا با دستبندهای طلا آراسته می‌شوند، و جامه‌های سبز (فاخری از انواع مختلف) حریر نازک و ضخیم می‌پوشند، در حالی که بر تختها تکیه زده‌اند، چه پاداش خوبی است! و (به این باغها و تختها) چه منزل و مقرّ زیبایی است".

در سوره دخان چنین می‌فرماید: ﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ﴾^(۳). آنان لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند، و در مقابل یکدیگر مینشینند (و به شادی می‌پردازند)". و همچنان در سوره رحمن فرموده است: ﴿مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ﴾^(۴). "بهشتیان بر فرشهایی تکیه می‌زنند (چه رسد به رویه‌های آنها) آسترهای آنها از ابریشم ضخیم است. و میوه‌های رسیده باغهای بهشت نزدیک و در دسترس است.

و نیز در سوره انسان استبرق را لباس اهل بهشت خوانده چنین فرموده است: ﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً﴾^(۵). "بر تن ایشان، لباسهای ابریشم نازک سبز و دیبایی ضخیم است، و با دستبندها و انگوهای سیمین، زیب و زینت شده‌اند، و پروردگارشان بدیشان شراب پاک مینوشاند".

عن سالم بن عبد الله أن ابن عمر رضي الله عنهما قال: « وجد عمر حلة استبرق تباع في السوق فأتى بها رسول الله - ﷺ - فقال يا رسول الله ابتع هذه الحلة فتجمل بها للعيد وللوفود (والوفود) فقال رسول الله - ﷺ - إنما هذه لباس من لا خلاق له أو إنما يلبس هذه من لا خلاق له»^(۶). "از سالم بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت وی می‌گوید: ابن عمر گفت: عمر - رضی الله عنه - پارچه‌ی ابریشمی را یافت که در شهر فروخته میشد، آنرا به رسول الله - ﷺ - آورد و برایشان فرمود: ای پیامبر الله جامعه بخرید در پیشروی وفدی که می‌آید و در روزهای عید آنرا پوشیده و برای خود زینت ببخشید، سپس رسول اکرم - ﷺ - فرمودند: بی شک این

۱- لغتنامه دهخدا: ماده استبرق

۲- سوره کهف، آیت: ۳۱.

۳- سوره دخان، آیت: ۵۳.

۴- سوره رحمن، آیت: ۵۴.

۵- سوره انسان، آیت: ۲۱.

۶- صحیح البخاری: ج ۱ - ص ۱۴۶.

لباس کسی است که حصه نداشته باشد ، و کسی آنرا میپوشد که حصه (در آخرت) نداشته باشد" .
 عن ابن عمر - رضی الله عنه - قال : «أن عمر خرج فرأى حلة إستبرق تباع في السوق، فأتى فأتى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فقال : يا رسول الله، اشتراها فالبسها يوم الجمعة، وحين يقدم عليك الوفد، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : إنما يلبس هذا من لا خلاق له»^(۱). ابن عمر - رضی الله عنه - میگوید : عمر - رضی الله عنه - در شهر رفت و یک جامه استبرق را دید و آنرا به رسول الله - ﷺ - آورد و برای رسول اکرم - ﷺ - فرمود : ای فرستاده الله - جل جلاله - این را بخريد ، در روز های جمعه و با آمدن قافله بپوشید ، پس رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : آنرا کسی میپوشد که سهمی در آخرت نداشته باشد"

فرجام از خلال بحث های که داشتیم در می یابیم که پوشیدن حریر، دیباج و استبرق برای مردان مسلمان در دنیا درست نبوده و این ها لباسهای اهل بهشتند که در جنت برایشان اعطا میگردد .

۴ - پوشیدن طلا : خداوند - جل جلاله - که طلا را برای مردان حرام کرده است از حکمتش آگاه است ، گر چه آنرا ندانیم ، ولی یکی از حکمت هایش این است که طلا زینتی هست برای زنان که با پوشیدنش به تجمل و لطافت و زنانگیش میافزاید ، و مردان نباید خود را شبیه زنان سازند و اگر طلا بپوشند احتمال دارد کم کم خوی زنانه به خود بگیرند برای همین حریر نیز که برای زنان مباح برای مردان حرام گردیده ، زیرا خوی زنان به خود میگیرند.

پس پیرامون تحریم طلا روایات بیشماری از رسول اکرم - ﷺ - وارد است که عده از آنها را در ذیل نقل می نمایم .

عن عبد الله بن عباس - رضی الله عنه - قال : « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأى خاتما من ذهب في يد رجل فنزعه فطرحه وقال يعمد أحدكم إلى جمره من نار فيجعلها في يده فقيل للرجل بعد ما ذهب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - خذ خاتمك انتفع به قال لا والله لا آخذة أبدا وقد طرحه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - »^(۲). ابن عباس- رضی الله عنه - میگوید : پیامبر - ﷺ - در دست مردی، انگشتری از جنس طلا دید ، آ را از انگشتش بیرون کشید و دور انداخت و فرمود : یکی از شما قصد اخگری از آتش میکند و آنرا در دست خود قرار میدهد ، پس از این که رسول الله - ﷺ - رفت ، به آن مرد گفتند : انگشتر خویش را بردار و (به نحوی دیگر و به صورتی شرعی) از آن، استفاده کن . گفت : خیر؛ به الله سوگند ، انگشتری را که رسول الله - ﷺ - دور انداخته است، برنمیدارم" .

^۱ - سنن نسائی : ج ۸ - ص ۱۹۸ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

^۲ - صحیح مسلم : ج ۳ - ص ۱۶۵۵ .

استفاده از زیور آلات طلا و به طور عام پوشیدن طلا برای مردان، حرام می باشد؛ همان طور که پیامبر - ﷺ - در باره ی طلا و ابریشم فرموده است که این دو، برای زنان امتم، حلال و برای مردان این امت، حرام است. لذا برای هیچ مردی پوشیدن لباس های زربافت (لباس هایکه در بافت آن ها از جنس طلا استفاده شده است) و نیز انگشتر و گردن بند طلا و یا دست بند طلا جایز نیست.

طلا نعمتی است که زنان به آن علاقه دارند و خود را با آن برای همسران خویش میآرایند؛ البته مرد نیز خودش را با رعایت موازین شرعی، برای همسر خویش می آراید و این، الفت و علاقه ی آنان به یک دیگر را افزایش میدهد؛ ولی همان طور که بیان شد، استفاده از طلا برای مرد جایز نیست. گفتنی است: ایرادی ندارد که مرد، انگشتر نقره در دستش قرار دهد؛ البته به شرطی که این کار، مبتنی بر عقیده یا باور خاصی نباشد. چنان که امروزه برخی از مردم به پیروی از آداب و رسوم نصرانی ها، به دست می کنند.

وقتی یک نصرانی میخواهد ازدواج کند، کشیش که « حلقه ی ازدواج » برای آن ها حکم عالم را در نزد مسلمانان دارد، انگشتری را به نوبت در یکایک انگشتان داماد قرار میدهد و در پایان، به او میگوید: این، پیوند میان تو و همسر توست! بنابراین، اگر کسی با چنین اعتقادی حلقه به دست کند که باعث استحکام پیوند زناشویی او میشود، همانند نصارا عمل کرده است و این، عقیده ای باطل و نارواست و در چنین حالتی در دست کردن حلقه ی (نقره نیز) جایز نمی باشد.

اما اگر به دست کردن انگشتر نقره، مبتنی بر باور یا عقیده ی خاصی نباشد، هیچ ایرادی ندارد؛ البته ناگفته نماند که پوشیدن انگشتر نقره، مستحب نیست و اگر ضرورتی وجود داشت، انگشتری می پوشید ایرادی ندارد که انگشتر در دست خود قرار دهید؛ زیرا پیامبر - ﷺ - انگشتر میپوشید، چون به ایشان گفتند که پادشاهان، تنها نامه هایی را می پذیرند که مهر داشته باشند، انگشتری برای خود انتخاب کرد که روی آن، عبارت محمد رسول الله نقش بسته بود و از آن برای مهر کردن نامه های خود استفاده می فرمود^(۱).

پس استفاده از طلا، برای مردان حرام است؛ چه انگشتر طلا باشد، و چه دست بند یا گردن بند و یا گوشواره و حلقه طلا یا تاج طلا امثال آن. هر نوع طلائی برای مردان، حرام میباشد.

۱- عثیمین، محمد ابن صالح. (۱۴۱۵هـ)، شرح ریاض الصالحین. دار الثریا للنشر والتوزیع. بیروت، طبع اول. ج ۲ - ص ۴۰۳ -

ولی استفاده از طلا برای زنان، جایز است و ایرادی ندارد؛ از این رو زن ها می توانند از انگشتر طلا، دست بند طلا و دیگر زیور آلات زرین استفاده کنند؛ به شرطی که به حد اسراف نرسد.

و همچنان آشامیدن در ظروف نقره ای نیز منع شده است، فرقی نمی کند که نوشیدنی، آب باشد باشد یا شیر یا هر نوع آشامیدنی دیگری. آشامیدن در ظروف نقره ای، هم برای مردان حرام است است و هم برای زنان؛ زیرا حرام بودن ظروف نقره و طلا، هم شامل مردان می شود و هم شامل شامل زنان. ناگفته نماند که این ظروف، چه از جنس طلا و نقره ی خالص باشند و چه آن ها را آب طلا و نقره داده باشند حرامند (۱).

چنانچه رسول اکرم - ﷺ - فرمودند: « عن أم سلمة زوج النبي - ﷺ - « أن رسول الله - ﷺ - قال: الذي يشرب في إناء (آنية) الفضة و الذهب إنما يجر جر في بطنه نار جهنم » (۲). " از ام سلمه - رضی الله عنها - همسر رسول اکرم - ﷺ - نقل است که میگوید: رسول اکرم - ﷺ - فرمودند: کسیکه در ظرف نقره و طلا مینوشد بی شک در شکم آن آتش دوزخ صدار مینماید".

حدیث ام سلمه - رضی الله عنها - بیانگر این است که خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره، جزو گناهان کبیره است، زیرا پیامبر - ﷺ - در این حدیث هشدار داده که هرکس این عمل را انجام دهد، آتش دوزخ را در شکمش شعله ور می سازد. در این حدیث آمده است: « إنما يجر جر في بطنه نار جهنم ». که مفهومش ذکر شد. در زبان عربی به صدای بلعیدن یک چیز یا فرورفتن آن را در گلو « جر جر » میگویند. چنان که به صدای گرگز آتش نیز « جر جر » گفته میشود. لذا در می یابیم که خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره، گناه کبیره است؛ زیرا درباره اش این وعید شدید وارد شده و هر گناهی که درباره اش وعیدی شدید ذکر شده باشد، جزو گناهان کبیره به شمار میآید.

علما ظروفی را که آب طلا و نقره داده میشوند، یعنی ظروف طلا اندود (مخلوط) و نقره اندود را مانند ظروفی میدانند که از طلا و نقره ساخته شده اند؛ لذا خوردن و نوشیدن در چنین ظروفی جایز نیست (۳).

۵ - مشابه به لباس کفار نباشد: عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال قال: رسول الله - صلی الله علیه وسلم- « من تشبه بقوم فهو منهم » (۴).

۱- همان: ج ۲ - ص ۵۷۹ - ۵۸۰.

۲- صحیح البخاری: ج ۷ - ص ۱۱۳.

۳- شرح ریاض الصالحین: ج ۴ - ص ۲۲۲.

۴- سنن ابی داود: (ج ۴ - ص ۳۱۴). شیخ البانی آنرا صحیح خوانده است.

" از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که فرمود : رسول الله - ﷺ - فرمودند : کسیکه خود را مشابه به قومی بسازد از جمله آنها است ."

عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «بعثت بين الساعة بالسيف حتى يعبد الله وحده لا يشرك به شيء وجعل رزقي تحت ظل رمحي ، وجعل الذلة والصغار على من خالف أمري ، ومن تشبه بقوم فهو منهم»^(۱) . از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : در آمد آمد قیامت با شمشیر برگزیده شدم تا که الله - عزوجل - به تنهای عبادت شود و چیزی به الله - عزوجل - شریک آورده نشود ، و همچنان رزق من را در زیر سایه نیزه من قرار داده و همچنان ذلت ، خواری و خوردی را بر مخالفین من قرار داده و کسیکه خود را همانند قومی ساخت از جمله آنها است ."

عن قتادة - رضی الله عنه - «أن عمر بن الخطاب رأى رجلا قد حلق قفاه ولبس حريرا فقال : من تشبه بقوم فهو منهم»^(۲) . "قتاده^(۳) - رضی الله عنه - میگوید : عمر ابن الخطاب - رضی الله عنه - شخصی را دید که ، موی پشت سر خود را حلق کرده و جامه ابریشمی پوشیده است ، پس فرمود : کسیکه خود را مشابه به قومی ساخت از جمله آنها است ."

عن ابی عبیده بن حذیفة - رضی الله عنه - أن النبي - ﷺ - قال : « من تشبه بقوم فهو منهم »^(۴) . "ابی عبیده بن حذیفة - رضی الله عنه - از پدرش نقل میکند که : بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : کسیکه خود را شبیه به قومی ساخت به جمله آنها است" .
عن ابی أمامة - رضی الله عنه - يقول : خرج رسول الله - صلى الله عليه وسلم - على مشيخة من الأنصار بيض لحاهم فقال : «يا معشر الأنصار حمروا وصفروا، وخالفوا أهل الكتاب» . قال : فقلنا : يا رسول الله، إن أهل الكتاب يتسربلون ولا يأتزرون فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «تسربلوا وانتزروا وخالفوا أهل الكتاب» . قال : فقلنا : يا رسول الله، إن أهل الكتاب يتخففون ولا ينتعلون . قال : فقال النبي - صلى الله عليه وسلم - : «فتخففوا وانتعلوا وخالفوا أهل الكتاب»

^۱ - ابن أبي شيبه، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان، أبو بكر، (۱۴۰۹ هـ)، مصنف ابن أبي شيبه، مكتب دراسات و بحوث، دار فكر، بيروت، لبنان، چاپ اول. ج ۵ - ص ۳۱۳. شيخ البانی رحمه الله ضعيف خوانده است.

^۲ - صنعاني، عبد الرزاق بن همام بن نافع، حميري، أبو بكر (۱۴۰۳ هـ)، مصنف عبدالرزاق، المكتب الإسلامي - بيروت، چاپ دوم، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۱۱ - ص ۴۵۳ .

^۳ - قَتَادَةُ بن النعمان بن زيد بن عامر انصاري اوسي : از شجاعان صحابه است . تير انداز ماهر بود ، در تمام غزوات اشترک داشته و به عمر ۶۵ سالگی در مدينه منوره = فوت نموده ، و هفت حديث از رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - نقل کرده و برادر اخيافى ابو سعيد الخدرى - رضی الله عنه - بود . الاعلام ج ۵ - ص ۱۸۹ .

^۴ - بزار ، أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبید الله، أبو بكر(۲۰۰۹م)، مسند البزار، مكتبة العلوم والحكم - المدينه المنوره، چاپ اول، تحقيق : د. محفوظ الرحمن زين الله ، ج ۷ - ص ۳۶۸ . شيخ البانی رحمه الله صحيح خوانده است.

قال: فقلنا: يا رسول الله إن أهل الكتاب يقصون عثانينهم ويوفرون سبالهم. قال: فقال النبي صلى الله عليه وسلم: قصوا سبالكم ووفروا عثانينكم وخالفوا أهل الكتاب»^(۱). "از ابی امامه - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: بیرون شدند رسول اکرم - ﷺ - بطرف عده از انصار که ریش های سفید داشتند، پس فرمودند: ای جماعه انصار ریش های خود را سرخ و زرد بسازید و از اهل کتاب مخالفت داشته باشید. پس گفتیم ای رسول خدا! بی شک اهل کتاب سراویل میبندند و ازار نمیپوشند، پس فرمودند: شما سراویل و ازار بپوشید و از اهل کتاب مخالفت بکنید. سپس گفتیم: ای فرستاده الله - جل جلاله - اهل کتاب بوت میپوشند و چپلق نمیپوشند، پس فرمودند: بوت و چپلق بپوشید و از اهل کتاب مخالفت بکنید، فرمود: پس گفتیم ای فرستاده الله بی شک اهل کتاب موهای زیر زرخ را کم میکنند و بروت ها را رها میکنند، پس فرمودند: شما بروت ها را کوتاه نموده موهای زیر زرخ را رها بکنید و با اهل کتاب مخالفت بکنید."

پس از مجموعه این آحادی که به روایات مختلف نقل گردید بیانگر این است که لباس شخص مسلمان نباید مثل لباس کافران بوده باشد، چون از جانب شریعت تکلیف ما در قبال کفار مخالفت با آنها در همه امور بوده است، بناء مسلمانان در لباس و پوشش هم باید بر خلاف آنها باشند.

۶ - **مشابه به لباس زنان نباشد**: لباس مردان با لباس زنان و همچنان لباس زنان با لباس مردان یک رنگی نداشته باشد، چون در آحادی از آن به شدت منع صورت گرفته است، و رسول اکرم - ﷺ - فرمودند: عن ابن عباس - رضي الله عنهما - قال: «لعن رسول الله - ﷺ - المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»^(۲). "از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: رسول اکرم - ﷺ - بر مردانی که خود را به شکل زنان در می آورند و بر زنانی که خود را شبیه مردان می سازند، لعنت فرستاد."

عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال « لعن رسول الله - صلى الله عليه وسلم- الرجل يلبس لبسة المرأة والمرأة تلبس لبسة الرجل»^(۳) "از ابو هريرة - رضی الله عنه - که فرمود: رسول اکرم - ﷺ - بر مردی که لباس زنانه می پوشد و بر زنی که مانند مردان لباس بپوشد، لعنت فرستادند."

و در مسند بزار به تغیر لفظ وارد است که رسول اکرم - ﷺ - چنین فرمودند. عن أبي هريرة - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - « أنه نهى أن يلبس الرجل لبسة المرأة والمرأة

۱- مسند احمد بن حنبل ج ۳۶ - ص ۶۱۳ . محقق کتاب این حدیث صحیح خوانده.

۲- صحیح البخاری: ج ۷ - ص ۱۵۹ .

۳- سنن ابی داود: ج ۴ - ص ۶۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است . این حدیث در مسند احمد . ج ۱۴ - ص ۶۱ . نیز نقل گردیده است .

لبسة الرجل»^(۱). " از ابو هريره - رضی الله عنه - روایت است که از رسول اکرم - ﷺ نقل میکند: بی شک رسول اکرم - ﷺ - منع کردند از اینکه مرد پوشیدنی زن را بپوشد و مرد پوشیدنی زن را بپوشد".

پس حرام بودن همانند شدن مردان به زنان و زنان به مردان در لباس و حرکت و سایر امور، زیرا الله متعال به هر یک از جنس زن و مرد، ویژگی های خاصی داده است؛ از این رو زن ها و مردها در آفرینش، اخلاق و سایر موارد، تفاوت هایی با همدیگر دارند.

نیز در بسیاری لحاظ جسمی، خلق و خوی و رفتار و امثال آن با زن ها متفاوتند؛ در نتیجه در نتیجه کسی که می کوشد زنان را همسان مردان و مردان را مانند زنان قرار دهد، به رویارویی با قدرت و شریعت الهی برخاسته است؛ زیرا در آن چه که الله - عزوجل - آفریده یا مشروع گردانیده، حکمت هاست و خلق و شرع الهی، بی حکمت نیست. به همین سبب در متون و داده های دینی و عید شدیدی در این باره وارد شده است؛ تا حدی که رسول الله - ﷺ - بر مردانی که خود را به شکل زنان درمی آورند و بر زنانی که خود را شبیه مردان می سازند، لعنت فرستاده است.

لعن و نفرین، به معنای دوری و محرومیت از رحمت الهی است؛ از این رو مردی که لباس زنانه بپوشد یا از پوشش زنانه به ویژه لباس ابریشمی و طلا استفاده کند یا همانند زنان سخن بگوید و مثل زن ها راه برود، به زبان بهترین و برگزیده ترین بنده ی خدا، محمد مصطفی - ﷺ - نفرین شده است و همچنین زنی که خود را شبیه مردان بسازد و در نحوه ی لباس پوشیدن، حرف زدن و راه رفتن، خود را شبیه مردان بگرداند، ملعون و نفرین شده می باشد^(۲).

مطلب دوم: مخالف سنت نباشد

۱ - اسبال و آویزان لباس نباشد: عن أبي هريرة - رضي الله عنه - عن النبي - ﷺ - قال: « ما أسفل من الكعبين من الإزار ففي النار»^(۳). " از ابو هريره - رضی الله عنه - روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: پائین تر از قوزک پا از ازار، در جهنم است".
عن أبي ذر - رضي الله عنه - عن النبي - صلی الله علیه وسلم - قال: « ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر إليهم ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم قال فقراها رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ثلاث مرار قال أبو ذر خابوا وخسروا من هم يا رسول الله قال المسبل «ازاره» والمنان والمنفق

۱- مسند بزار: ج ۱۶ ص ۴۹. لم افق على هذا الحديث على انه صحيح يحتج به.

۲- شرح رياض الصالحين. ج ۶ ص ۲۸۷.

۳- صحيح البخاری: ج ۱ - ص ۳۰۲

سلعته بالحلف الكاذب»^(۱). " از ابو ذر- رضی الله عنه - روایت است که: پیامبر- صلی الله علیه وسلم - فرمود: سه شخص است که خداوند در روز قیامت بسوی شان نظر ننموده و با آنها سخن نمی زند و آنها را تزکیه نکرده و بر ایشان عذابی دردناک است. گفت: رسول الله - صلی الله علیه علیه وسلم - آن را سه بار تکرار فرمود. ابوذر گفت: زیانمند و زیانکار شوند اینها کیها اند، یا رسول الله- صلی الله علیه وسلم؟ فرمود: آنکه جامه اش را از روی کبر کشاند ازار خود را . و آنکه منت می گذارد بر مردم. و آنکه به سوگند دروغ متاعش را ترویج می دهد".

عن عبدالله ابن عمر ، عن النبی - صلی الله علیه وسلم - قال « الإسبال فی الإزار والقمیص والعمامة من جر منها شیئا خیلاء لم ينظر الله إليه يوم القيامة »^(۲). " از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: کشانیدن در ازار و پیراهن و عمامه است. آنکه چیزی را از روی کبر بکشاند، خداوند در روز قیامت به وی نمی نگرد".

عن أبی هريرة - رضی الله عنه - قال: « بینما رجل یصلی مسبلاً إزاره فقال له رسول الله - صلی الله علیه وسلم - اذهب فتوضاً فذهب فتوضاً ثم جاء ثم قال : اذهب فتوضاً فقال له رجل یا رسول الله ما لك أمرته أن يتوضاً ثم سکت عنه قال : إنه كان یصلی وهو مسبل إزاره وإن الله لا یقبل صلاة رجل مسبل »^(۳). " از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که : در اثنائی که مردی نماز می خواند، ازارش کشان بود . رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به وی فرمود: برو وضوء گیر . پس رفت و وضوء گرفت و سپس آمد . باز به وی فرمود: برو وضوء گیر . و مردی به وی گفت : یا رسول الله - صلی الله علیه وسلم - چه شد که وی را امر کردی که وضوء گیرد و باز از وی سکوت نمودی؟ فرمود: او نماز می خواند، در حالیکه ازارش آویزان بود و خداوند نماز مردی را که ازارش آویزان باشد، نمی پذیرد".

بنابراین وعید شدید در باره ی کسانی است که لباس خود را دراز مینمایند ؛ به گونه ای که لباسشان روی زمین کشیده می شود یا شلوار شان، پایین تر از دو قوزک پاهایشان قرار می گیرد. این مسأله ی بسیار مهمی است ؛ یعنی لباس یا شلوار مرد، باید بالاتر از دو قوزک پایش باشد و این که شلوار یا لباس مرد، پایین تر از قوزک پا باشد، گناه کبیره بوده و از روایات فوق دانسته شد که: الله - عزوجل - روز قیامت به او نگاه نمی کند، اگر کسی این کار را از روی تکبر انجام دهد، الله - جل جلاله - با او سخن نمی گوید و او را پاکیزه نمی گرداند؛ بلکه چنین افرادی ، عذابی دردناک در پیش دارند .

۱ - صحیح مسلم : ج ۱ - ص ۱۰۲

۲ - سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۱۰۳ . و سنن نسائی : ج ۵ - ص ۴۹۱ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۵ - سنن ابی داود: ج ۴ - ص ۱۰۰ . شیخ البانی این حدیث را ضعیف خوانده است .

اگرچه این عملشان از روی تکبر نباشد؛ در هر دو صورت، قوزک پای مردانی که اسبالی ازار می کنند، در آتش است عمل شان مجازات دارد؛ چه از روی تکبر باشد و چه از روی بی توجهی، اما اگر از روی تکبر باشد، حکمش شدیدتر است

پس سنت در آن این است که پیامبر اکرم - ﷺ - لباسشان از دو قوزک پا، رد نمی شد یا پایین تر از قوزک پا نبود. بناء مسلمان باید پیامبر اکرم - ﷺ - و یاران مهربان شان را مقتدای خود قرار داده و از آنها اسوه داشته باشد.

۲- لباس تصویر دار و نوشته دار نباشد: عن ابی طلحة - رضی الله عنه - یقول: سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - یقول: «لا تدخل الملائكة بیتا فيه کلب، ولا صورة تماثيل»^(۱) ابو طلحه صحابی بزرگوار رسول الله - ﷺ - که در غزوة بدر نیز همراه او بود، می گوید: رسول خدا - ﷺ - فرمود: «فرشتگان، به خانه ای که در آن سگ و یا تصویر باشد، وارد نمی شوند». عائشة - رضی الله عنها - قالت: «قدم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - من سفر، وقد سترت بقرام لی علی سهوة لی فیها تماثيل، فلما رآه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هتکه وقال: «أشد الناس عذابا یوم القیامة الذین یضاهون بخلق الله»^(۲) " از عایشه صدیقه - رضی الله عنها - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - از سفری آمدند و وارد شدند که چادری را در تاق خانه پرده گرفته بودم که عکس اشیاء را داشت، پس زمانیکه رسول - اکرم - ﷺ - دیدند، آنرا نابودش کردند، و فرمودند: «سخت ترین عذاب در روز قیامت به کسی است که مخلوقات الله - عزوجل - را ریشخند میزنند.

عن أنس - رضی الله عنه قال - : «كان قرام لعائشة، سترت به جانب بیتها، فقال لها النبي - صلی الله علیه وسلم - : «أمیطي عني، فإنه لا تزال تصاویره تعرض لی فی صلاتی»^(۳). " و همچنان از انس - رضی الله عنه - روایت است که میگوید: عائشة - رضی الله عنها - پرده ی داشت که آنرا طرف خانه خود نصب نموده بود، پس برایش رسول اکرم - ﷺ - فرمودند: پرده را دور بساز، همیشه تصاویر آن در نماز برایم پیش میشود".

۱- صحیح البخاری: ج ۴ - ص ۱۱۴ .

۲- همان: ج ۴- ص ۴۵ .

۳- همان: ج ۴- ص ۴۴ .

عن أبي طلحة- رضى الله عنه - قال : أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : « لا تدخل الملائكة بيتا فيه صورة»^(۱). " و همچنان از ابی طلحة^(۲) - رضى الله عنه - روایت است که فرمود : بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : ملایک در خانه که در آن تصویر وجود داشته باشد وارد آن نمیشود".

عن عائشة - رضى الله عنها - «أن النبي - صلى الله عليه وسلم - صلى في خميصة لها أعلام، فنظر إلى أعلامها نظرة، فلما انصرف قال: «أذهبوا بخميصتي هذه إلى أبي جهم وأتوني بأبجانية أبي جهم، فإنها ألهتني أنفا عن صلاتي»^(۳). " عایشه - رضى الله عنها - میفرماید : نبی اکرم - ﷺ - در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند. و نظرش به نقشهای آن، افتاد. پس از اتمام نماز، فرمود: این چادر را به ابو جهم بدهید و چادر دبل و بی نقش و نگار او را برای من بیاورید. بیاورید. زیرا هم اکنون، این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز، بسوی خود جلب کرد".

۳ - اسراف در لباس نباشد : امام بخاری - رحمه الله - از نبی کریم - ﷺ - نقل کرده است : قال النبي صلى الله عليه وسلم: «كلوا واشربوا والبسوا وتصدقوا، في غير إسراف ولا مخيلة» وقال ابن عباس: " كل ما شئت، والبس ما شئت ، ما أخطأتك اثنتان: سرف، أو مخيلة^(۴). " رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بخورید و بنوشید ، و بپوشید و صدقه نمائید و کبر اسراف نداشته باشید . ابن عباس - رضى الله عنه - فرموده است : هر چه میخواهی بخور و هر چه که میخواهی بپوش ولی بیاد داشته باشی که ترا اسراف و کبر به خطا نکشد".

حافظ ابن حجر - رحمه الله - در توضیح این حدیث در فتح الباری میگوید : این حدیث جمع کننده فضایی است که مربوط به تدبیر انسان به نفس و مصالح نفس و جسد در دنیا و آخرت میباشد ، و اسراف در هر چیز باعث ضرر رسانیدن به جسد و معیشت زندگی میگردد که منجر به اتلاف شده و در صورتیکه از توابع نفس باشد به نفس ضرر میرساند ، و همچنان کبر و مخیله به نفس ضرر میرساند که خود بزرگ بینی را در پی داشته و سبب کسب شر و گناه در آخرت انسان شده و سبب خشم و غضب الهی میگردد^(۵).

۱- صحیح مسلم : ج ۳ - ص ۱۶۶۶ .

۲- زید بن سهل بن اسود نجاری و انصاری : صحابی است از شجاعان آنها بوده ، در مدینه منوره ، متولد گردیده ، در عقبه ، غزوه بدر ، خندق و در تمام غزوات حضور داشته ، و صدای بلند داشت . رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - در فتح خیبر فرمودند : صدای ابو طلحة بهتر از هزار فرد است . و در مدینه منوره فوت کرده است . طبقات ابن سعد ۳ : ۶۴ و تهذیب ابن عساکر ۶ : ۴ .

۳- صحیح البخاری : ج ۱ - ص ۸۴ و سنن ابن ماجه : ج ۲ - ۱۱۷۶ .

۴- صحیح البخاری : ج ۷ - ص ۱۴۰ .

۵- فتح الباری : ج ۱۰ - ص ۲۵۳ .

عن عمرو بن شعيب ، عن أبيه، عن جده، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «
كلوا، وتصدقوا، والبسوا في غير إصراف، ولا مخيلة»^(١). " از عمرو بن شعيب از پدرش و از
پدر کلان خود نقل میکند که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بخورید ، صدقه و خیرات نمائید و
بپوشید ولی کبر و اسراف نداشته باشید .

عن عمرو بن شعيب ، عن أبيه، عن جده، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - :
واشربوا وتصدقوا والبسوا ما لم يخالطه إصراف، أو مخيلة»^(٢). " از عمرو بن شعيب از پدرش
و از پدر کلان خود نقل میکند که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بخورید ، بنوشید ، صدقه نمائید
و بپوشید کبر و اسراف را گد نداشته باشید.

درمسند امام احمد همین حدیث با اندک اضافات چنین نقل شده : عن عمرو بن شعيب، عن أبيه،
عن جده أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: «كلوا، واشربوا، وتصدقوا، والبسوا، في غير
مخيلة ولا سرف، إن الله يحب أن ترى نعمته على عبده»^(٣). " از عمرو بن شعيب از پدرش و
از پدر کلان خود نقل میکند که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بخورید ، بنوشید ، صدقه نمائید
و بپوشید کبر و اسراف نداشته باشید ، که بی شک الله - جل جلاله - دوست دارد که اثر نعمت
خود را بالای بنده های خود ببیند".

مطلب سوم : لباس پوشاننده عورت باشد

الف- تعریف لغوی عورت : عورت مانند هر فرضیه شرعی دیگر دارای معنی لغوی و
اصطلاحی میباشد که در ذیل پیرامون آن نظریات دانشمندان را نقل مینمائیم: «**وكل ما يستره
الإنسان استكافا أو حياء**»^(٤). "عورت هر آنچه که انسان بخاطر حفاظت و یا حياء ستر نماید".
العورة : «سوءة النساء وما يستحي منه. «**وعورة الرجل ما تحت سرته إلى ركبته و يروى
ما دون سرته حتى تجاوز ركبته وبهذا تبين أن السرة ليست من عورة الرجل والركبة منها**
«^(٥). "عورت عبارت اعضای مخصوص زن و آنچه که از آن حیا و شرم داشته باشد . و عورت
مرد از زیر ناف آن تا به زانو هایش میباشد و همچنان نقل است که ، از زیر ناف تا به جای که
زانو ها قرار دارد میباشد، بنابراین ازین معلوم میگردد که ناف از عورت نبوده و زانو عورت
است ، بنابراین ستر شود".

^١- سنن نسائی : ج ٥ - ص ٧٩ . شيخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

^٢- سنن ابن ماجه : ج ٢ - ص ١١٩٢ . شيخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

^٣- مسند احمد بن حنبل ج ١١ - ص ٣١٢ . و حسن خوانده است .

^٤- سعدی ، ابو حبيب . (١٤٠٨ هـ .) القاموس الفقهي . دار الفكر . دمشق : سوریه . طبع دوم . ج ١ ص ٢٤١

^٥- حنبلی ، ابن رجب ، عبد الرحمن بن أحمد بن أحمد بن رجب . (١٤٠٤ هـ) . جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون ، دار المعرفة . مصطفى بابی

العلی . قاهره ، چاپ اول ، ج ٢ - ص ٢٧٣ .

« كل ما يستحي من كشفه من أعضاء الإنسان فهو عورة »^(۱). " و یا عورت : هر آنچه که انسان از مکشوف گشتن اعضای بدنش شرم داشته باشد آنرا عورت گفته میشود".

ب - **تعريف اصطلاحی عورت:** در ذیل پیرامون تعريف اصطلاحی عورت صحبت مينمائيم:

۱- **تعريف اول :** « ما يحرم كشفه من الجسم سواء من الرجل أو المرأة، أو هي ما يجب ستره وعدم إظهاره من الجسم، وحدها يختلف باختلاف الجنس وباختلاف العمر، كما يختلف من المرأة بالنسبة للمحرم وغير المحرم »^(۲). " عورت، آنچه که مکشوف گشتن آن از جسم انسانی حرام باشد ، برابر است که مرد باشد و یا زن ؛ یا آنچه که آشکار نگردانیدن و ستر کردن آن واجب بوده که بر اساس اختلاف جنس و اختلاف عمر متغیر است ، قسمیکه عورت زن در قبال محرم و غیر محرم فرق دارد" .

۲- **تعريف دوم :** « كل ما حرم الله عزوجل كشفه من جسد الانسان ، و امر بستره »^(۳). " عورت ، هر آن عضویکه کشف آنرا از جسد انسان الله – جل جلاله حرام گردانیده و دستور به ستر آن داده باشد".

ترجیح : از تعریفاتی که پیرامون عورت در فوق تذکر داده شده است ، تعريف اول جامع و راجح به نظر میرسد ، چون تمام آن بخش های جسد انسان ستر آن لازمی است آنرا در بر گرفته است .
و الله اعلم

اهتمام سنت به حفظ عورت : عن ابن عمر- رضی الله عنهما - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم- قال: «إياكم والتعري فإن معكم من لا يفارقكم إلا عند الغائط وحين يفضي الرجل إلى أهله، فاستحيوهم وأكرموهم»^(۴). " از ابن عمر – رضی الله عنهما – روایت است که بی شک رسول اکرم – صلى الله عليه وسلم – فرمودند : آگاه باشید از برهنگی خود داری بکنید ، پس یقیناً همراهی شما کسی است که از شما جدا نمیشود ، مگر در حالت صحرا گشت و در حالت شخص با اهل خود خانه داری میکند ، پس از آنها حیا داشته باشید و آنها احترام بکنید" .

عن ابی هريرة – رضی الله عنه - قال: « بعثني أبو بكر في تلك الحجة في مؤذنين يوم النحر، مؤذن بمنى: أن لا يحج بعد العام مشرك ولا يطوف بالبيت عريان »^(۵).

۱- كفى ، ابو البقاء أيوب بن موسى . (۱۹۷۴ م) ، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية . وزارة الثقافة : دمشق . طبع دوم . الكليات . ج ۱ – ص ۵۹۸ ، ج ۲ – ص ۷۵۹ .

۲- خراشي، محمد بن عبد الله . (۱۴۰۴) . الشرح الصغير ، دار المعارف : مصر . طبع سوم ، ج ۱ - ص ۲۸۳

۳- كشاف القناع . ج ۱ – ص ۲۶۴

۴- سنن ترمذی : ج ۵ – ص قال ابو عيسى ، حكم الالباني بانه ضعيف .

۵- صحيح البخارى : ج ۱ – ص ۸۲ .

" ابو هريرة - رضی الله عنه - فرمود : ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - من را در روز نحر همان حج مؤذن فرستاد که در منی اعلان نمایم ، اینکه هیچ کسی در حال مشرک بودن بعد از این حج ننماید و هیچ کسی عریان و برهنه طواف ننماید."

عن سعید الخدری، عن أبيه، أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: «لا ينظر الرجل إلى الرجل، ولا المرأة إلى عورة المرأة»^(۱). " از ابو سعید الخدری - رضی الله عنه - روایت است که از پدرش نقل میکند ، بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : هیچ مردی به عورت مرد دیگر و هیچ زنی به عورت زن دیگر سیل ننماید."

عن زيد بن أسلم - رضی الله عنه - قال : « نهی النبي - صلى الله عليه وسلم - أن ينظر الرجل إلى عورة الرجل، والمرأة إلى عورة المرأة، وأن يباشر الرجل الرجل، وأن تباشر المرأة المرأة»^(۲). " از زید بن اسلم - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - منع کردند : از اینکه شخصی به عورت شخص دیگر بنگرد و همچنان زنی به عورت زن دیگر نظر اندازد و همچنان مردی با مرد دیگر بخوابد و نیز خانمی با خانم دیگر مباشرت نماید."

عن بهز بن حكيم، عن أبيه، عن جده، قال: « قلت يا رسول الله - ﷺ - عوراتنا ما نأتي منها وما نذر؟ قال «احفظ عورتك إلا من زوجتك أو ما ملكت يمينك قال قلت: يا رسول الله، إذا كان القوم بعضهم في بعض قال: إن استطعت أن لا يرينها أحد فلا يرينها قال : قلت : يا رسول الله إذا كان أحدنا خاليا قال : الله أحق أن يستحيا منه من الناس »^(۳). " از بهز بن حکیم از پدرش و فرمودند : عورتت را حفظ نما مگر از خانم و آنچه دست راستت مالک آن است . گفتیم : ای فرستاده الله - ﷺ - وقتیکه قوم بعض شان با بعض دیگرش بوده باشد ؟ فرمودند : تا حد توان تلاش نما که هیچ کسی آنرا نبیند . گوید : گفتیم : ای فرستاده الله - ﷺ - وقتیکه یکی از میان تنها باشد چطور ؟ فرمودند : الله - عزوجل حق دار است که از او حیا و شرم داشته باشی."

عن يعلى - رضی الله عنه - قال : « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأى رجلا يغتسل بالبراز بلا إزار، فصعد المنبر، فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال- صلى الله عليه وسلم - : «إن الله - عزوجل - حيي ستير يحب الحياء والستر فإذا اغتسل أحدكم فليستتر»^(۴). " از یعلی روایت است که گوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - شخصی را دید که آشکارا و در حال عریان و

۱- صحیح مسلم : ج ۱ - ص ۲۶۶ .

۲- راشد ، معمر بن أبي عمرو . (۱۴۰۳ هـ .) جامع معمر بن راشد، المجلس العلمي بباكستان . طبع دوم .. ج ۱۱ - ص ۲۴۳ .

۳- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۴۰ . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

۴- همان : ج ۴ - ص ۳۹ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

برهنه بدون ازار غسل مینماید ، پس در منبر بالا شدند ، و حمد و ثنای الهی بیان داشته و فرمودند : بی شک الله - عزوجل - با حیا و ستر کننده است و حیاء و ستر را دوست دارد ، پس وقتیکه یکی از شما غسل میگیرد لازم است ستر نماید."

عن صفوان بن یعلی، عن أبيه قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « إن الله عز وجل ستير، فإذا أراد أحدكم أن يغتسل فليتوار بشيء »^(۱). " از صفوان بن یعلی^(۲) از پدرش نقل میکند : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : بی شک الله - عزوجل - ستر کننده است ، پس وقتیکه یکی از شما خواست که غسل بکند ، خود را به یک شیء ستر نموده و بپیچد" .

عن جابر - رضی الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: « من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدخل الحمام إلا بمنزر »^(۳). " از جابر - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : کسیکه ایمان به الله - عزوجل - و به روز آخرت ایمان داشته باشد ، در حمام داخل نشود تا که ازاری داشته باشد" .

عن أبي سعيد الخدري، أنه قال: « نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن اشتمال الصماء، وأن يحتبي الرجل في ثوب واحد، ليس على فرجه منه شيء »^(۴). "ابو سعید الخدری - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - از لباس پوشی صماء ، از اینکه شخص ، خود را طوری در لباس بپیچد که دست هایش داخل آن بمانند و بیرون آوردن آنها مشکل باشد و همچنین از احتباء که موجب کشف عورت میشود، منع فرمودند" . (احتباء یعنی بستن کمر و زانوها با یکدیگر . که در صورت پوشیدن ازار، کشف عورت میشود) .

عن أبي هريرة - رضی الله عنه - قال: « نهى النبي - صلى الله عليه وسلم - أن يشتمل الصماء، وأن يحتبي الرجل في ثوب واحد »^(۵). " ابوهریره - رضی الله عنه - میگوید : « رسول اکرم - ﷺ - شخص را از اشتمال صماء و احتباء در یک لباس منع فرمودند" .

۱- سنن نسائی : ج ۱ - ص ۲۰۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۲- امام مزی در تهذیب الکمال (ج ۱۳/ص ۲۰۱) گفته : (بخ م د ت س ق) : صفوان بن عمرو بن هرم ، سکسکی ، أبو عمرو ، حمصی ، أحمد بن حنبل گفته : لیس به بأس ، و أبو حاتم گفته : از یحیی بن معین سوال کردم در باره او ، وصفتش را به خوبی کرد ، و محمد بن سعد گفته : ثقة و مأمون است ، و ابن سمیع در طبقه پنجم ذکر کرده است ، و امام ابن حجر در تهذیب التهذیب : ج ۴ /ص ۴۲۹) گفته : بخاری یک روایتش معلق ذکر کرده است ، و ابن حبان در کتاب الثقات آورده است، ورتبه اش به نزد ابن حجر و امام ذهبی ثقة است ، و از طبقه : ۵ : از صغار التابعین ، و در سال (۱۵۵ هـ ق - ۷۷۲ م - ۱۵۰ هـ ش) وفات شده است .

۲- همان : ج ۱ ص ۱۹۸ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۴- صحیح البخاری : ج ۱- ص ۸۲ .

۵- همان : ج ۱- ص ۸۲ .

جابر بن عبد الله، يحدث « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كان ينقل معهم الحجارة للكعبة وعليه إزاره. فقال له العباس عمه يا ابن أخي لو حللت إزارك فجعلته على منكبك دون الحجارة . قال : فحله . فجعله على منكبه فسقط مغشيا عليه ، قال: فما رئي بعد ذلك اليوم عريانا»^(١). " جابر - رضی الله عنه - میگوید : « بی شک رسول اکرم - ﷺ - در اعمار بیت الله سنگ انتقال میدادند که ازار داشتند ، کاکایشان عباس - رضی الله عنه - برایش فرمود ، برادر زاده ازارت را بر شانه هایت زیر سنگ ها قرار بدهی ، رسول اکرم - ﷺ - چنان کردند ، پس با کشف عورت شان بی هوش افتیدند ، وی میگوید : بعد از آن روز هیچ عریان دیده نشدند عن المسور بن مخرمة، قال: « أقبلت بحجر أحمله ثقيل وعلي إزار خفيف، قال: فانحل إزاري ومعني الحجر لم أستطع أن أضعه حتى بلغت به إلى موضعه. فقال : رسول الله - صلى الله عليه - : ارجع إلى ثوبك فخذ، ولا تمشوا عراة»^(٢). " مسور بن مخرمه - رضی الله عنه - میگوید : به سنگی سر خوردم که آنرا بر میداشتم ، و یک ازار نازک پوشیده بودم ، که ازارم باز گردید ، و سنگ هم برداشته بودم که نمیتوانستم آنرا به زمین بگذارم تا که به جایش برسانم ، سپس رسول اکرم - ﷺ - فرمودند واپس شو کالایت را برگیر و نباید برهنه بگردید .

بهز بن حکیم قال: حدثني أبي، عن جدي قال: « احفظ عورتك إلا من زوجتك أو ما ملكت يمينك » ، فقال: الرجل يكون مع الرجل؟ قال: «إن استطعت أن لا يراها أحد فافعل»^(٣). " بهز بن حکیم میگوید ، پدرم از بابایم بیان کرد که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند ، عورت خود را حفظ کن مگر از خانم و یا کنیزت، پس فرمود: مرد با مرد چطور ؟ فرمودند : اگر بتوانی باید کسی نبیند چنین بکن".

عن أبي المليح الهذلي، « أن نسوة من أهل حمص استأذن علي عائشة، فقالت: لعلكن من اللواتي يدخلن الحمامات، سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول : « أيما امرأة وضعت ثيابها في غير بيت زوجها، فقد هتكت ستر ما بينها وبين الله »^(٤). " ابی ملیح هذلی میگوید : زنانی از اهل حمص از عایشه - رضی الله عنه - طلب اجازه کرد ، پس فرمود : شما شاید کسانی باشید که در حمام ها داخل میشوید ؟ از رسول اکرم - ﷺ - شنیدم که میگفتند : « هر خانمی که کالای خود را در غیر خانه شوهرش بیرون کند ، ستر ما بین خود الله - جل جلاله - را از بین برده است .

١- صحیح مسلم : ج ١ - ص ٢٦٨ .

٢- همان : ج ١ - ص ٢٦٨ .

٣- سنن ترمذی : ج ٥ - ص ٩٧ . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

٤- سنن ابن ماجه : ج ٢ - ص ١٢٣٤ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

حدود و اندازه عورت در سنت نبوی : عن ابن عباس - رضی الله عنهما - قال : « مر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - على رجل وفخذه خارجة، فقال: " غط فخذك، فإن فخذ الرجل من عورته»^(۱). " از ابن عباس - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - از نزد شخصی که ران آن مکشوف بود ، پس فرمودند : ران های خود را ستر نما چون رانهای مرد از عورت وی است".

ابن جرهد، عن أبيه: «أن النبي - صلى الله عليه وسلم - مر به وهو كاشف عن فخذة، فقال النبي - صلى الله عليه وسلم - : غط فخذك فإنها من العورة»^(۲). " ابن جرهد از پدرش نقل میکند ، بی شک رسول اکرم - ﷺ - از نزد عبور کردند و دیدند که رانهای آن مکشوف است پس فرمودند : پس فرمودند : رانهای خود را ستر کن یقیناً آنها از عورت است".

عن محمد بن جحش - رضی الله عنه - قال: مر النبي - صلى الله عليه وسلم - و أنا معه على معمر وفخذه مكشوفتان، فقال: « يا معمر غط فخذيك؛ فإن الفخذين عورة »^(۳). " از محمد ابن جحش روایت است که فرمود : با رسول اکرم - ﷺ - از نزد معمر عبور کردیم و رانهای آن مکشوف بودند ، پس فرمود : ای معمر ! رانهایت را پنهان کن ، شکی نیست که رانها از عورت است .

عن ابن عباس قال : « عن النبي - صلى الله عليه وسلم - : الفخذ عورة »^(۴). " ابن عباس - رضی الله عنه - میگوید : از پیامبر - ﷺ - بیان میکند که رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : ران از عورت است".

عن أنس بن مالك قال : «حسر النبي - صلى الله عليه وسلم - عن فخذة »^(۵). " انس ابن مالک (رضی الله عنه) میگوید : رسول اکرم - ﷺ - ران مبارک خود را باز کردند".

امام بخاری - رحمه الله - میگوید : حدیث انس مسند است و حدیث ابن عباس احوط است ، یعنی بدین معنی بخاطر احتیاط ران از عورت است .

عن عمر قال : «لا يرى الرجل عورة الرجل، أو قال: لا ينظر الرجل إلى عورة الرجل»^(۶). " عمر (رضی الله عنه) میگوید : نبیند مرد عورت مرد دیگر یا فرمود : مرد به عورت شخص دیگری نبیند.

^۱ - مسند احمد بن حنبل ج ۴ - ص ۲۹۵ . شیخ شعيب ارنووط فرموده حسن به شواهد آن است ، یعنی حسن لغیره است .

^۲ - سنن ترمذی : ج ۵ - ص ۱۱۱ . امام ترمذی این حدیث را حسن گفته و شیخ البانی صحیح خوانده است .

^۳ - مسند احمد بن حنبل ج ۳۷ - ص ۱۶۶ . شیخ شعيب ارنووط این حدیث را حسن خوانده است .

^۴ - صحیح البخاری : ج ۱ - ص ۸۳ .

^۵ - صحیح البخاری : ج ۱ - ص ۸۳ .

^۶ - مصنف ابن ابی شیبة : ج ۱ - ص ۱۰۱ .

عن ابی سعید - رضی الله عنه - قال : أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : « لا ينظر الرجل إلى عورة الرجل، ولا تنظر المرأة إلى عورة المرأة »^(۱). ابو سعید خدری - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : مرد به عورت مرد نظر نکند و همچنان زن به عورت زن دیگر نظر نکند .

مبحث دوم : احکام لباس

مطلب اول : احکام لباس در رابطه به نماز

نماز دومین رکن از ارکان شریعت اسلامی است که قرآن و سنت نبوی به آن اهتمام نموده است . در اقامه و برپایی نماز، یکی از موارد که شریعت اسلامی قابل اهتمام و توجه دانسته داشتن لباس است، بنا در نماز چگونه لباس پوشیده شود، احادیث را در این مورد نقل خواهیم کرد:

عن أبي هريرة، قال: قال النبي - صلى الله عليه وسلم - : « لا يصلي أحدكم في الثوب الواحد ليس على عاتقيه شيء »^(۲). ابو هریره - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - ﷺ - فرمود: تنها در يك قطعه لباس که بر روی شانه هایتان چیزی نباشد، نماز نخوانید .

عن أبي هريرة - رضی الله عنه - « أن سائلا سأل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن الصلاة في الثوب الواحد؟ فقال أولئككم ثوبان »^(۳). ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید : سوال کننده ی از رسول اکرم - ﷺ - در یک لباس نماز خواندن پرسید ؟ پس فرمودند : آیا هر یکی از شما دو جور لباس دارد .

عن أبي هريرة - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « لا يصل أحدكم في الثوب الواحد ليس على منكبيه منه شيء »^(۴). ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : یکی از شما تنها در يك قطعه لباس که بر روی شانه هایش چیزی نباشد، نماز نخواند .

عن عمر بن أبي سلمة - رضی الله عنه - قال: « رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يصلي في ثوب واحد ملتحفا مخالفا بين طرفيه، زاد عيسى بن حماد: في روايته قال: على منكبيه »^(۵).

۱- مسند احمد بن حنبل ج ۱۸ - ص ۱۴۳ .

۲- صحيح البخاری : ج ۱ - ص ۸۱

۳- صحيح مسلم : ج ۱ - ص ۳۶۷ .

۴- سنن ابی داود : ج ۱ - ص ۱۶۹ . شيخ البانی این حدیث را صحيح خوانده است .

۵- صحيح مسلم : ج ۱ - ص ۳۶۹ .

"عمر بن ابی سلمة - رضی الله عنه - میگوید: رسول اکرم - ﷺ - را دیدم که نماز میخواندند در حالی که خود را در پارچه ای پیچیده بود، هر دو طرف لباس برخلاف یکدیگر بود. عیسی بن حماد در روایت خود شانه ها نیز اضافه نموده است."

عن هشام بن عروة، عن أبيه، أن عمر بن أبي سلمة، أخبره، قال: « رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يصلي في ثوب واحد مشتملا به في بيت أم سلمة واضعا طرفيه على عاتقيه»^(۱).
"هشام بن عروة از پدرش نقل میکند وی میگوید: عمر بن ابی سلمة - رضی الله عنه - گفته است که: رسول اکرم - ﷺ - را دیدم که نماز میخواندند در حالی که خود را در یک پارچه ای پیچیده بود، هر دو طرف لباس را بر گردن خود گذاشته بودند."

عن سلمة بن الأكوع، قال: قلت: « يا رسول الله، إني رجل أصيد أفأصلي في القميص الواحد؟ قال: « نعم وازرره ولو بشوكة»^(۲). "از سلمه بن الاكوع - رضی الله عنه - روایت است که برای رسول اکرم - ﷺ - عرض کردم که ای رسول الله - ﷺ - ! من یک شخص اصید (کج گردن) هستم آیا در یک لباس نماز بخوانم، فرمودند: بلی. و لیکن ازار بساز و لوکه به همراهی یک خاری باشد."

مطلب دوم: احکام شکلیات لباس مرد در بعضی اماکن عبادی

۱- حکم اشتمال صماء در نماز: أن أبا سعيد الخدري - رضی الله عنه - قال: «نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن لبستين وعن بيعتين، نهى عن الملامسة والمناذة في البيع» والملامسة: لمس الرجل ثوب الآخر بيده بالليل أو بالنهار ولا يقلبه إلا بذلك. والمناذة: أن ينبذ الرجل إلى الرجل بثوبه، وينبذ الآخر ثوبه، ويكون ذلك بيعتهما عن غير نظر ولا تراض، واللبستين: اشتمال الصماء، والصماء: أن يجعل ثوبه على أحد عاتقيه، فيبدو أحد شقيه ليس عليه ثوب. واللبسة الأخرى: احتباؤه بثوبه وهو جالس، ليس على فرجه منه شيء»^(۳). "ابوسعید خدری - رضی الله عنه - میگوید: نبی اکرم - ﷺ - از دو نوع لباس و از دو نوع خرید و فروش یعنی: ملامسه و مناذة منع فرمودند. ملامسه: عبارت از لمس کردن لباس شخص دیگر به دست خود در تاریکی شب و یا روز که آنرا ندیده بخرد و همچنان مناذة: عبارت از آنکه شخص کالای خود را بطرف شخص دیگر پرتاب نماید، و دیگری کالای خود را بطرف وی رها سازد، همین خرید و فروش بیعی است که بدون نظر کردن و رضایت صورت میگیرد. و نیز از دو نوع لباس پوشی منع فرمودند: اشتمال السماء (پیچیدن لباس) ، رسول الله فرمودند: صماء: اینکه شخص، خود را طوری در لباس بپیچد که دست هایش

۱- همان: ج ۱ - ص ۳۶۸.

۲- سنن ابی داود: ج ۱- ص ۱۷۰. شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است.

۳- صحیح البخاری: ج ۴ - ص ۲۹.

داخل آن بمانند و بیرون آوردن آنها مشکل باشد و همچنین از احتیاء (بستن کمر و زانوها با یکدیگر) به کالا در حال که نشسته باشد و بر بالای عورت اش نیز چیزی نباشد (موجب کشف عورت فرمودند). (احتیاء یعنی بستن کمر و زانوها با یکدیگر . که در صورت پوشیدن ازار، کشف میشود)

عن جابر - رضی الله عنه - « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نهى عن اشتغال الصماء والاحتباء في ثوب واحد »^(۱) جابر - رضی الله عنه - میگوید : رسول الله - ﷺ - از اینکه شخص، خود را طوری در لباس بپیچد که دست‌هایش داخل آن بمانند و بیرون آوردن شان مشکل باشد و همچنین از احتیاء که موجب کشف عورت میشود، منع فرمودند.

عن أبي سعيد - رضی الله عنه - قال : « نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن اشتغال الصماء، وأن يحتبي في ثوب واحد ليس على فرجة منه شيء »^(۲). ابو سعید - رضی الله عنه - مگوید : رسول الله - ﷺ - از اینکه شخص، خود را طوری در لباس بپیچد که دست‌هایش داخل آن بمانند و بیرون آوردن آنها مشکل باشد و همچنین از احتیاء در یک لباس که در فرج شخص چیزی از لباس نباشد نهی فرمودند .

۲- حکم سدل لباس در نماز : عن أبي هريرة - رضی الله عنه - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - « نهى عن السدل في الصلاة وأن يغطي الرجل فاه »^(۳). از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول اکرم - ﷺ - از سدل (فرو گذاشتن جامه) در نماز و همچنان اینکه شخص دهن خود را بپوشاند نهی کرده است .

عن ابن عمر - رضی الله عنه - « أنه كره السدل في الصلاة مخالفة لليهود و قال : إنهم يسدلون »^(۴). از ابن عمر - رضی الله عنهما - نقل است که وی سدل در نماز را مکروه دانسته ، که باید مخالفت یهود صورت بگیرد که آنها در نماز از سدل کار میگیرند .

عن أبي هريرة - رضی الله عنه - « أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نهى عن السدل في الصلاة »^(۵). از ابی هریره - رضی الله عنه - روایت است که میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - از سدل (آویزان کردن جامه) در نماز منع کردند .

۱- صحیح مسلم : ج ۳ - ص ۱۶۶۱ .

۲- سنن نسائی : ج ۸ - ص ۲۱۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۳- سنن ترمذی : ج ۱ - ص ۱۷۴ . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

۴- مصنف ابن ابی شیبہ : ج ۲ - ص ۶۳ .

۵- تمیمی ، محمد بن حبان بن احمد بن حبان (۱۴۱۴هـ) . صحیح ابن حبان . مؤسسة الرسالة - بیروت . طبع دوم . ج ۶ - ص ۶۷ .

اسناد این حدیث را در همین صفحه ضعیف خوانده شده است .

۳- حکم تشمیر لباس در نماز : عن عون بن أبي جحيفة، عن أبيه، قال: «رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في قبة حمراء من أدم، ورأيت بلالا أخذ وضوء رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ورأيت الناس يبتدرون ذاك الوضوء، فمن أصاب منه شيئاً تمسح به، ومن لم يصب منه شيئاً شيئاً أخذ من بلل يد صاحبه، ثم رأيت بلالا أخذ عنزة، فركزها وخرج النبي - صلى الله عليه وسلم - في حلة حمراء، مشمرا صلى إلى العنزة بالناس ركعتين، ورأيت الناس والدواب يمرون من بين يدي العنزة»^(۱). " ابو جحيفه - رضی الله - میگوید: رسول الله - ﷺ - را در خیمه ای چرمی و سرخ رنگ دیدم . بلال - رضی الله عنه - برایش آب وضو آورد . (و آنحضرت - ﷺ - وضوء کردند) . مردم برای گرفتن آب وضوی رسول الله - ﷺ - را از یکدیگر سبقت می گرفتند . هرکس موفق می شد، آن را بر سر و صورت خود میمالید . و کسی که به آن دست نمی یافت، از تری دست همراهانش، استفاده میکرد . سپس بلال - رضی الله عنه - را دیدم که نیزه ای برگرفت و در زمین فرونشاند . و رسول الله - ﷺ - که عباي سرخ رنگي بر تن داشت و آستینهایش را بالا زده بود، برای نماز بیرون آمد و روبه نیزه کرد و دو رکعت نماز، برای مردم، اقامه نمود . و همچنین مردم و حیوانات را دیدم که از پشت آن نیزه، عبور میکردند .

عن أنس - رضي الله عنه - قال - : « لما كان يوم أحد، انهزم الناس عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : و لقد رأيت عائشة بنت أبي بكر، وأم سليم و إنهما لمشمرتان، أرى خدماً سوقهما تنقزان القرب »^(۲). " انس - رضی الله عنه - میگوید : هنگامی که مردم در روز احد از اطراف نبی اکرم - ﷺ - پراکنده شدند . راوي میگوید: عایشه دختر ابوبکر و ام سلیم - رضی الله عنهما - را دیدم که لباسهایشان را بالا زده بودند طوری که خلخالهای ساق پایشان را مشاهده می کردم . آنان مشک های آب را بر دوش خود حمل میکردند و به مردم ، آب میدادند و بر می گشتند . باز آنها را پر از آب کرده، دوباره می آمدند و به مردم، آب میدادند .

مطلب سوم : احکام لباس در رابطه به کفن

در رابطه به لباس های که از آنها کفن ساخته میشود، در نظر گرفتن دیدگاه سنت نبوی لازمی است که پیرامون آن از دیدگاه سنت مطهره نبوی - ﷺ - بحث شود، بنا در سطور ذیل در رابطه به لباس کفن و موارد متعلق به آن در روشنی سنت رسول الله ﷺ بحث میکنیم:

۱ - مقدار لباس کفن رسول الله - ﷺ : عن عائشة - رضي الله عنها - قالت: «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كفن في ثلاثة أثواب يمانية بيض، سحولية من كرسف ليس فيهن قميص ولا

^۱ - صحيح البخاری : ج ۱ - ص ۸۴ .

^۲ - همان : ج ۴ - ص ۳۳ .

عمامة»^(۱). "عایشه - رضي الله عنها - میفرماید: رسول الله - ﷺ - در سه قطعه پارچه کتانی یمنی سفید، که در آنها پیراهن و عمامه وجود نداشت، کفن گردید".

عن عائشة قالت: «كفن النبي صلى الله عليه وسلم في ثلاثة أثواب سحولية بيض»^(۲). "عایشه - رضي الله عنها - میفرماید: رسول الله - ﷺ - در سه قطعه پارچه کتانی یمنی سفید کفن گردید".
عن جابر بن عبد الله، «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - كفن حمزة بن عبد المطلب في نمرة في ثوب واحد. وقد روي في كفن النبي - صلى الله عليه وسلم - روايات مختلفة، وحديث عائشة أصح الأحاديث التي رويت في كفن النبي - صلى الله عليه وسلم - ، والعمل على حديث عائشة عند أكثر أهل العلم من أصحاب النبي - صلى الله عليه وسلم - وغيرهم . قال سفیان الثوري: «يكفن الرجل في ثلاثة أثواب، إن شئت في قميص ولفافتين، وإن شئت في ثلاث لفائف، ويجزي ثوب واحد إن لم يجدوا ثوبين، والثوبان يجزيان، والثلاثة لمن وجدها أحب إليهم» ، وهو قول الشافعي، وأحمد، وإسحاق، وقالوا: «تكفن المرأة في خمسة أثواب»^(۳). "جابر بن عبدالله - رضي الله عنهما - میگوید: رسول اکرم - ﷺ - حمزه را به یک چادر یمنی کفن کردند . و در باره کفن رسول اکرم - ﷺ - روایات مختلف تذکر داده شده است ، اما حدیث عایشه - رضي الله عنها - که در فوق ذکر گردید ، صحیح ترین آن احادیث میباشد که اکثر اهل علم از اصحاب نبی کریم - ﷺ - و تابعین به آن تمسک بسته اند . سفیان ثوری میگوید : برای مرد سه لباس باشد که یک لباس و دو لفافه ، اگر نیاز بود سه لفافه باشد ، اگر دو لباس یافت نشد یک لباس هم جایز است ، سه لباس به کسیکه بیابد محبوب است . و بهمین نظر است شافعی ، احمد و اسحاق ابن راهویه^(۴)، و فرمودند : زن در پنج لباس کفن میگردد".

۲- استعمال خوشبوی در کفن : عن أبي سعيد الخدري، « أنه لما حضره الموت، دعا بثياب جدد فلبسها، ثم قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: إن الميت يبعث في ثيابه التي يموت فيها»^(۵).

۱- همان : ج ۲ - ص ۷۵ .

۲- سنن نسائی : ج ۴- ص ۳۵ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۳- سنن ترمذی ج ۳- ص ۱۳ . تحقیق احمد شاکر . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

۴- امام مزی در تهذیب الکمال (ج ۲/ص ۳۷۳) گفته : (خ م د ت س) : إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم بن مطر الحنظلي ، أبو يعقوب المروزي ، و معروف به ابن راهويه است ، یکی از ائمه مسلمین ، و علماء الدین است؛ و حدیث ، و فقه ، و حفظ ، و صدق ، و ورع ، و زهد را جمع کرده، و امام ابن حجر در تهذیب التهذیب (ج ۱ / ص ۲۱۸) گفته : ابن حبان در " الثقات " گفته : إسحاق از سادات أهل زمانش است ، و فقیه و عالم و حافظ است ، و کتابها را تصنیف کرده ، و رتبه اش به نزد ابن حجر : ثقة و حافظ و مجتهد است ، و رتبه اش به نزد امام ذهبی : امام ، و عالم خراسان است ، و از طبقه : ۱۰ : كبار الأخذین از تبع الأتباع است ، و در سال (۱۶۶ هـ ق - ۷۸۲ م - ۱۶۱ هـ ش) تولد شده است ، و در سال (۲۳۸ هـ ق - ۸۵۲ م - ۲۳۱ هـ ش) وفات شده است .

۵- سنن ابی داود : ج ۳ - ص ۱۹۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

" ابو سعید خدری - رضی الله عنه - نقل است که : زمانیکه مرگش فرا رسید ، لباسهای جدید پاک خواست و پوشید بعد از آن فرمود : از رسول اکرم - ﷺ - شنیدم میگفتند : میت در همان لباسی که کفن شده است در روز قیامت مبعوث میگردد".

عن مجاهد، قال: «الكفن والحنوط من جميع المال»^(۱). امام مجاهد - رحمه الله - (۲) میگوید : کفن و خوشبوی از جمیع مال است .

پس استعمال خوشبوی بر وفق روایات فوق در کفن جایز است .

۳ - نیکو ساختن کفن : کفن میت آیا نیکو باشد یا خیر ؟ بنابراین پیرامون آن روایات وارده از رسول اکرم - ﷺ - را ابراز میداریم .

عن جابر بن عبد الله - رضی الله عنه - أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : «إذا كفن أحدكم أحدكم أخاه، فليحسن كفنه»^(۳). " از جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - میگوید : بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : وقتیکه یکی از شما برادرش کفن کرد باید کفن نیکو بسازد".

عن أبي قتادة - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: «إذا ولي أحدكم أخاه، فليحسن كفنه»^(۴). " ابو قتاده - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : وقتیکه یکی از شما ولی برادرش شد ، پس باید کفن آنرا نیکو بسازد ."

۴- عدم غلو در کفن : عن علي بن أبي طالب - رضی الله عنه - قال: «لا تغال لي في كفن، فإني سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: لا تغالوا في الكفن»^(۵). " از علی ابن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که میگوید : در کفن کردن من از غلو کار نگیرید ، پس بی شک از رسول اکرم (ﷺ) شنیدم که فرمودند : در کفن از غلو و اسراف کار نگیرید".

۱- طحاوی، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر ، (۱۴۱۵ هـ) ، شرح مشکل الآثار . مؤسسة الرسالة . بيروت، تحقیق: شعيب الأرنؤوط . طبع : اول . ج ۱۰ - ص ۲۲۵

۲ - امام مزی در تهذیب الکیمال (ج ۲۷/ص ۲۲۸) گفته : مجاهد بن جبر ، و یا ابن جبیر ، مکی ، أبو الحجاج ، قرشی ، مخزومی ، مولی السائب بن ابي السائب مخزومی است ، و در سال (۱۰۱ ویا ۱۰۲ ویا ۱۰۳ ویا ۱۰۴ هـ ق - ۷۱۹ م - ۹۸ هـ ش) وفات شده است ، و امام المزی گفته : محمد بن سعد در طبقه دوم از اهل مکه ذکر کرده است ، و یحیی بن معین ، و أبو زرعة گفتند : مجاهد ثقة است ، و امام ابن حجر در تهذیب التهذیب (ج ۱۰ / ص ۴۳) گفته : ابن سعد گفته : مجاهد ثقة و فقیه و عالم ، و کثیر الحدیث است ، و ابن حبان گفته : مجاهد فقیه ، و متقی ، و عابد و متقن است ، و أبو جعفر الطبری گفته : مجاهد قارئ و عالم است ، و عجلی گفته : مکی و تابعی و ثقة است ، و امام ذهبی در آخر ترجمه شان گفته : امت اجماع کردند به امامت مجاهد و احتجاج به مرویاتش ، و رتبه مجاهد به نزد ابن حجر : ثقة و امام در تفسیر و در علم است ، و رتبه اش به نزد امام ذهبی : حجت ، و امام در قراءت و تفسیر است ، طبقه : ۳ : از در میانه تابعین است .

۲- صحیح مسلم : ج ۲- ص ۶۵۱ .

۴- سنن ابن ماجه : ج ۱ - ص ۴۷۳ . البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۵- همان : ج ۳ - ص ۱۹۹ . شیخ البانی این حدیث را ضعیف خوانده است .

۵ - **کفن به لباس سفید باشد** : عن ابن عباس - رضی الله عنهما - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : «البسوا من ثيابکم البیاض فإنها من خیر ثیابکم، وکفنوا فیها موتاکم»^(۱). ابن عباس - رضی الله عنهما - میگوید : از لباس های تان سفید آنرا بپوشید ، پس بی شک از بهترین لباسهای شما لباس سفید است و همچنان مرده ها را به آن کفن نمائید .

عن سمرة - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : «علیکم بالبیاض الثیاب فلیلبسها أحياءکم، وکفنوا فیها موتاکم، فإنها من خیر ثیابکم»^(۲). سمرة - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : همیشه لباس سفید را بر گزینید ، زندگان تان بپوشد آنرا و مردگان تانرا به آن کفن بکنید پس بی شک از بهترین لباسهای شما سفید آن است."

مطلب چهارم : احکام لباس مرد در رابطه به حج و عمره

عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : « نهی النبي - صلی الله علیه وسلم - أن یلبس ثوبا مصبوغا بوردس أو بزعفران »^(۳). عبد الله بن عمر - رضی الله عنهما - میگوید : رسول الله - ﷺ - نهی کرده بر شخصی که در حال احرام : لباسی که به عطر یا زعفران آغشته شده باشد، بپوشد."

عن ابن عمر - رضی الله عنه - عن النبي - صلی الله علیه وسلم - « أن رجلا سأله: ما یلبس المحرم؟ فقال: لا یلبس القميص، ولا العمامة، ولا السراويل، ولا البرنس، ولا ثوبا مسه الوردس أو الزعفران، فإن لم یجد النعلین فلیلبس الخفین، ولیقطعهما حتی یكونا تحت الکعبین»^(۴). عبد الله بن عمر رضی الله عنهما میگوید : شخصی از رسول الله - ﷺ - پرسید: مُحرم، چه چیزی باید بپوشد؟ رسول الله - ﷺ - فرمود : نباید پیراهن، عمامه، شلوار، عبا و همچنین لباسیکه به عطر یا زعفران آغشته شده باشد، بپوشد . و اگر کفشی نیافت، موزه بپوشد و آنها را از زیر استخوان قوزک پا، قطع کند" .

عن ابن عباس - رضی الله عنهما - قال: « سمعت النبي - صلی الله علیه وسلم - یخطب بعرفات: « من لم یجد النعلین فلیلبس الخفین، ومن لم یجد إزارا فلیلبس سراویل للمحرم »^(۵).

۱- سنن ترمذی : ج ۳ - ص ۳۱۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۲- سنن نسائی : ج ۸ - ص ۲۰۵ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۳- صحیح البخاری : ج ۴ - ص ۳۳ .

۴- همان : ج ۱ - ص ۳۹ .

۵- همان : ج ۳ - ص ۱۶ .

" از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که فرمود : شنیدم - رسول اکرم - ﷺ - در عرفات خطبه ایراد میکردند : پس فرمودند : کسیکه دو چپلق نیافت موزه بپوشد و کسیکه چادر نیافت شلوار بپوشد ."

عن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما، قال: قام رجل فقال: «يا رسول الله ماذا تأمرنا أن نلبس من الثياب في الإحرام؟ فقال النبي - ﷺ - : «لا تلبسوا القميص، ولا السراويلات، ولا العمام، ولا ولا البرانس إلا أن يكون أحد ليست له نعلان، فليلبس الخفين، وليقطع أسفل من الكعبين، ولا تلبسوا تلبسوا شيئاً مسه زعفران، ولا الورس»^(۱).

" عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - میگوید : شخصی ایستاد و از رسول الله - ﷺ - پرسید : به چه چیز ما را دستور میدهید که در حالت احرام از کالاهای بپوشیم ؟ رسول الله - ﷺ - فرمود : « نباید پیراهن ، شلوار ، عمامه ، عبا مگر کسیکه نعل نداشته باشد ، موزه بپوشد ، از بجلک به پایین را قطع نماید ، و همچنین لباسیکه به عطر یا زعفران آغشته شده باشد، نپوشد»

مبحث سوم : آداب پوشیدن لباس

مطلب اول : تواضع در لباس

عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - قال: « كنت أمشي مع النبي - صلى الله عليه وسلم - وعليه برد نجراني غليظ الحاشية، فأدركه أعرابي فجذبه جذبة شديدة، حتى نظرت إلى صفحة عاتق النبي - صلى الله عليه وسلم - قد أثرت به حاشية الرداء من شدة جذبته، ثم قال: مر لي من مال الله الذي عندك، فالتفت إليه فضحك ثم أمر له بعطاء»^(۲). " انس بن مالك - رضي الله عنه - میگوید : با نبی اکرم - ﷺ - قدم می زدم . ایشان چادری نجرانی که دارای حاشیه ای ضخیم بود، به تن داشت. مردی بادیه نشین به آنحضرت - ﷺ - رسید و چادرش را به سختی کشید طوریکه من به گردن نبی اکرم - ﷺ - نگاه کردم و اثر حاشیه چادر را که بشدت کشیده شده بود، دیدم. سپس آن مرد، گفت: دستور بده تا از مال خدا که در اختیار توست، به من هم چیزی بدهند. رسول خدا - ﷺ - به او نگاه کرد و تبسم نمود و دستور داد تا به او هم چیزی بدهند .

أن ابن عمر - رضي الله عنه - حدثه أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : «بينما رجل يجر إزاره من الخيلاء، خسف به، فهو يتجلجل في الأرض إلى يوم القيامة»^(۳).

۱- همان ج ۳ - ص ۱۵ .

۲- همان: ج ۴ - ص ۹۴ .

۳- همان : ج ۴ - ص ۱۷۷ .

" عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - ميگويد: نبي اكرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: مردی که با غرور و تکبر ، ازارش را روی زمین کش مینمود، در زمین، فرو رفت ، و تا روز قیامت، در زمین فرو خواهد رفت .

عن عبد الله بن عمر - رضي الله عنهما - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : « من ثوبه خيلاء، لم ينظر الله إليه يوم القيامة »^(۱). " از عبدالله ابن عمر - رضي الله عنهما - روایت است : رسول اكرم - ﷺ - فرمودند : کسیکه چادر خود را از روی کبر کش بکند ، الله - جل - در روز قیامت به آن به نظر رحمت نمی کند".

عن سالم بن عبد الله، عن أبيه، عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: « الإِسْبَالُ فِي الْإِزَارِ، وَالْقَمِيصِ، وَالْعِمَامَةِ، مِنْ جَرِّهَا شَيْئًا خِيَلًا، لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ »^(۲). " از سالم بن عبدالله - رضي الله عنهما - از پدرش و از رسول اكرم - ﷺ - نقل میکند که رسول اكرم - ﷺ - : در باره پایین انداختن چادر ، لباس و عمامه فرمودند : کسیکه چادر خود را از روی کبر کش بکند ، الله - جل جلاله - در روز قیامت به آن نظر نمیکند".

عن عمرو بن فلان الأنصاري، قال: « بينا هو يمشي قد أسبل إزاره، إذ لحقه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وقد أخذ بناصية نفسه وهو يقول: اللهم عبدك، ابن عبدك، ابن أمتك قال عمرو فقلت: يا رسول الله، إني رجل حمش الساقين، فقال: يا عمرو، إن الله قد أحسن كل شيء خلقه، يا عمرو وضرب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بأربع أصابع من كفه اليمنى تحت ركة عمرو، فقال: يا عمرو، هذا موضع الإزار ثم رفعها، ثم ضرب بأربع أصابع من تحت الأربيع الأول، ثم قال: يا عمرو، هذا موضع الإزار " ثم رفعها ، ثم وضعها تحت الثانية فقال: يا عمرو، هذا موضع الإزار»^(۳). " عمرو بن فلان الانصاری - ميگويد : ناگاه در حال گشتن بود که چادرش کشان - کشان میرفت ، که رسول الله - ﷺ - به آن رسید . و از گریبان نفس گرفته بود و میگفت : « الهی بنده ات ، بچه بنده ات و فرزند کنیزت ، عمرو میگوید : گفتم ای فرستاده الله - جل جلاله - من یک شخص هستم که ساقهای باریک دارم ، فرمودند : ای عمرو بی شک الله - جل جلاله - همه چیز را نیکو آفریده است ، و با چهار انگشت مبارک دست راست شان میان ساق پاهایم ضربه وارد کردند که ای عمرو این جا محل چادر است ، و به پای دیگرم چنین کردند".

۱- همان : ج ۵ - ص ۶ .

۲- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۶۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

۳- مسند احمد بن حنبل ج ۲۹ ص ۳۲۱ . شیخ شعيب ارنووط این حدیث را صحیح خوانده است .

مطلب دوم : ادای شکر نعمت لباس

عن أبي ذر - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - فيما روى عن الله تبارك وتعالى وتعالى أنه قال: « يا عبادي إني حرمت الظلم على نفسي، وجعلته بينكم محرما، فلا تظالموا، يا عبادي كلكم ضال إلا من هديته، فاستهدوني أهدكم، يا عبادي كلكم جائع، إلا من أطعمته، فاستطعموني فاستطعموني أطعمكم، يا عبادي كلكم عار، إلا من كسوته، فاستكسوني أكسكم»^(١). " از ابو ذر - رضي الله عنه - از پیامبر - صلى الله عليه وسلم - از آنچه از پروردگارش نقل می کند، مروی است است که خداوند تعالی فرمود : ای بندگان من ظلم و ستم را بر خویش حرام کردم، آنرا نیز در میان میان شما حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگان همهء شما گمراهید جز آنکه را که هدایت کرده ام ، پس از من هدایت بطلبید تا شما را هدایت و رهنمائی کنم ! ای بندگان همهء شما گرسنه اید، مگر آنکه را که من طعام دهم، پس از من بخواهید تا شما را طعام دهم! ای بندگان همهء شما برهنگانید، مگر کسی را که من بپوشانم، از من بخواهید تا شما را بپوشانم."

عن أبي مضر، « أنه رأى عليا أتى غلاما حدثا، فاشترى منه قميصا بثلاثة دراهم، ولبسه إلى ما بين الرسغين إلى الكعبين، يقول ولبسه: الحمد لله الذي رزقني من الرياش ما أتجمل به في الناس، وأواري به عورتى، فقيل: هذا شيء ترويه عن نفسك أو عن نبي الله - صلى الله عليه وسلم - ؟ قال: " هذا شيء سمعته من رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول عند الكسوة: « الحمد لله الذي رزقني من الرياش ما أتجمل به في الناس، وأواري به عورتى»^(٢). " ابو مضر میگوید : علی - رضي الله عنه - را دیدم که پیش غلامی آمد صحبت کرد ، و به سه درهم لباس ی از آن خرید ، و آن را میان بند های دست و جلک های پایش پوشید ، و میگفت « الحمد لله الذي رزقني من الرياش ما أتجمل به في الناس، وأواري به عورتى » . و برایش گفته شد ، آیا از پیش خود میگوی یا از رسول اکرم - ﷺ - نقل مینمائی ؟ فرمود این چیزی است که از رسول اکرم - ﷺ - شنیدم که در وقت پوشیدن لباس میخواندند."

مطلب سوم : انکار وارده در پوشیدن لباس

عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال : « كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - إذا استجد ثوبا سماه باسمه عمامة أو قميصا أو رداء ثم يقول اللهم لك الحمد كما كسوتيه ، أسألك خيره وخير ما صنع له، وأعوذ بك من شره وشر ما صنع له»^(٣). " از ابو سعید خدری - رضي الله عنه - روایت شده که گفت : چون رسول الله - صلى الله عليه وسلم - جامهء تازه میپوشید، آن را

١- صحیح مسلم : ج ٤ - ص ١٩٩٤ .

٢- مسند احمد بن حنبل ج ٢ - ص ٤٥٨ . شعيب ارنوط این حدیث را ضعیف خوانده است .

٣- سنن ترمذی : ج ١ ص ٥٦ . شيخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

بنامش یاد میکرد - عمامه یا پیراهن، یا ازار - می فرمود: بار خدایا تو آن را بمن پوشانیدی از تو خیر آن و خیر آنچه را که برای آن ساخته شده می طلبم و بتو از شر آن و شر آنچه که برای آن ساخته شده پناه می برم".

عن معاذ عن أبيه، «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال : من أكل طعاما ثم قال: الحمد لله الذي أطعمني هذا الطعام، ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة، غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر» قال: ومن لبس ثوبا فقال: الحمد لله الذي كساني هذا الثوب ورزقنيه من غير حول مني، ولا قوة غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»^(۱). " از معاذ بن انس - رضی الله عنه - روایت شده که: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: کسی که طعامی را بخورد و بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا... ثنا باد خدایی را که این طعام را بدون قوت و توانائی ام به من خوراند و روزی داده است . کسیکه لباسی بپوشد و بگوید : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي هَذَا... ثنا باد خدایی را که این لباس را بدون قوت و توانائی ام به من پوشانیده و روزی داده است، گناه گذشته اش آمرزیده می شود".

عن ابن عمر - رضی الله عنهما - قال : «أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأى على عمر قميصا أبيض فقال: ثوبك هذا غسيل أم جديد؟ قال : لا، بل غسيل. قال: البس جديدا، وعش حميدا، ومت شهيدا»^(۲). " ابن عمر - رضی الله عنهما - میگوید : بی شک رسول الله - ﷺ - بالای عمر لباس سفیدی را دیدند ، فرمودند : کالایت شسته شده است یا جدید ؟ فرمود : نخیر شسته شده است ، فرمودند : « البس جديدا، وعش حميدا، ومت شهيدا » . لباس جدید بپوشی ، زندگی ستوده شده داشته باشی و شهید بمیری".

مطلب چهارم : حفظ مروءه و مردانگی در لباس

مروءه و مردانگی و آنرا رجولت نیز میگویند بخاطریکه در آن کمال مردانگی است عن أبي هريرة - رضي الله عنه - سئل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «من أكرم الناس؟ قال: أتقاهم لله قالوا: ليس عن هذا نسألك، قال: فأكرم الناس يوسف نبي الله، ابن نبي الله، ابن خليل الله قالوا: ليس عن هذا نسألك، قال: «فمن معادن العرب تسألوني؟ الناس معادن، خيارهم في الجاهلية خيارهم في الإسلام، إذا فقهوا»^(۳). " از ابو هريره - رضی الله عنه - روایت است که ، رسول اکرم - ﷺ - از مکرم ترین مردمان سوال شدند ؟ فرمودند : پرهیز گار ترین شما در نزد الله - جل جلاله - گفتند از آن سوال نداریم ؟ پس فرمودند : مکرم ترین مردم يوسف نبی

^۱ - سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۴۲ . شیخ البانی این حدیث را حسن خوانده است .

^۲ - سنن ابن ماجه : ج ۲ - ص ۱۱۷۸ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

^۳ - صحیح مسلم : ج ۴ ص ۱۸۴۶ .

الله فرزند نبی الله ، فرزند نبی الله و فرزند خلیل الله ، فرمودند : از این چیز سوال نداریم . فرمودند : پس آیا از معادن عرب ها سوال دارید ؟ فرمودند : مردم معادنی است که ، بهترین شان در زمان زمان جاهلیت بهترین شان در اسلام در صورتیکه فقاہت ، علم و دانشی حاصل کرده باشند" .

امام نووی - رحمه الله (۱) میگوید - : در تشریح این حدیث مبارک میگوید : کسانی که کمال مردانگی و دارای مکارم اخلاق در زمان جاهلیت بوده باشند ، وقتیکه اسلام بیاورند ، و فقاہت حاصل بکنند ، پس آنها بهترین مردم هستند (۲) . " عن أبي هريرة - رضي الله عنه - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال « الإيمان بضع وستون شعبة، و الحياء شعبة من الإيمان » (۳) . " از ابو هریره - رضي الله عنه - روایت است که نبی اکرم - ﷺ - فرمودند: «ایمان شصت و چند شعبه دارد و حياء يكي از آن شعبه های است» .

عن أبي مسعود، قال النبي (ﷺ) : «إن مما أدرك الناس من كلام النبوة، إذا لم تستحي فاصنع ما شئت» (۴) . " عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) میگوید: نبی اکرم (ﷺ) فرمود : « یکی از سخنانی که مردم از پیامبران گذشته دریافته اند این است که: اگر حیا نداری، هر چه خواهی انجام بده» .

مطلب پنجم : بوت را ایستاده نپوشد

برای پوشیدن نعال یک سلسله آدابی از شارع نقل است که شخص مسلمان بر رعایت آن مکلف بوده که سبب ازدیاد خیر و ثواب میگردد بناء در سطور ذیل پیرامون آن بحث میگردد:

عن جابر - رضي الله عنه - قال : «نهى رسول الله - ﷺ - ان ينتعل الرجل قائما» (۵) . " از ابو هریره - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : رسول اکرم - ﷺ - منع کردن از ایستاده پوشیدن نعال " .

۱- محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف، الحوراني، وإمام وحافظ وصاحب تصانيف مختلف ومفيد است ، و از آنجمله تهذيب الأسماء واللغات؛ والمنهاج في شرح مسلم؛ التقريب والتيسير في مصطلح الحديث؛ الأذكار؛ رياض الصالحين؛ المجموع شرح المذهب؛ الأربعون النووية؛ مختصر أسد الغابة في معرفة الصحابة وغيره میباشد، و در سال (۶۳۱ هـ الموافق به ۱۲۳۴ م) تولد شده، و در سال (۶۷۶ هـ الموافق به ۱۲۷۸ م) وفات شده است، تاريخ الإسلام ذهبي (ج ۱۲/ص ۳۴۵)، الأعلام لخير الدين زركلي (ج ۸/ص ۱۴۹) .

۲- صحيح مسلم: ج ۱۵ - ص ۵۱۸ .

۳- صحيح البخارى ج ۱- ص ۱۱ .

۴- همان : ج ۴ ص ۱۷۷ .

۵- سنن ابن ماجه : ج ۲ - ص ۱۱۹۵ . شيخ البانى اين حديث را صحيح خوانده است .

مطلب ششم : تکان دادن نعال در وقت پوشیدن

تکان دادن نعال در وقت پوشیدن آن واقعا ادبی است که دلالت بر تلاش ، سعی و کوشش اسلام بر سلامتی اتباع آن بوده و تشویق آن به اخذ بر اسباب بعد از توکل بر الله عزوجل و رضایتمندی بر تقدیر و قضاء الهی میباشد . چون در نعال احتمال بودن حشراتی موذی میباشد که به تکان ندادن آن احتمال اذیت دیدن انسان است .

چنانچه که از ابو امامه - رضی الله عنه- روایت است که میگوید : عن ابی امامة الباهلی - رضی الله عنه- قال : « دعا رسول الله - ﷺ - بخفيه يلبسهما ، فلبس احدهما ، ثم جاء غراب فاحتمل الاخرى ، فرمى بها ، فخرجت منها حية ، فقال النبي - ﷺ - من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يلبس خفيه حتى يفضهما »^(۱). ابو امامه - رضی الله عنه- رسول اکرم - ﷺ - بوت خود را خواستند تا بپوشند ، یکی از آن را پوشید ، زاغی آمد جوهره آنرا برداشت ، و آنرا انداخت ، پس از داخل آن یک ماری بیرون شد ، پس رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : کسیکه ایمان به الله - ﷻ - و به روز آخرت داشته باشد پس نپوشد بوت های خود را تا که آنها را تکان نداده باشد"

مطلب هفتم : به پای راست پوشیدن و به پای چپ کشیدن

راست شروع کردن سنت بزرگی است در زندگی مسلمان قابل تطبیق میباشد، چنانچه از عایشه مادر مؤمنین - رضی الله عنها روایت است: عن عائشة - رضی الله عنها - قالت : « كان النبي - ﷺ - يعجبه التيمن في تنعله وترجله وطهوره وفي شأنه كله »^(۲). عایشه - رضی الله عنها - میفرماید : نبی اکرم - ﷺ - در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضوء گرفتن و همه کار هایش، شروع کردن از سمت راست را میپسندید".

و نیز ابوهریره - رضی الله عنه - نقل میکند : عن ابی هريرة - رضی الله عنه - قال : « ان رسول الله - ﷺ - قال : « إذا انتعل احدكم فليبدأ باليمين ، و إذا انزع فليبدأ بالشمال ، لیکن الیمنی اولهما تنعل و آخرهما تنزع »^(۳). ابوهریره - رضی الله عنه - میگوید : رسول الله - ﷺ - فرمود: هرگاه یکی از شما خواست کفش بپوشد، از سمت راست شروع کند. و هر گاه خواست بیرون بیاورد، از سمت چپ آغاز نماید . پای راست باید در پوشیدن، اول، و در بیرون آوردن، آخر باشد"

۱- الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر ج ۶ - ص ۲۷۴ . هیثمی رحمه الله میگوید در روایت این حدیث هاشم بن عمرو است و آنرا نمیشناسم ، مگر اینکه ابن حبان در ثقات ذکر کرده است ان شاء الله راوی های آن ثقة اند .

۲- صحیح البخاری : ج ۷ ص ۱۶۴ .

۳- همان : ج ۷ ص ۱۵۴ .

مطلب هشتم : دارای نعال واحد نباشد

گشتن به یک کفش مکروه است و همچنان دو کفش متفاوت (دو رنگه) باشد نیز مکروه است . نظر به روایت ابو هریره - رضی الله عنه - که ذیلاً تذکر داده میشود: عن ابی هریره - رضی الله عنه - قال : « اشهد لسمعت رسول الله - ﷺ - قال : « اذا انقطع شسع احدکم فلا یمش فی الاخری حتی یصلحها »^(۱). " ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید : شهادت میدهم بر اینکه از رسول الله - ﷺ - شنیدم فرمودند: وقتیکه قطع شد کفش یکی از شما با دیگرش نگردد تا قطع شده را درست نسازد" .

همچنان از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت دیگری قرار ذیل وارد است: عن ابی هریره - رضی الله عنه - قال : « ان رسول الله - ﷺ - قال : « لا یمشی احدکم فی نعل واحدة لیحفظهما جمیعا او لینعلهما جمیعا »^(۲). " ابو هریره - رضی الله عنه - میگوید: بی شک رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : راه نگردد یکی از شما به یک کفش که پای دیگرش پا پوش نداشته باشد، یا هر دو را بکشد و یا هم هر دو را بپوشد" .

مطلب نهم : در وقت طعام کفش کشیده شود

غذا خوردن آداب و شرایط خاص خود را دارد، بهتر است که انسان مسلمان آن آداب را در روشنی پیامبر ﷺ درست فهمده و آنرا در زندگی عملی نماید، در احادیث زیاد غذا خوردن همراه با کفش (بدون ضرورت) منع شده است، عن انس - رضی الله عنه - ان رسول الله - ﷺ - قال : « اذا قرب الی احدکم طعامه و فی رجله نعلان فلینزع نعلیه ؛ فانه اروح للقدمین »^(۳). " انس بن مالک - رضی الله عنه - میگوید : وقتیکه نزدیک کرده شد به یکی از شما طعام آن و در پای آن کفش هایش است پس باید آنرا بکشد ، بی شک این کار سبب راحتی قدمهای آن میگردد" .

عن أنس بن مالك - رضی الله عنه - قال : قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : « إذا أكلتم الطعام فاخلعوا نعالکم فإنه أروح لأقدامکم »^(۴). " انس بن مالک - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : « وقتیکه طعام خوردید ، پس موزه های خود را بکشید که برای قدمها و پا های تان راحت تر است" .

۱- صحیح مسلم: ج ۱۴ - ص ۲۶۳ .

۲- صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۵۴ .

۳- مجمع الزوائد: ج ۵ - ص ۲۳ . مسند ابی یعلی الموصولی ج ۷ - ص ۱۹۹ .

۴- معجم الأوسط: ج ۳ - ص ۲۹۳ . شیخ البانی ضعیف جدا خوانده است .

عن أنس بن مالك - رضي الله عنه - قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : «إذا أكلتم فاخلعوا نعالكم فإنه أروح لأبدانكم»^(۱).

" انس ابن مالک - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - فرمودند : در وقت طعام خوردن موزه های خود را بکشید ، پس بی شک این کار بدن های تان را راحت میسازد" .
عن ابی امامة الباهلی - رضی الله عنه - قال : ان رسول الله - ﷺ - قال : « إذا قرب إلى أحدكم طعامه وفي رجليه نعلان فلينزع نعليه فإنه أروح للقدمين و هو من السنة »^(۲).

" ابی امامة میگوید : وقتیکه نزدیک کرده شد به یکی از شما طعام آن و در پای آن کفش هایش است پس باید آنرا بکشد ، بی شک این کار سبب راحتی قدمهای آن میگردد" .
کشیدن کفش در وقت صرف طعام و همچنان در وقت صحبت با دوستان و گذاشتن آن به عقب سنت است، که با داشتن کفش شخص نباید اهل مجلس را اذیت برساند .

از این جا توجه اسلام برای شخص در همه جوانب زندگی اش واضح میگردد که هم بعد صحی آنرا مورد توجه قرار داده و هم بعد اجتماعی آنرا دقت کرده است که نه خود شخص به تکلیف باشد و نه برای دیگران آسیب و ضرر برساند .

مطلب دهم : مشابه به کفش های زنان نباشد

عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال : « لعن رسول الله - ﷺ - الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل »^(۳).

" ابو هريرة - رضی الله عنه - میگوید : رسول اکرم - ﷺ - مردی که لباس زن را میپوشد و زنیکه لباس مرد را میپوشد نفرین نموده اند" .

برای عایشه - رضی الله عنها - گفته شد که خانمی نعل (کفش مرد) را میپوشد؟ . «إن امرأة تلبس النعل، لعن رسول الله - ﷺ - الرجل من النساء»^(۴).

" ابن ابی ملیکه میگوید : برای عایشه - رضی الله عنها - گفته شد که خانمی موزه میپوشد ، پس عایشه - رضی الله عنها - فرمود : لعنت کرد رسول اکرم - ﷺ - زنایکه خود را شبیه مردان میسازند" .

۱- سنن دارمی : ج ۲ - ص ۱۳۲۰ . این حدیث در مستدرک حاکم نقل شده است و آنرا صحیح خوانده است . امام ذهبی این حدیث را موضوع گفته است . فرموده است که احسبه موضوعا . المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ - ص ۱۳۲ .

۲- التیسیر بشرح جامع الصغیر. ج ۱ - ص ۱۲۱ .

۳- سنن ابی داود : ج ۴ - ص ۶۰ . مسند احمد بن حنبل ج ۱۴ - ص ۶۱ . شیخ البانی حکم بر صحت حدیث نموده است .

۴- همان : ج ۴ - ص ۶۰ . شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است .

برای مردان جایز نیست که خود را در لباس و زینت و هیأت و شکل مشابه زنان بسازد و همچنان برای زنان جایز نیست که خود را مشابه مردان بسازد و همچنان در رفتار و کردار خود را شبیه به یکدیگر بسازد.

اما باعتبار خلقت باشد باکی ندارد ، یعنی رسول اکرم - ﷺ - زنانیکه خود را مشابه مردان میساختند در هیات و شکل ، اما در علم و نظر منفور نبوده و محمود است که زن هم مثل در پی آموختن بوده باشد پس باکی ندارد (۱).

۱- عون المعبود ، ج ۱۱ - ص ۱۰۵ .

نتیجه گیری

هر چند من ادعاء ندارم که تمام جوانب، اسلوبها و مظاهر لباس در سنت مطهره نبوی - ﷺ - طور کامل در این رساله بحث و تحقیق شده است، ولی تا حد توان بشری تمام سعی و تلاشم را بخرچ دادم تا حق موضوع، طور که لازم است اداء گردد، و اگر بمقتضای طبیعت بشری و یا نقص علمی هر نوع اشتباه صورت گرفته باشد، و یا در نسبت چیزی بسوی الله و یا کتاب او - که سزاوار جلال و کمال او تعالی نیست - سوء تعبیر و یا غلط کرده باشم، اولاً از پروردگار غفار و مهربانم مغفرت میخوام، ثانیاً از تمام کسانی که از هر طریق ممکن در اصلاح اشتباهاتم یاری و کمک میکنند، با تاسی به حدیث رسول الله - ﷺ - " مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ، لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ" (۱) سپاس گذاری نموده و از الله - ذوالجلال - برایشان پاداش خیر و اجر جزیل خواهانم، و این بحث ماستری (لباس در روشنی سنت نبوی - ﷺ) را در نقاط ذیل نتیجه گیری نموده ام که قرار ذیل است:

- ۱ - لباس از جمله فرایض مستحکم و از جمله دستورات الهی و شرعی میباشد .
- ۲ - زندگی برای انسان بدون لباس، ستر و پوشش امکان ندارد، چون کالبد انسانی مرکب از روح و جسم است، بناء برای سلامتی جسم آن لباس ظاهری و حسی مطلوب بوده و برای سلامتی روح و معنویت آن لباس تقوا مطلوب میباشد، که شریعت اسلامی به هر دوی آن اهمیت و جایگاه خاصی را قایل شده، گونه های مختلف آن را همانا لباس حسی و معنوی میباشد .
- ۳ - لباس از لحاظ لغوی به مفاهیم مختلف تذکر رفته است، پس لباس در لغت بمعنی التباس، اشتغال، مخالطت، مداخله، آنچه که بدن به آن ستر میگردد، آنچه که پوشیده شده و بدن به آن ستر میگردد، و اطلاق لباس به آن چیزی میشود که انسان آنرا میپوشد.
- ۴ - لباس از لحاظ مفهوم اصطلاحی آن به چیزی اطلاق میگردد که مناسب برای پوشیدن بوده و برای ستر عورت، وقایه از اذیت گرمی، سردی و غیر آن و همچنان برای زینت، جمال و امثال آن میباشد.
- ۵ - لباس یک مسئله فطری و شرعی است، یقیناً که الله متعال از میان تمام مخلوقات بشریت را بهترین مخلوقات توصیف نموده است که به آن تاج کرامت نهاده است و به آن چیز های را مشروع قرار داده است که ضرورت زندگی به آن بوده است.
- ۶ - لباس از جمله چیز های است که رسول اکرم - ﷺ - بر آن اهمیت ویژه ی قایل بوده اند و از جمله سنت های قولی، فعلی و تقریری رسول اکرم - ﷺ - ثابت بوده است .

۱ - تخریج شان گذاشت.

- ۷ - در ابعاد مختلف زندگی و شرایط گوناگون جوی ، گرمی و سردی ، آنچه که سد فولادین در برابر یخ بندی ها و هوای سرد زمستان و حرارت تابستان قرار میگیرد ، تنوع لباس است .
- ۸ - در بعضی از بخش های عبادت نیز از لباس ویژه کار گرفته شده ، قسمیکه در ایام حج نمیتوان از لباس های عادی استفاده نمود ، یعنی حج یک عبادتی است که شریعت اسلامی در اجرای آن لباس مخصوصی را در نظر گرفته است .
- ۹ - به طور کلی میتوان نیازهای انسانی را به دو دسته تقسیم کرد : نیازهای روحی و روانی و نیازهای جسمی . از مهمترین نیاز های روحی و جسمی بشر نیاز به پوشاک است ، استفاده از پوشش و لباس نیز آدابی را میطلبد که راه، رسم و چگونگی پوشاک را معین میسازد .
- ۱۰ - مهمترین بعد پوشاک را میتوان بعد فرهنگی آن دانست ، چون حاکی از ارزش ها و هنجار های افراد یک جامعه است ؛ همچنین اهداف فرهنگی مهمترین هدف انسان ها در انتخاب پوشاک است .
- ۱۱ - انسان ها برای کسب منزلت اجتماعی و حفظ شخصیت خود پوششی را بر میگزینند و از طرف دیگر مورد تأیید و تحسین قرار میگیرند .
- ۱۲ - بهترین شکل هر رفتاری را آداب آن میگویند
- ۱۳ - پوشش و لباس عبارت است از این که ما در شیوه پوشش و نوع لباسی که بر می گزینیم بایستی به لحاظ اقتصادی ، روان شناسی ، فرهنگی و دینی بهترین و نیکوترین انتخاب را داشته باشد .
- ۱۴ - در لباس پوشی اعتدال و توسط در نظر گرفته شود .
- ۱۵ - در لباسهای که زیبا و منقش بوده باشد فخر و تکبر نکند و در لباسهای که در حالت تنگدستی و فقر بدست میآورد و یا میپوشد باید بی صبر ، بی حوصله و نا رضا نباشد .
- ۱۶ - دین مقدس اسلام در باب پوشش پرهیز از تفاخر ، تکبر ، ریاء و تشبیه آن به لباس زنان دستور داده است .
- ۱۷ - لباس مرد نباید به رنگ زعفران رنگ آمیزی شده باشد ، پس از برخی از آن احادیث حرام بودن استفاده از لباسی که به رنگ زعفران رنگ آمیزی شده باشد دانسته میشود و از برخی از آنها جواز آن دانسته میشود .
- ۱۸ - در لباس به رنگ سرخ روایاتی که از رسول اکرم - ﷺ - نقل شده است با یکدیگر متعارض است ، چون برخی از آن احادیث وارده دلالت بر پوشیدن رسول اکرم - ﷺ - لباسهای سرخ را دارد و برخی دیگری بر نپوشیدن شان دارد .

- ۱۹ - لباس سفید یگانه لباسی است که رسول اکرم - ﷺ - آنرا خوش داشتند، تمام علما اتفاق دارند بر اینکه پوشیدن لباس سفید و کفن کردن مرده ها به آن سنت است.
- ۲۰ - علماء میگویند پوشیدن لباس سیاه جایز است ، و از رسول الله (ﷺ) هم ثابت است که در روز فتح که عمامه سیاه بسر داشتند .
- ۲۱ - تمام دانشمندان و علمای اسلام اتفاق کردند بر جواز لباس به رنگ زرد که رنگ خود لباس زرد باشد و به رنگ زعفران رنگ آمیزی نشده باشد .
- ۲۲ - به اتفاق دانشمندان پوشیدن لباس سبز نه تنها جایز بوده بلکه مستحب است ، چون لباس اهل جنت سبز است ، همچنان رنگ سبز از مفید ترین و زیبا ترین رنگهای است که به نظر و دید انسان خوب و خوش میخورد .
- ۲۳ - عمامه از جمله لباسهای به شمار میآید که رسول اکرم - ﷺ - آنرا استفاده نموده اند ، حافظ ابن حجر - رحمه الله - میگوید : وفق تحقیقاتی که با شرایط داشته اش انجام داده است برای سنت بودن عمامه اثری ثابت از رسول اکرم - ﷺ - ثابت نیافته است. و همچنان کلاه و رداء از جمله لباس های سر بوده و مشروع میباشد . و نیز در میان این لباس ها پوشاک های است که مخصوص جسم و بدن میباشد : از جمله میتوان لباس ، پیراهن ، شلوار ، برنس (جامه کلاه دار) ، جمپر و کورتی و غیره میباشد .
- ۲۴ - لباس های دست و پای همچون خاتم و ساعت نظر به شرایطی مشروع میباشد.
- ۲۵ - پا پوش با انواع و اقسام مختلف آن مشروع بوده که تنها به پا پوش های زنان مشابته نداشته باشد .
- ۲۶ - پوشیدن لباس از دیدگاه شریعت اسلامی ، بر وفق اصولی میباشد که دین مقدس اسلام آنرا در نظر گرفته است ، بنابراین اهل اسلام شدیداً بر رعایت آن مکلف میباشند .
- ۲۷ - لباس شرایطی را دارا بوده که رعایت آن لازمی است .
- ۲۹ - لباس از نوع لباس حرام ، حریر ، دیباج ، استبرق و طلا نبوده باشد . و همچنان از شرایط لباس عبارت از نوع لباس و وصف آن مخالف سنت نباشد ، مشابه به لباس کفار نباشد ، مشابه به لباس زنان نباشد ، اسبالم صورت نگرفته باشد ، لباس تصویر دار و نوشته دار نبوده باشد ، اسراف در لباس صورت نگرفته باشد و همچنان لباس پوشاننده عورت بوده باشد .

پیشنهادات

اینکه چگونه از شیوه های لباس پوشی رسول اکرم - ﷺ - استفاده بکنیم ؟ و چگونه راهای عملی و سازنده با هر نوع افراط و تفریط را دریابیم ؟ من موارد ذیل را در راستائی پوشش لباس مطابق آموزه های اسلام و رهنمود های رسول الله (ﷺ) پیشنهاد میکنم:

۱- علماء و استاذان چیزفهم دانشگاهها از طریق زحمات علمی و نشر رسائل و بروشورها ، بازبان های مختلف ملی و بین المللی ، باید تمام وسع و توان خود رامبذول نمایند که شیوه پوشش ولباس اسلامی را طبق آنچه که هست برای مردم برسانند ، تا مردم به صورت اساسی از این بحث معلومات لازم وکافی را بدست آورده بعد از فهم به آن عامل کنند.

۲- برگذاری کنفرانسها، سیمینارها و حلقات پیرامون اهمیت پوشش لباس و حجاب در اسلام و حقیقت آن ، و بیان اثرات ایجابی پوشش اسلامی در حیات مسلمین و بیان تاثیرات منفی لباس های غیر اسلامی در بی نظمی و بی بندوباری جوامع اسلامی و انسانی ، نیز مفید خواهد بود .

۳- تربیت و آراسته کردن نسل جوان اعم از شاگردان مدارس ، مکاتب و خصوصا محصلین دانشگاهها باروش عملی پوشش درست و مناسب که از این طریق خلل های موجود در محیط جوامع اسلامی برداشته شود .

۴- سخن اخیراینکه در شیوه استفاده و پوشش لباس اسلامی ، عده قابل ملاحظه ی دچار اشتباه هستند ، دیده میشود خشک وتر ، خوب و خراب را یکجا کردند، پوشش ولباس اسلامی را از پوشش ولباس های مستهجن غربیان و دشمنان اسلام فرق نمی کنند، بهتر است که یک مضمون مستقل در دوره مکتب و یامدرسه ، تحت عنوان لباس و پوشش اسلامی تدریس شود تا این موضوع به شکل عملی آن در جامعه عام و تطبیق گردد.

از این جهت ضرور و لازم میدانم که مفهوم حقیقی لباس از دیدگاه سنت نبوی (ﷺ) از چیزهای که بر آن برچسپ زده شده است ، تصفیه گردد و درشناخت و پوشش لباس اسلامی تنها از مصادراصلی اسلام یعنی قرآن و سنت ، آنهم باروش فهم سلف و علمای امت استفاده شود ؛ زیرا آخرامت تنها به چیزهای قابل اصلاح است که اول امت به آن اصلاح شده بود .

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سید المرسلین و علی آله و

صحابه و من و آله الی یوم الدین.

ملخص البحث

ملخص هذه الرسالة كما يلي:

لباس المسلم هو زينته وجماله، ولا يجعل المسلم ثيابه سبباً لكبريائه وغرورته. بالطبع، الرغبة في ارتداء الملابس الجميلة ليست سبباً للفخر. وظن بعض الصحابة رضي الله عنهم أن هذا دليل على كبريائهم وأنانيتهم، وقد حزنوا على ذلك، ولكن رسول الله صلى الله عليه وسلم طمأنهم بقوله: «إن الله جميل يحب الجمال».

لا تنفق الكثير من المال على شراء الملابس لأنها تعتبر باهظة الثمن والإسراف والتبذير، فالأفضل أن تكون معتدلاً والاعتدال في كل شيء مرغوب فيه ومطلوب فيه.

في نوع الملابس علينا أن نختار الملابس المناسبة لحالتنا، وعلى المرأة أن لا تلبس ملابس الرجال، كما أنه لا يجوز للرجال لبس ملابس النساء. جاء في حديث عن النبي صلى الله عليه وسلم: «لعن رسول الله ﷺ الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل».

كما يجب على الرجل الامتناع عن لبس الملابس الحريرية والمصوغات الذهبية: يقول رسول الله صلى الله عليه وسلم: «حُرِّمَ لباس الحرير والذهب على ذكور أمتي، وأحل لإناثهم».

وأيضاً الملاءمة والحجم المناسبين للملابس مهمان للغاية. لا يرتدي صاحب القامة الصغيرة ملابس كبيرة ولا يرتدي صاحب اللياقة البدنية الكبيرة ملابس صاحب اللياقة البدنية الصغيرة حتى لا تسبب السخرية، كما أن يكون لونها مناسباً لعمر الناس.

كما تستحب ارتداء الأبيض كثيراً قال نبي الله صلى الله عليه وسلم: «البسوا من ثيابكم البياض؛ فإنها أظهر وأطيب، وكفّنوا فيها موتاكم». أي: البس ثيابك البيضاء وهي من أحسن ثيابك وادفن فيها موتاك. هذه الوصية من أجل الاستحباب والندب، وليس من أجل الإلزام. ونتيجة لذلك، لا يحظر على الإنسان ارتداء ألوان أخرى مناسبة.

أن تشكر الله تعالى على الثوب الجديد، لأن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يلبس ثوباً جديداً سمي باسمه (قميصاً أو ثوباً أو عمامة)، ويقول: «اللهم لك الحمد. أنت كسوتني أسألك من خيره وخير ما صنع له، وأعوذ بك من شره وشر ما صنع له».

والمسلم يحمد ربه على نعمة ثيابه ويقراً هذا الدعاء: « الحمد لله الذي كساني ما أوارى به عورتي وأتجمل به في الناس».

وكان النبي صلى الله عليه وسلم يقول لأصحابه حينما كانوا يرتدون الثوب الجديد: اجعله قديماً وأعاده الله لك. رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم عمر بن الخطاب رضي الله عنه وهو يرتدي ثياباً جديداً، فقال له: «البس جديداً، وعش حميداً، ومت شهيداً».

لابد على المسلم أن يراعي الآداب ويلبسها من جهة اليمين عند لبس الثوب. وقد أهتم النبي صلى الله عليه وسلم مزيداً من الاهتمام على الأيمن في كل ما يفعله، وعندما أراد إخراجها من جسده ، يبدأ من اليسار.

يحاول المسلم أن يحافظ على نظافة ثيابه، ونظافة الملابس تمنح الشخص الاحترام والكرامة اللازمين في المجتمع.

يستحب الطيب والرائحة في الثياب، كلما أعطى أحد من الاصحاب هدية للنبي صلى الله عليه وسلم من الطيب، لم يرفضها النبي (صلى الله عليه وسلم) ، فقد أحب النبي (صلى الله عليه وسلم) الطيب والرائحة المعطرة، فما أجمل أن تكون ملابس المسلمين المعطرة.

وصلى الله وسلم على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم

شكر الله "اميرى"

فهرست آیات قرآن کریم

شماره صفحه	نام سوره	آیات قرآن کریم	شماره
۱۳	سوره طه آیت : ۱۱۸ - ۱۱۹	{إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى () وَأَنْتَ لَا تَطْمَأَنُّ فِيهَا وَلَا تَضْحَى }	۱
۱۸	سوره اسراء آیه : ۷۷	{سُنَّةٌ مِّن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا }	۲
۶۳	سوره انسان ، آیت : ۲۱	{عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ }	۳
۲۳	سوره نساء ، آیت : ۶۵	{فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ }	۴
۱	سوره بقره : آیت ، ۱۴۳	{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ }	۵
۶۳	سوره رحمن ، آیت : ۵۴	{مُتَكَبِّرِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ }	۶
۲	سوره انعام : آیت / ۱۵۳	{وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ }	۷
۱۲	سوره بقره : آیت ۴۲	{وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ }	۸
۱۱۵	سوره اسرا ، آیت : ۷۰	{وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ }	۹
۱۲	سوره الانعام : آیت ۹	{وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ }	۱۰
۶۳، ۱۱	سوره كهف آیت : ۳۱	{وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ }	۱۱
			۱۲
۱	سوره آل عمران : آیت ، ۱۱۰	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ }	۱۳
۱	سوره احزاب : آیت ، ۷۰	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا }	۱۴
۱	سوره النساء : آیت ، ۱	{يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا }	۱۵
۱۵، ۱۱	سوره اعراف آیت : ۲۶	{يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا }	۱۶
۶۳	سوره كهف ، آیت : ۳۱	{يُحَلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ }	۱۷
۶۳	سوره دخان ، آیت : ۵۳	{يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ }	۱۸

فهرست آحادیث شریف

شماره صفحات	راوی حدیث	آحادیث شریف	شماره
۵۹	عثمان النهدي	«أتانا كتاب عمر، ونحن مع عتبة بن فرقد بأذربيجان»	۱.
۵۴	أبي ذرّ	«أَتَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَعَلَيْهِ تَوْبٌ أَبْيَضٌ، وَهُوَ نَائِمٌ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ وَقَدْ اسْتَيْقَظَ،»	۲.
۵۱	أُمّ خَالِدِ بِنْتِ خَالِدِ بْنِ سَعِيدٍ	«أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَعَ أَبِي وَعَلَيَّ قَمِيصٌ أَصْفَرٌ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «سَنَّهُ سَنَةٌ» وَهِيَ بِالْحَبَشِيَّةِ حَسَنَةٌ.»	۳.
۷۷، ۷۵	بهبز بن حكيم	«احفظ عورتك إلا من زوجتك أو ما ملكت يمينك»	۴.
۵۸	علي ابن ابى طالب	«اخذ رسول الله - ﷺ - حريرا بشماله و ذهباً بيمينه ، ثم رفع بهما يديه فقال : إن هذين حرام على ذكور امتى ، حل لإناثهم»	۵.
۴۵	عيسى بن طهمان	«أخرج إلينا أنس نعلين جرداوين (جرداوتين) لهما قبالان فحدثني ثابت البناني بعد عن أنس أنهما نعلا النبي (ﷺ)»	۶.
۱۶	أبي هريرة	«إِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلَاةِ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ»	۷.
۹۲، ۴۷	أنس بن مالك	«إِذَا أَكَلْتُمُ الطَّعَامَ فَاخْلَعُوا نَعَالَكُمْ فَإِنَّهُ أَرْوَحُ لِأَقْدَامِكُمْ»	۸.
۹۳، ۴۷	أنس بن مالك	«إِذَا أَكَلْتُمُ فَاخْلَعُوا نَعَالَكُمْ فَإِنَّهُ أَرْوَحُ لِأَبْدَانِكُمْ»	۹.
۹۱، ۴۶	أبي هريرة	«إِذَا اتَّعَلَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيَمِينِ ، وَ إِذَا انْزَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ ، لِيَكُنَ الْيَمْنَى أَوْلَهُمَا تَتَعَلَّ وَ آخِرُهُمَا تَنْزَعُ»	۱۰.
۹۲، ۴۶	أبي هريرة	«إِذَا انْقَطَعَ شَيْءٌ أَحَدُكُمْ فَلَا يَمَسْ فِي الْآخِرَى حَتَّى يَصْلِحَهَا»	۱۱.
۹۳، ۴۷	ابى امامة باهلى	«إِذَا قَرَّبَ إِلَى أَحَدِكُمْ طَعَامُهُ وَفِي رِجْلَيْهِ نَعْلَانِ فَلْيَنْزِعْ نَعْلَيْهِ فَإِنَّهُ أَرْوَحُ لِلْقَدَمَيْنِ وَ هُوَ مِنَ السَّنَةِ»	۱۲.
۸۴	جابر بن عبد الله	«إِذَا كَفَنَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ، فَلْيَحْسِنْ كَفْنَهُ»	۱۳.
۸۴	أبي قتادة	«إِذَا وَلِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ، فَلْيَحْسِنْ كَفْنَهُ»	۱۴.
۲۹	أبي سعيد	«إِزْرَةُ الْمُؤْمِنِ إِلَى أَنْصَافِ سَاقِيهِ، لَا جَنَاحَ عَلَيْهِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ، وَمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ فِي النَّارِ»	۱۵.
۲۹	ابى سعيد الخدرى	«إِزْرَةُ الْمُؤْمِنِ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَلَا حَرْجَ أَوْ لَا جَنَاحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْكَعْبَيْنِ»	۱۶.
۵۶	عبد الله بن زيد	«اسْتَسْقَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَعَلَيْهِ خَمِيصَةٌ سُودَاءُ»	۱۷.
۷۷	المسور بن مخرمة	«أَقْبَلْتُ بِحَجَرٍ أَحْمَلُهُ ثَقِيلٌ وَعَلِي إِزَارٌ خَفِيفٌ، قَالَ: فَانْحَلْ إِزَارِي وَمَعِيَ الْحَجَرُ لَمْ أُسْتَطِعْ أَنْ أَضْعَهُ»	۱۸.
۷۰	عبدالله ابن عمر	«الإِسْبَالُ فِي الْإِزَارِ وَالْقَمِيصِ وَالْعِمَامَةِ مَنْ جَرَّ مِنْهَا شَيْئًا خِيَلًا لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»	۱۹.
۹۰	أبي هريرة	«الإِيمَانُ بَضْعٌ وَسِتُونَ شَعْبَةً، وَ الْحَيَاءُ شَعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» أَبِي هُرَيْرَةَ	۲۰.
۵۲	سمرة بن جندب	«الْبَسُوا ثِيَابَ الْبَيَاضِ فَإِنَّهَا أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ وَكَفَنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ»	۲۱.
۸۵	ابن عباس	«الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ، وَكَفَنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ»	۲۲.

٢٣.	«البيعان بالخيار ما لم يتفرقا»	ابن عباس	١٩
٢٤.	«الشَّهَدَاءُ أَرْبَعَةٌ: رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيمَانِ، لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَدَّقَ اللَّهَ حَتَّى قُتِلَ»	عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ	٣٢
٢٥.	«الفخذ عورة»	ابن عباس	٧٨
٢٦.	«اللهم اغفر للمتسرولات من امتي».		٣٦
٢٧.	«أمرنا النبي (ﷺ) بسبع ونهانا عن سبع أمرنا بعبادة المريض واتباع الجنابة»	البراء	٤١
٢٨.	«أن ابن عمر، كان يصبغ لحيته بالصفرة حتى تمتلئ ثيابه من الصفرة فقليل له لم تصبغ بالصفرة»	زيد ابن أسلم	٥١
٢٩.	«إن الدنيا تفتح عليكم، فإيا ليت أمتي لا يلبسوا الديباج»	حذيفة	٦٢
٣٠.	«إن الله - عز وجل - أحل لإناث أمتي الحرير والذهب، وحرمه على ذكورها»	أبي موسى	٦٠
٣١.	«إن الله عز وجل ستير، فإذا أراد أحدكم أن يغتسل فليتوار بشيء»	صفوان بن يعلى	٧٦
٣٢.	«أن النبي - ﷺ - أهديت له أقبية من ديباج»	عبد الله بن أبي مليكة	٣٩
٣٣.	«أن النبي - ﷺ - رخص لعبد الرحمن بن عوف، والزبير في قميص من حرير، من حكة (القمل) كانت بهما»	انس ابن مالك	٦١
٣٤.	«أن النبي - ﷺ - صلى في خميصة لها أعلام، فنظر إلى أعلامها نظرة»	عائشة	٧٢
٣٥.	«أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يلبس النعال السبتية، ويصفر لحيته بالورس، والزعفران»	ابن عمر	٥٢
٣٦.	«أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يلبس بردة الأحمر في العيدين والجمعة»	جابر	٤٩
٣٧.	«أن النبي - ﷺ - كان خاتمه من فضة وكان فسه منه»	انس ابن مالك	٤٣
٣٨.	«أن النبي (ﷺ) خطب بعرفات : من لم يجد ازارا فليلبس سراويل للمحرم»	ابن عباس	٣٧
٣٩.	«ان النبي (ﷺ) نهى عن هاتين اللبستين ، المرتفعة و الدون»	ابن عمر	٢٦
٤٠.	«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى عَلَى عُمَرَ قَمِيصًا أَبْيَضَ، فَقَالَ: «جَدِيدٌ قَمِيصُكَ أَوْ غَسِيلٌ؟»	ابن عمر	٥٥
٤١.	«إن امرأة تلبس النعل لعن رسول الله (ﷺ) الرجل من النساء»	ابن ابي مليكة	٩٣، ٤٨
٤٢.	«عرفجة بن أسعد قطع أنفه يوم الكلاب فاتخذ أنفا من ورق فأنتن عليه فأمره النبي -صلى الله عليه وسلم- فاتخذ أنفا من ذهب»	عبد الرحمن بن طرفة	٥٨
٤٣.	«أن رجلا سأله ما يلبس المحرم فقال : لا يلبس القميص ولا العمامة ولا السراويل»	ابن عمر	٣٧
٤٤.	«أن رسول الله - ﷺ - رأى على عمر قميصا أبيض فقال: ثوبك هذا غسيل أم جديد؟ قال : لا، بل غسيل. قال: البس جديدا، وعش حميدا، ومت شهيدا»	ابن عمر	٨٩، ٥٤
٤٥.	«أن رسول الله - ﷺ - قال : من أكل طعاما ثم قال: الحمد لله الذي أطعمني هذا الطعام، ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة، غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»	معاذ	٨٩

٤٦	«أن رسول الله - ﷺ - كان ينقل معهم الحجارة للكعبة وعليه إزاره»	جابر بن عبد الله	٧٧
٤٧	«أن رسول الله - ﷺ - كفن حمزة بن عبد المطلب في نمرة في ثوب واحد»	جابر بن عبد الله	٨٣
٤٨	«أن رسول الله - ﷺ - كفن في ثلاثة أثواب يمانية بيض، سحولية من كرسف ليس فيهن قميص ولا عمامة»	عائشة صديقه	٨٢، ٥٣
٤٩	«أن رسول الله - ﷺ - نهى عن اشتغال الصماء والاحتباء في ثوب واحد»	جابر بن عبد الله	٨١
٥٠	«أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأى خاتما من ذهب في يد رجل فنزعه فطرحة»	عبد الله بن عباس	٦٤
٥١	«أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - رأى رجلا يغتسل بالبراز بلا إزار، فصعد المنبر، فحمد الله وأثنى عليه»	يعلى	٧٥
٥٢	«أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نهى عن لبس الحرير والذهب إلا مقطعا»	معاوية	٦٠
٥٣	«أن رسول الله - ﷺ - قال : الذي يشرب في إناء (أنية) الفضة و الذهب إنما يجر جر في بطنه نار جهنم»	أم سلمة	٦٦
٥٤	«أن رسول الله (ﷺ) قال : « لا يمشی احدكم فى نعل واحدة ليحفهما جميعا او لينعلهما جميعا »	ابى هريرة	٩٢ - ٤٦
٥٥	«أن رفاعة طلق امرأته، فتزوجها عبد الرحمن بن الزبير القرظي»	عكرمة	٥٠
٥٦	«أن سائلا سأل رسول الله - ﷺ - عن الصلاة في الثوب الواحد؟ فقال أولكلكم ثوبان»	أبي هريرة	٧٩
٥٧	«أن عمر بن الخطاب رأى رجلا قد حلق قفاه ولبس حريرا فقال : من تشبه بقوم فهو منهم»	قتادة	٦٧
٥٨	«أن عمر خرج فرأى حلة إستبرق تباع في السوق،»	ابن عمر	٦٤
٥٩	«إن مما أدرك الناس من كلام النبوة، إذا لم تستحي فاصنع ما شئت»	أبي مسعود	٩٠
٦٠	«أن نسوة من أهل حمص استأذن على عائشة، فقالت: لعلكن من اللواتي يدخلن الحمامات»	أبي المليح الهذلي	٧٧
٦١	«انطلقت مع أبي نحو النبي - ﷺ - : «فرأيت عليه بردين أخضرين»	ابى رمته	٥٠
٦٢	«انما الاعمال بالنيات».	عمر	١٩
٦٣	«انما يلبس الحرير فى الدنيا من لا خلاق له فى الآخرة»	ابن عمر	٥٨
٦٤	«أنه رأى عليا أتى غلاما حدثا، فاشترى منه قميصا بثلاثة دراهم، ولبسه إلى ما بين الرسغين إلى الكعبيين»	أبي مطر	٨٨
٦٥	«أنه كان إذا سجد يضع كفيه على الذي يضع عليه وجهه، قال: ولقد رأيتاه (ﷺ) في يوم شديد البرد يخرج يديه من تحت برنس له»	ابن عمر	٣٨
٦٦	«أنه كره السدل في الصلاة مخالفة لليهود و قال : إنهم يسدلون»	ابن عمر	٨١
٦٧	«أنه لما حضره الموت، دعا بثياب جدد فلبسها»	أبي سعيد الخدري	٨٣

٦٨	أبي هريرة	«أنه نهى أن يلبس الرجل لبسة المرأة والمرأة لبسة الرجل»
٦٩	عبدالله ابن عمر	«إني رأيت رسول الله (ﷺ) يصبغ بها ، فأنا أحب أن أصبغ بها»
٧٠	عبدالله ابن عمر	«إني لأحب أن أنظر إلى القارئ ابيض الثياب» -
٧١	عبدالله ابن عمر	«إياكم والتعري فإن معكم من لا يفارقكم إلا عند الغائط وحين يفضي الرجل إلى أهله، فاستحيوهم وأكرمهم»
٧٢	عبدالله ابن عمر	«بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله وحده لا يشرك به شيء»
٧٣	أبي هريرة	«بعثني أبو بكر في تلك الحجة في مؤذنين يوم النحر، تؤذن بمنى: أن لا يحج بعد العام مشرك ولا يطوف بالبيت عريان»
٧٤	أبا سعيد الخدري	«بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ رَأَيْتُ النَّاسَ يُعْرَضُونَ وَعَلَيْهِمْ قُمْصٌ مِنْهَا مَا يَبْلُغُ الثَّدْيَ وَمِنْهَا مَا يَبْلُغُ دُونَ ذَلِكَ وَمَرَّ بِنُ الْخَطَابِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ يَجْرُهُ»
٧٥	عمر بن فلان الأنصاري	«بينما هو يمشي قد أسبل إزاره، إذ لحقه رسول الله - ﷺ - وقد أخذ بناصية نفسه وهو يقول: اللهم عبدك، ابن عبدك، ابن أمتك»
٧٦	ابن عمر	«بينما رجل يجر إزاره من الخيلاء، خسف به، فهو يتجلجل في الأرض إلى يوم القيامة»
٧٧	أبي هريرة	«بينما رجل يصلي مسبلا إزاره فقال له رسول الله - صلى الله عليه وسلم - اذهب فتوضأ فذهب فتوضأ ثم جاء»
٧٨	ابن عمر	«تركت فيكم امرين لن تضلوا ما تمسكنم بهما كتاب الله و سنة رسوله»
٧٩	أبي ذر	«ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر إليهم ولا يزكهم ولهم عذاب أليم»
٨٠	عائشه	«ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى رُئِيَ بَيَاضُ إِبْطِيهِ ثُمَّ حَوَّلَ إِلَى النَّاسِ ظَهْرَهُ وَقَلَبَ رِدَاءَهُ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَيْهِ»
٨١	أنس بن مالك	«جذب أعرابي رداء النبي - صلى الله عليه وسلم -»
٨٢	أنس بن مالك	«حسر النبي - صلى الله عليه وسلم - عن فخذه»
٨٣	ابو امامة	«دعا رسول الله - ﷺ - بخفيه يلبسهما ، فلبس احدهما ، ثم جاء غراب فاحتمل الاخرى ، فرمى بها»
٨٤	عمر بن حريث	«رأيت النبي - صلى الله عليه وسلم - على المنبر وعليه عمامة سوداء، قد أرخى طرفها بين كتفيه»
٨٥	سعد ابن ابي وقاص	«رأيت بشمال النبي (ﷺ) و يمينه رجلين ، عليهما ثياب بيض يوم احد ما رايتهما قبل و لا بعد»
٨٦	عمر بن أبي سلمة	«رأيت رسول الله - ﷺ - يصلي في ثوب واحد مشتملا به في بيت أم سلمة واضعا طرفيه على عاتقيه»
٨٧	أبي سلمة	«رأيت رسول الله - ﷺ - يصلي في ثوب واحد ملتحفا مخالفا بين طرفيه»»
٨٨	أبي جحيفة	«رأيت رسول الله - ﷺ - في قبة حمراء من آدم»
٨٩	عبد الله بن جعفر	«رأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وعليه ثوبان مصبوغان بالزعفران: رداء، و عمامة»

٣٠	جابر	«رايت رسول الله (ﷺ) دخل يوم فتح مكة و عليه عمامة سوداء»	٩٠
٤٤	ابن عمر	«رايت رسول الله (ﷺ) يلبس النعال التي ليس فيها شعر و يتوضأ فيها فانا احب ان البسها»	٩١
٣٠	عمر و بن حريث	«رايت على النبي صلى الله عليه وآله وسلم عمامة حرقانية»	٩٢
٣٧	انس ابن مالك	«رأيت على انس برنسا اصفر من خز»	٩٣
٦٢	حذيفة	«سمعت النبي - ﷺ - يقول لا تلبسوا الحرير ولا الديباج ولا تشربوا في أنية الذهب والفضة»	٩٤
٤٤	جابر بن عبدالله	«سمعت رسول الله (ﷺ) يقول : في غزوة غزوناها : استكثروا من النعال ؛ فإن الرجل لا يزال راكبا ما انتعل»	٩٥
٥٦	عائشة	«صنعت لرسول الله - ﷺ - بردة سوداء، فلبسها»	٩٦
٥٠	يُعلَى بن أمية	«طَافَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُضْطَبِعًا بِبُرْدٍ أَحْضَرَ»	٩٧
٨٥	سمرة	«عليكم بالبياض من الثياب فليلبسها أحياءكم، وكفنوا فيها موتاكم، فإنها من خير ثيابكم»	٩٨
٧٨	جرهد	«غط فخذك فإنها من العورة»	٩٩
٧٨	ابن عباس	«غط فخذك، فإن فخذ الرجل من عورته»	١٠٠
٥٩	عمر ابن الخطاب	«فإن رسول الله - ﷺ - نهى عن لبوس الحرير»	١٠١
٣٣	على	«فدعا النبي (ﷺ) - بردائه فارتنى ثم انطلق يمشي واتبعته أنا وزيد بن حارثة»	١٠٢
١٩	ابي هريره	«فعليتكم بسنتي و سنة الخلفاء الراشدين»	١٠٣
١٩	ابن عمر	«فمن رغب عن سنتي فليس مني»	١٠٤
٧١	عائشة	«قدم رسول الله - صلى الله عليه وسلم - من سفر، وقد سترت بقرام لي على سهوة لي فيها تماثيل»	١٠٥
٢٠	ابن عباس	«قدمت الضب لرسول الله - صلى الله عليه وسلم»	١٠٦
٣٩	مسور بن مخرمه	«قدمت على النبي - صلى الله عليه وسلم - أقبية»	١٠٧
٣٩	مسور بن مخرمه	«قسم رسول الله (ﷺ) أقبية ولم يعط مخرمة منها شيئا»	١٠٨
٧٧،٧٥	بهبز بن حكيم	«قلت يا رسول الله - ﷺ - عوراتنا ما نأتي منها وما نذر؟ قال «احفظ عورتك إلا من زوجتك أو ما ملكت يمينك»	١٠٩
٣٦	ابي امامه	«قلت يا رسول الله (ﷺ) ان اهل الكتاب يتسولون و لا ياتزرون ، فقال رسول الله (ﷺ) تسولوا و انتزروا ، و خالفوا اهل الكتاب»	١١٠
٣٤	أم سلمة	«كان أحب الثياب إلى رسول الله - ﷺ - القميص»	١١١
٤٦	عائشة	«كان النبي - ﷺ - يعجبه التيمن في تنعله و ترجله و طهوره و في شأنه كله»	١١٢
٣١	ابن عمر	«كان النبي - صلى الله عليه و سلم - إذا اعتم سدل عمامته بين كتفيه»	١١٣

١١٤ .	«كان رسول الله - ﷺ - إذا استجدّ ثوبا سماه باسمه عمامة أو قميصا أو رداء ثم يقول اللهم لك الحمد كما كسوتنيه»	أبي سعيد الخدري	٨٨
١١٥ .	«كان رسول الله - ﷺ - يلبس قميصا فوق الكعبين»	ابن عباس	٣٤
١١٦ .	«كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يلبس قميصا فوق الكعبين مستوي الكمين بأطراف أصابعه»	ابن عباس	٢٧
١١٧ .	«كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يلبس قميصا قصير اليدين، والطول»	ابن عباس	٣٥
١١٨ .	«كان عليه برنس كساه إياه النبي صلى الله عليه وسلم»	أبا قرصافة	٣٨
١١٩ .	«كان قرام لعائشة، سترت به جانب بيتها ، فقال لها النبي - صلى الله عليه وسلم - : « أميطي عني، فإنه لا تزال تصاويره تعرض لي في صلاتي»	انس بن مالك	٧١
١٢٠ .	«كان يد قميص رسول الله - ﷺ - أسفل من الرسغ»	ابن عباس	٣٤
١٢١ .	«كان يلبس قلنسوة بيضاء»	ابن عمر	٣٢
١٢٢ .	«كان يلبس قميصا فوق الكمين»	ابن عباس	٢٧
١٢٣ .	«كساني رسول الله - صلى الله عليه وسلم - برنسا و قال : « البسه»	أبا قرصافة	٣٨
١٢٤ .	«كفن النبي - ﷺ - في ثلاثة أثواب سحولية بيض»	عائشة	٥٤
١٢٥ .	«كل شيء جاوز الكعبين من الإزار في النار»	ابن عباس	٢٩
١٢٦ .	«كلوا واشربوا والبسوا وتصدقوا، في غير إسراف ولا مخيلة»		٧٢
١٢٧ .	«كلوا واشربوا وتصدقوا والبسوا ما لم يخالطه إسراف، أو مخيلة»	عمرو بن شعيب	٧٣
١٢٨ .	«كلوا، واشربوا، وتصدقوا، والبسوا، في غير مخيلة ولا سرف، إن الله يحب أن ترى نعمته على عبده»	عمرو بن شعيب	٧٣
١٢٩ .	«كنت أمشي مع النبي - ﷺ - وعليه برد نجراني غليظ الحاشية، فأدركه أعرابي ف جذبته جذبة شديدة»	أنس بن مالك	٨٦
١٣٠ .	«كنت مع النبي - صلى الله عليه وسلم - وعليه رداء نجراني غليظ الحاشية»	أنس بن مالك	٣٣
١٣١ .	«كان رسول الله (ﷺ) يلبس من القلائس في السفر ذوات الأذان»	عائشة	٣٢
١٣٢ .	«كان رسول الله (ﷺ) يلبس يوم العيد برة حمراء»	ابن عباس	٤٩
١٣٣ .	«كان كم رسول الله (ﷺ) الى الرسغ»	اسماء بن يزيد	٢٧
١٣٤ .	«كان لنعل النبي (ﷺ) قبالة، و لنعل ابي بكر قبالة و لنعل عمر قبالة و اول من عقد واحدة عثمان»	ابي هريرة	٤٤
١٣٥ .	«كل امتي يدخلون الجنة الا من ابي»	ابو هريره	٢٤
١٣٦ .	«كل ما حرم الله عزوجل كشفه من جسد الانسان ، و امر بستره»		٧٢
١٣٧ .	«كنت قاعدا عند رسول الله (ﷺ) عند البقيع في يوم مطير ، فمرت امرأة على حمار مكار ، فهوت يد الحمار في وهدة فسقطت المرأة ، فأعرض عنها النبي (ﷺ) بوجهه»		٣٦
١٣٨ .	«لا تدخل الملائكة بيتا فيه صورة»	أبي طلحة	٧٢
١٣٩ .	«لا تدخل الملائكة بيتا فيه كلب، ولا صورة تماثيل»	أبي طلحة	٧١

١٤٠	«لا تغال لي في كفن، فإني سمعت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يقول: لا تغالوا في الكفن»	علي بن أبي طالب	٨٤
١٤١	«لا تلبسوا الحرير ولا الديباج، ولا تشربوا في آنية الذهب والفضة، ولا تأكلوا في صحافها، فإنها لهم في الدنيا ولنا في الآخرة»	حذيفة	٥٨
١٤٢	«لا ولكن لم يكن بأرض قومي، فأجدني أعافه»		٢٠
١٤٣	«لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال ذرة من كبر»	ابن مسعود	٢٦
١٤٤	«لا يرى الرجل عورة الرجل، أو قال: لا ينظر الرجل إلى عورة الرجل»	عمر	٧٥
١٤٥	«لا يصل أحدكم في الثوب الواحد ليس على منكبيه منه شيء»	أبي هريرة	٧٩
١٤٦	«لا يصلي أحدكم في الثوب الواحد ليس على عاتقيه شيء»	أبي هريرة	٧٩
١٤٧	«لا يصلين أحدكم العصر إلا في قريظة»		
١٤٨	«لا ينظر الرجل إلى عورة الرجل، ولا المرأة إلى عورة المرأة»	سعيد الخدري	٧٩
١٤٩	«لبس عمر، قميصا جديدا ثم قال: «مد كمي يا بني و الزق بأطراف أصابعي»	عبد الله بن عمر	٢٨
١٥٠	«لبس قميصا وكان فوق الكعيبين و كان كمه مع الأصابع»	ابن عباس	٢٨
١٥١	«لعن رسول الله - ﷺ - الرجل يلبس لبسة المرأة، والمرأة تلبس لبسة الرجل»	أبي هريرة	٤٨
١٥٢	«لعن رسول الله - ﷺ - المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»	ابن عباس	٦٨
١٥٣	«لما كان يوم أحد، انهزم الناس عن النبي - ﷺ - قال : و لقد رأيت عائشة بنت أبي بكر، وأم سليم و إنهما لمشمرتان، أرى خدم سوقهما تنقران القرب»	أنس	٨٢
١٥٤	«ما أسفل من الكعيبين من الإزار ففي النار»	أبي هريرة	٦٩
١٥٥	«من أكرم الناس؟ قال: أتقاهم الله قالوا: ليس عن هذا نسألك، قال: فأكرم الناس يوسف نبي الله، ابن نبي الله، ابن نبي الله، ابن خليل الله»	أبي هريرة	٨٩
١٥٦	«من ترك اللباس تواضعا لله تعالى و هو يقدر عليه»	معاذ ابن انس	٢٦
١٥٧	«من تشبه بقوم فهو منهم»	ابن عمر	٦٦
١٥٨	«من جر ثوبه خيلاء، لم ينظر الله إليه يوم القيامة»	ابن عمر	٨٧
١٥٩	«من حسن اسلام المرء تركه ما لا يعنيه»		٢٠
١٦٠	«من سن سنة حسنة فله أجرها و اجر من عمل بها الى يوم القيامة»		١٨
١٦١	«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدخل الحمام إلا بمئزر»	جابر	٧٦
١٦٢	«من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة»	ابن الزبير	٥٩
١٦٣	«من لم يجد إزارا فليلبس سراويل»	ابن عباس	٣٧
١٦٤	«من لم يجد النعلين فليلبس الخفين، ومن لم يجد إزارا فليلبس سراويل للمحرم»	ابن عباس	٨٥
١٦٥	«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ، لَمْ يَشْكُرِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»		٩٥

١٦٦.	«نهانا النبي - صلى الله عليه وسلم - أن نشرب في أنية الذهب والفضة، وأن نأكل فيها، وعن لبس الحرير والديباج، وأن نجلس عليه»	حذيفة	٥٩
١٦٧.	«نهى النبي - ﷺ - أن يشتمل الصماء، وأن يحتبي الرجل في ثوب واحد»	أبي هريرة	٧٦
١٦٨.	«نهى النبي - صلى الله عليه وسلم - أن يلبس المحرم ثوبا مصبوغا بورس أو بزعفران»	ابن عمر	٨٥
١٦٩.	«نهى النبي - صلى الله عليه وسلم - أن ينظر الرجل إلى عورة الرجل، والمرأة إلى عورة المرأة»	زيد بن أسلم	٧٥
١٧٠.	«نهى رسول الله - ﷺ - عن لبستين وعن بيعتين، نهى عن الملامسة والمنابذة في البيع»	أبا سعيد الخدري	٨٠
١٧١.	«نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن اشتمال الصماء، وأن يحتبي الرجل في ثوب واحد،»	أبي سعيد الخدري	٧٦
١٧٢.	«نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن الثوب المصمت من الحرير»	ابن عباس	٦٠
١٧٣.	«نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن الحرير، والذهب»	المقدام بن معديكرب	٦٠
١٧٤.	«نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن الديباج، والحرير، والإستبرق»	البراء ابن عازب	٦٢
١٧٥.	«نهى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عن لبس الحرير، وعن التختم بالذهب»	عمران بن الحصين	٦٠
١٧٦.	«نهى عن السدل في الصلاة وأن يغطي الرجل فاه»	أبي هريرة	٨١
١٧٧.	«نهى رسول الله - ﷺ - أن ينتعل الرجل قائما»	جابر	٩٠
١٧٨.	«هل سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئا في الإزار؟ قال: نعم»	أبي سعيد	٢٩
١٧٩.	«وجد عمر حلة إستبرق تباع في السوق فأتى بها رسول الله - ﷺ - فقال يا رسول الله ابتع هذه الحلة فتجمل بها للعيد وللوفود»	ابن عمر	٦٣
١٨٠.	«وعليه ثوبان أخضران»	أبي رمثة	٥٠
١٨١.	«وفد على النبي - ﷺ - قال: رأيت رسول الله - ﷺ - إذا افتتح الصلاة يرفع يديه حذو منكبيه،»	وائل بن حجر الحضرمي	٣٧
١٨٢.	«يا أبا عبد الرحمن، و رأيتك تصبغ بالصفرة؟ قال: رأيت رسول الله - ﷺ - يصبغ بها، فأنا أحب أن أصبغ بها»	عبيد بن جريح	٥١
١٨٣.	«يا رسول الله ماذا تأمرنا أن نلبس من الثياب في الإحرام؟»	ابن عمر	٨٦
١٨٤.	«يا رسول الله، إن إزاري يسقط من أحد شقيه؟ قال: إنك لست منهم»	عبدالله ابن عمر	٢٩
١٨٥.	«يا رسول الله، إني رجل أصيد أفأصلي في القميص الواحد؟ قال: «نعم وازرره ولو بشوكة»	سلمة بن الأكوع	٨٠
١٨٦.	«يا عبادي إني حرمت الظلم على نفسي، وجعلته بينكم محرما، فلا تظالموا»	أبي ذر	٨٨
١٨٧.	«يا معشر الأنصار حمروا وصرخوا، وخالفوا أهل الكتاب»	أبي أمامة	٦٧
١٨٨.	«يا معمر غط فخذيك؛ فإن الفخذين عورة»	ابن جحش	٧٨

فهرست آعلام

شماره صفحه	اسم آعلام	شماره
۳۹	ابن تميمه(أبو العباس تقي الدين أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تميمية ، حراني)	۱
۴۹	ابن جرير طبرى(أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن غالب،)	۲
۲۱	ابن عباس (عبد الله بن عباس بن عبد المطلب)	۳
۲۳	ابن عبد البر (يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر ، النمري)	۴
۴۸	ابن قيم(محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد الزُرعي الدمشقي، أبو عبد الله)	۵
۱۵	ابن كثير(أبو الفداء عماد الدين إسماعيل بن عمرو)	۶
۲۷	ابن ماجه (أبو عبد الله محمد بن يزيد ابن ماجه، قزويني)	۷
۳۶	ابو امامه (صُدِّيُّ بن عَجَلان بن وهب باهلي، أبو أمامة)	۸
۵۵	ابو ذر(جندب بن جُنادة بن سفيان بن عبيد)	۹
۷۲	ابو طلحة(زيد بن سهل بن اسود نجاري و انصاري)	۱۰
۶۱	ابو موسى اشعري(عبد الله بن قيس بن سليم بن حضار بن حرب بن عامر)	۱۱
۴۰	احمد بن حنبل(أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد ، شيباني)	۱۲
۸۳	اسحاق ابن راهويه (إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن إبراهيم بن مطر الحنظلي ، أبو يعقوب المروزي)	۱۳
۳۴	ام سلمه(هند بنت سهيل معروف به أبي أمية حذيفة زوجه رسول اكرم - ﷺ)	۱۴
۴۱	براء بن عازب (براء بن عازب بن الحارث الخزرجي)	۱۵
۴۹	جابر بن عبدالله (جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام بن ثعلبة بن كعب)	۱۶
۲۷	جزري (مبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم ابن الاثير)	۱۷
۱۷	جوهرى (اسماعيل بن حماد تركي جوهرى، ابا نصر الفرابي)	۱۸
۲۳	حاكم (محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم، أبو عبد الله)	۱۹
۵۱	زيد ابن اسلم (زيد بن أسلم القرشي ، العدوى ، أبو أسامة)	۲۰
۵۳	سعد ابن ابى وقاص(سعد بن أبى وقاص و اسمش مالك بن أهيب بن عبد مناف بن زهرة بن كلاب)	۲۱
۵۲	سمرة (سُمرة بن جندب بن هلال الفزاري)	۲۲
۱۶	سيد قطب (سيد قطب إبراهيم حسين، شاربى)	۲۳
۵۲	شوكاني(محمد بن علي بن محمد بن عبد الله، شوكاني)	۲۴
۷۶	صفوان بن يعلى(صفوان بن عمرو بن هرم ، سكسكى ، أبو عمرو)	۲۵
۵۴	عائشه(عائشة بنت أبي بكر الصديق عبد الله بن عثمان، قريشي)	۲۶
۵۹	عبد الله ابن زبير(عبد الله بن الزبير بن العوام القرشي الأسدي، أبو بكر)	۲۷
۵۰	عكرمه(عكرمة بن عبد الله البربري المدني، أبو عبد الله، مولى عبد الله بن عباس)	۲۸
۶۷	قتاده (قتادة بن النعمان بن زيد بن عامر انصاري اوسي)	۲۹
۸۴	مجاهد (مجاهد بن جبر ، و يا ابن جبیر ، مكى ، أبو الحجاج)	۳۰

٣٩	مسور بن مخرمه(مسور بن مخرمة بن نوفل بن أهيب القرشي الزهري، أبو عبد الرحمن)	.٣١
٦٠	معاوية(معاوية بن أبي سفيان (صخر) بن حرب بن أمية ، أبو عبد الرحمن)	.٣٢
٦٠	مقدام بن معديكرب(مقدام بن معديكرب بن عمرو بن يزيد بن معديكرب ، الكندي)	.٣٣
٩٠	نوى (محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف، الحوراني)	.٣٤
٣٨	وائل بن حجر(وائل بن حجر الحضرمي الفحطاني، أبو هنيذة)	.٣٥

فهرست منابع ومصادر

- ١ - ابراهيم ، مصطفى . (١٤٢٥) معجم الوسيط . مكتبة الشروق الدولية ، بيروت ، لبنان ، طبع
چهارم.
- ٢ - ابن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان، أبو بكر، (١٤٠٩ هـ)، مصنف ابن أبي
شيبه ، مكتب دراسات و بحوث ، دار فكر، بيروت ، لبنان ، چاپ اول.
- ٣ - ابن الجوزي، عبدالرحمن بن علي بن محمد . (١٩٧٦) . الوفاء باحوال المصطفى ، المؤسسة
السعيدية : الرياض . طبع دوم .
- ٤ - ابن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله، (١٤٢٢ هـ)، مسند أحمد
بن حنبل ، دار الحديث، القاهرة، ، چاپ اول ، تحقق : حمزة احمد الزين.
- ٥ - ابن رضوان ، عباس بن محمد بن أحمد . (١٤٠٤) . فتح البر في الترتيب الفقهي لتمهيد ابن
عبدالبر . دار المعرفة . مصطفى بابي الحلبي . طبع دوم .
- ٦ - ابن عابدين ، محمد امين بن عمر . (١٣١٦ هـ) . رد المحتار على الدر المختار ، احياء التراث
العربي . بيروت . سال طبع : دوم
- ٧ - ابن عساكر، علي بن الحسن بن هبة الله، أبو القاسم، (١٤١٥ هـ)، تاريخ دمشق ، دار الفكر
للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان ، تحقيق علي شيري.
- ٨ - ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكريا، أبي الحسين، (١٣٩٩ هـ)، مقاييس اللغة ، دار الفكر،
چاپ اول، تحقق: عبد السلام محمد هارون.
- ٩ - ابن قيم الجوزيه ، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين (١٤٠٤) ، زاد المعاد في
هدى خير العباد، مؤسسة الرسالة، بيروت – چاپ اول.
- ١٠ - ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير ، أبو الفداء (١٤٢٠ هـ)، تفسير القرآن العظيم ، دار
طبية للنشر والتوزيع، چاپ دوم ، تحقيق : سامي بن محمد سلامة.
- ١١ - ابن منظور ، محمد بن مكرم بن علي ، (١٣٨٨ هـ) . لسان العرب ، مكتبه مركزية، بيروت
، لبنان .
- ١٢ - ابو داود، سليمان بن الأشعث بن شداد، سجستاني، (١٤٠١ هـ)، سنن أبي داود، المكتبة
العصرية - بيروت، چاپ دوم ، تحقيق : محمد محيي الدين عبد الحميد.
- ١٣ - ازهرى ، محمد بن أحمد ، أبو منصور، (٢٠٠١ م)، تهذيب اللغة ، دار إحياء التراث
العربي – بيروت، چاپ اول ، تحقيق : محمد عوض مرعب.

- ١٤ - اصبحى ، مالك بن أنس بن مالك بن عامر. (١٤١٢هـ). مؤطا امام مالك، مؤسسة الرسالة. بيروت .
- ١٥ - امير صنعاني، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسنى، أبو إبراهيم، عز الدين، (١٤١٧هـ) ، توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار ، دار الكتب العلمية، بيروت- لبنان، محقق :أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عويضة ، چاپ اول .
- ١٦ - باجى ، سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي ، (١٣٣٢ هـ)، المنتقى شرح المؤطا ، مطبعة السعادة - بجوار محافظة مصر، چاپ اول.
- ١٧ - الباني ، محمد ناصر الدين، (١٤٠٩ هـ) ، سلسلة الأحاديث الصحيحة، دار المعارف ، رياض ، چاپ اول .
- ١٨ - بخارى، محمد بن اسماعيل، (١٤٠٢). صحيح البخارى ، عالم الكتب - بيروت چاپ پنجم. (ج ١ ص ٥٣٦ .)
- ١٩ - بزار ، أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبيد الله، أبو بكر (٢٠٠٩م)، مسند البزار، مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، چاپ اول ، تحقيق : د. محفوظ الرحمن زين الله .
- ٢٠ - بهوتي ، منصور بن يونس بن صلاح الدين . (١٤٠٤). كشاف القناع، مكتبة النصر. الرياض . چاپ اول .
- ٢١ - بيهقي ، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى، أبو بكر، [٤٥٨هـ] ، (١٤٢٤هـ) ، سنن الكبرى للبيهقي دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، چاپ سوم، تحقيق : محمد عبد القادر عطا .
- ٢٢ - تدلاوى ، حسن بن رحال بن أحمد . (١٤٠٨ هـ .)، الخرشي على مختصر الخليل. دار المعرفة . بيروت ، طبع اول .
- ٢٣ - ترمذي ، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى ، (١٩٩٨ م) ، سنن الترمذي ، دار الغرب الإسلامي - بيروت ، چاپ اول ، تحقيق : بشار عواد معروف .
- ٢٤ - تميمي ، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان (١٤١٤هـ) . صحيح ابن حبان . مؤسسة الرسالة - بيروت . طبع دوم .
- ٢٥ - جوزي ، ابو الفرج ، جمال الدين عبد الرحمن بن علي بن محمد . (١٤٠٢). زاد المسير في علم التفسير. دار الكتاب العربي - بيروت، تحقيق: عبد الرزاق المهدي.
- ٢٦ - حاكم نيسابوري، محمد بن عبدالله، أبو عبدالله (١٤١١هـ)، المستدرک، دار الكتب العلمية - بيروت ، چاپ اول ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا .
- ٢٧ - حنبلى ، ابن رجب ، عبد الرحمن بن أحمد بن رجب . (١٤٠٤ هـ) . جامع العلوم في اصطلاحات الفنون ، دار المعرفة . مصطفى بابى الحلبي. قاهره ، چاپ اول .

- ٢٨ - خراشي، محمد بن عبد الله . (١٤٠٤) . الشرح الصغير ، دار المعارف : مصر . طبع سوم .
- ٢٩ - دارمي، عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام، أبو محمد ، [١٤١٢ هـ] ، سنن الدارمي ، دار المغني للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية، چاپ اول ، تحقيق : ابو سليم حسين أسد ، سليم، دراني .
- ٣٠ - دهخدا، علي اكبر ، ١٣٧٣ هـ ش ، دانشگاه تهران، لغتنامه دهخدا، ويا فرهنگ دهخدا ماده برنس .
- ٣١ - رازی ، محمد بن أبي بكر بن عبد القاد ، زين الدين ، أبو عبد الله (١٤٢٠) ، مختار الصحاح ، المكتبة العصرية الدار النموذجية ، بيروت صيدا ، چاپ سوم ، تحقيق : يوسف الشيخ محمد .
- ٣٢ - راشد ، معمر بن أبي عمرو . (١٤٠٣ هـ) . جامع معمر بن راشد، المجلس العلمي بباكستان . طبع دوم .
- ٣٣ - زبيدي، عبد الرحمن بن علي بن محمد (١٣١٦ هـ) . تيسير الوصول الي علم الاصول، احياء التراث العربي . بيروت . چاپ اول .
- ٣٤ - زبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق، أبو الفيض، (١٤٠٠ هـ) ، تاج العروس، تراث العربي، بيروت، چاپ اول، تحقيق: عبد العليم الطحاوي .
- ٣٥ - سعدى ، ابو حبيب . (١٤٠٨ هـ) . القاموس الفقهي . دار الفكر . دمشق : سورية . طبع دوم .
- ٣٦ - سفاريني، شمس الدين محمد ابن احمد بن سالم (١٤١٤ هـ) ، غذاء الالباب في شرح منظومة الآداب ، منتشر موسسه قرطبه- مصر . طبع دوم .
- ٣٧ - سيوطي ، عبدالرحمن بن ابى بكر بن محمد (١٣٥١ هـ) ، الفتح الكبير في ضم الزيادة الي جامع الصغير، مصطفى بابي الحلبي، قاهره، چاپ اول .
- ٣٨ - سيد قطب ، (١٤١٢ هـ) ، في ظلال القرآن، دار الشروق - بيروت، طبع هفدهم ، تحقيق : محمد سيد كيلاني .
- ٣٩ - سيوطي، عبد الرحمن بن الكمال، جلال الدين ، (١٩٩٣ م) ، الجامع الصغير من حديث البشير النذير ، دار الفكر - بيروت ، چاپ اول .
- ٤٠ - شافعي ، محمد ابن ادريس . (١٤٠١) ، مسند شافعي، دار الكتب العلمية . بيروت، طبع چهارم
- ٤١ - شيباني، أحمد بن عمرو بن الضحاك بن مخلد أبو بكر بن أبي عاصم ، (١٤١١ هـ) الأحد و المثاني لابن ابى عاصم، دار الراية - الرياض ، چاپ اول ، محقق : د. باسم فيصل أحمد الجوابرة
- ٤٢ - صنعاني، عبد الرزاق بن همام بن نافع ، حميري، أبو بكر (١٤٠٣ هـ) ، مصنف عبدالرزاق، المكتب الإسلامي - بيروت ، چاپ دوم ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي .

- ٤٣ - طبراني ، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير ، أبو القاسم (١٤١٥ هـ) ، معجم الكبير ، مكتبة ابن تيمية - القاهرة ، چاپ اول ، تحقيق : حمدي بن عبد المجيد السلفي .
- ٤٤ - طبراني سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير ، أبو القاسم (١٩٩٠) ، معجم الأوسط ، دار الحرمين ، القاهرة ، چاپ اول ، تحقيق : طارق بن عوض الله بن محمد أبو معاذ - ، و عبد المحسن بن ابراهيم الحسيني .
- ٤٥ - طبري ، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير ، أبو جعفر ، (١٤٢٢ هـ) ، جامع البيان عن تأويل آي القرآن ، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان ، چاپ اول ، تحقيق : الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي .
- ٤٦ - طحان ، دكتور محمود . (١٤٣١ هـ) ، تيسير المصطلح الحديث ، مكتبة البشري . كراچی : پاکستان . طبع اول .
- ٤٧ - طحاوی ، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر ، (١٤١٥ هـ) ، شرح مشكل الآثار ، مؤسسة الرسالة . بيروت ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط . طبع : اول .
- ٤٨ - عثيمين ، محمد ابن صالح . (١٤١٥ هـ) ، شرح رياض الصالحين . دار الثريا للنشر والتوزيع . بيروت ، طبع اول .
- ٤٩ - عسقلانی ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل . (١٤٠٤) فتح الباري . دار المعرفة . بيروت ، چاپ اول .
- ٥٠ - عظیم آبادي ، محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر . (١٣٢٧ هـ) . عون المعبود شرح سنن ابی داود ، دار الكتب المصرية . قاهره ، چاپ اول ،
- ٥١ - عمرو ، محمد عبدالعزيز . (١٤٢٩ هـ) . اللباس و الزينة في الشريعة الاسلامية ، دار النفائس : اردن . طبع اول .
- ٥٢ - غامدى ، ناصر بن محمد . (١٤٣٤ هـ) . لباس الرجل احكامه و ضوابطه في الفقه الاسلامي ، دار طيبة الخضراء : مكة المكرمة . طبع سوم .
- ٥٣ - غورى ، سيد عبدالماجد . (١٤٣٠) . السنة النبوية حجيتها و تدوينها دراسة عامة ، مكتبة العلمية ، بيروت : طبع اول .
- ٥٤ - فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الافتاء : ج ٢٤ - شماره ٣٨١٠ . طبع اول .
- ٥٥ - قزوينی ، محمد بن يزيد ابن ماجه ، أبو عبدالله ، (١٤٠٤ هـ) ، سنن ابن ماجه ، مكتب العلمية ، بيروت ، لبنان ، چاپ اول ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي .
- ٥٦ - قلعه جى ، د محمد رواس ، (١٤٠٥) . معجم لغة الفقهاء . دار النفائس . بيروت : لبنان . طبع اول .

- ٥٧ - كفوى ، ابو البقاء أيوب بن موسى . (١٩٧٤ م) ، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. وزارة الثقافة : دمشق . طبع دوم .
- ٥٨ - لجنة من العلماء . (١٣١٠ هـ) ، فتاوى هندية دار الفكر . بيروت ، چاپ اول .
- ٥٩ - لجنة من العلماء . (١٤٠٤) الموسوعة الفقهية الكويتية ، دار السلاسل : الكويت . طبع دوم .
- ٦٠ - مباركفورى ، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم ، أبو العلا ، (١٤٢٦ هـ) ، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى ، دار الكتب العلمية - بيروت ، لبنان چاپ دوم .
- ٦١ - مرداوى ، علي بن سليمان بن أحمد . (١٤٠٤) . الانصاف فى معرفة الراجح من الخلاف ، دار الكتب المصرية . قاهره ، چاپ اول .
- ٦٢ - مسلم بن الحجاج ، قشيرى ، أبو الحسن ، (١٤٠٤ هـ) ، صحيح مسلم ، دار إحياء التراث العربى - بيروت ، چاپ دوم ، ترقيم : محمد فؤاد عبد الباقي .
- ٦٣ - مناوى ، زين الدين ، محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين ، (١٤٢٨ هـ) ، التيسير بشرح جامع الصغير ، دار الكتب المصرية . قاهره ، طبع اول .
- ٦٤ - موصلى ، أبو يعلى أحمد بن علي بن المثنى بن يحيى بن عيسى بن هلال . (١٤٠٤ هـ) . مسند ابي يعلى موصلى ، دار المامون للتراث . دمشق : چاپ اول .
- ٦٥ - نسائى ، أحمد بن شعيب بن علي ، أبو عبد الرحمن ، [ت ٣٠٣ هـ] ، ١٤٣٢ هـ ، سنن النسائى ، دار المعرفة ، بيروت ، لبنان ، چاپ اول ، تحقيق : مكتب تحقيق التراث الاسلامى .
- ٦٦ - نووي ، محيي الدين يحيى بن شرف (٢٠١٠) ، المجموع شرح المهذب ، دار الفكر . بيروت .
- ٦٧ - هيثمى ، نور الدين ، علي بن أبي بكر بن سليمان . (١٣٥٢ هـ) . مجمع الزوائد ، مكتبة القدسي . بيروت ، طبع دوم .

Summary of the discussion

The summary of this booklets is as follows.

The Muslim dress is his adornment and beauty, the Muslim does not make his clothes become a means of his pride and arrogance. Of course, the desire to wear beautiful clothes is not a reason to be proud. some of the companions (may Allah be pleased with them) thought that this was a sign of their pride and selfishness and were saddened by this, but the messenger of god (may god bless him) verse (**إن الله جميل يحب الجمال**)) means: God is beautiful and loves beauty.

Do not spend a lot of money to buy clothes because it is considered extravagant, it is better to be moderate, moderation in everything is desirable and fair.

In the type of clothing, we have to choose the appropriate clothing according to our situation, and women should not wear men cloths and this is not appropriate for men to wear women clothes. In a hadith from the messenger of Allah (peace and blessing be up on him) said: **(لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس لبسه المرأة، والمرأة تلبس لبسه الرجل)**

Means of Hadith, excellency Muhammad (PBH) cursed men that wear women cloth and woman that wear man cloth.

And also men have to prevent from wearing of silk clothing and gold jewelry wearing: excellency Muhammad (PBH) said: **(حُرِّمَ لباس الحرير والذهب على ذكور أمتي، وأحل لإناثهم)** means of hadith silk cloth and gold jewelry refrained to my followers, and lawful for their women.

The proper fit and size of the clothes is also very important. No one with small stature should wear large clothes and physique

person should not wear small clothes so as not to cause ridicule, and also its color should be appropriate for the age of the people.

And you should wear white a lot! The prophet (peace and blessing be up on him) said: (البسوا من ثيابكم البيضاء؛ فإنها أطهر وأطيب، وكفنوا فيها موتاكم) wear your white clothes which that is your best cloth and coffin your died person, this command is for the sake of being accepted and liked, not compulsory. It is not fair for human to wear unappropriated cloths.

Thank god in wearing new cloths, because the messenger of god (PBH) used to announce when wear new cloths to name of: a shirt, a garment, or a turban, he called out and said: (اللهم لك الحمد أنت كسوتني) (O God praise be to him. Thank you that you covered it for me. I ask you for the good of it and the good what is made for it, and I seek refuge in you from its evil of what is made for it.

The Muslim praises his lord for the blessing of his clothes and recites this prayer: (الحمد لله الذي كساني ما أوارى به عورتى وأتجمل به فى الناس) means thanks that god which wear me clothes that covered parts of my body to achieve beauty among people.

The companions of the prophet (peace and blessing be up on him) used to say to him when he was wearing a new garment: make it old and may Allah and may Allah grant it to you again. The messenger of god (peace be up on him) saw Omar ibn al-khatib(may God be blessed with him) who was wearing new cloths , and said to him : (البس جديداً، وعش حميداً، ومت شهيداً) praise be to God , and may your death be with martyrdom.

It is necessary for a Muslim to consider to consider the etiquette and wear it from the right side when wearing the first garment and when He want take it out takeout it from the left side.

The Muslim person tries to keep his clothes clean; the cleanliness of the clothes gives the person the necessary respect and dignity in the community.

Perfume and Balm in clothes, whenever someone gave a perfume or fragrance to the prophet (peace and blessing be up on him) did not reject it, that excellency (PBH) liked good smell, so how beautiful it is for Muslim clothes to be fragrant and perfume.



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master's Program in Tafsir & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

Dress in The Light of Prophetic Sunnah (P.B.U.H)

A Master's thesis

Student: Shukrullah (Amiri)

Supervisor: Dr.Fasihullah (Abdul Baqi)

Year: ۲۰۱۹



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master's Program in Tafsir &
Hadith



Islamic Emirate of
Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic affairs

Dress in The Light of

Prophetic

Sunnah (P.B.U.H)

A Master's thesis

Student: Shukrullah (Amiri)
Supervisor: Dr.Fasihullah (Abdul Baqi)

Year: ۲۰۱۹